Vol. 7 | No. 1867 | Mon. Feb 1. 2021 | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۹ | ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ | سال هفتم | شماره ۱۸۶۷ | ۸ صفحه | قیمت: ۳۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	۱۱۱۴۲۰۰۰ تومان	۱۲۵۱۰۴۱

همزمان با آغاز ایام‌الله دهه فجر و در آستانه چهل‌ودومین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی

حضور رهبر معظم انقلاب در مرقد حضرت امام (ره) و گلزار شهدا

صفحه ۲

واکنش محمدباقر نوبخت در خصوص یکسان‌سازی حقوق بازنشستگان کشوری، لشکری و تامین اجتماعی

متوسط سرانه حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی باید ۸/۸ میلیون تومان می‌شد

صفحه ۲

شورای شهر تهران به افزایش ۵۰ درصدی عوارض ساختمانی رای داد

سبقت رشد عوارض ساختمانی از تورم

گروه راه و شهرسازی | دیروز با موافقت اعضای شورای شهر تهران، نرخ عوارض ساختمانی، نرخ عوارض تردد جهت مدیریت ترافیک، نرخ عوارض حفظ و گسترش فضای سبز و نرخ عوارض پارک حاشیه‌ای تصویب شد. اعضای شورا در دویست و شصت و هشتمین جلسه علنی شورا لایحه شهردار تهران مبنی بر «اصلاحیه مصوبه تعیین عوارض تردد جهت مدیریت ترافیک، کاهش تقاضای سفر و کنترل آلودگی هوا در سال ۱۳۹۹» را با ۲۵ درصد افزایش به تصویب رساندند. همچنین بر اساس لایحه تعیین نرخ عوارض پارک حاشیه‌ای در سال ۱۴۰۰ نرخ پایه عوارض پارک حاشیه‌ای از ۲۰ درصد به ۲۵ درصد افزایش یافت.

صفحه ۵ را بخوانید

تولید خودروسازان نزولی شد

افت تولید خودرو در دی ۹۹

۷

عکس: ایرنا

رییس انجمن واردکنندگان تجهیزات پزشکی شفاف‌سازی کرد

ماجرای گم شدن ۱/۳ میلیارد ارز ترجیحی

صفحه ۷

جلسه غیرعلنی بررسی بودجه در مجلس برگزار شد

پای روحانی به بهارستان باز می‌شود؟

صفحه ۲

نظارت بر عملکرد نوردی‌ها دشوار است

ابطال معامله صوری در بورس کالا

صفحه ۴

پاسخ وزیر بهداشت به حاشیه‌های واکسن روسی:

واکسن را اول به خانواده خودمان تزریق می‌کنیم

اجازه موج سواری اقتصادی نمی‌دهم

صفحه ۸

یادداشت - ۱

زخم ناسور معیشت بازنشستگان

علی دهقان کیا

آقای نوبخت اخیرا اظهارنظرهایی درخصوص بحث متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان و ضرورت پاسخگویی به مطالبات این قشر مطرح کرده‌اند که به نظر می‌رسد ضروری است مورد توجه مسوولان تصمیم‌ساز در کمیسیون تلفیق و سایر نمایندگان نیز قرار بگیرد. در شرایط فعلی موضوع روز بازنشستگان، موضوع متناسب‌سازی و در واقع تبعیضی است که میان بازنشستگان کشوری و بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی به وجود آمده است. همان‌طور که حتما مستحضرید تا پایان سال ۹۸ دریافتی شاغلین کشوری حداقل ۵۰ درصد افزایش پیدا کرد. بعد از این مرحله اعلام شد که قرار است دریافتی بازنشستگان کشوری نیز متناسب‌سازی شود. در واقع بازنشستگان کشوری هم از ۵۰ درصد افزایش دریافتی‌ها استفاده کردند و هم اینکه در ادامه از ۱۰ هزار میلیارد تومانی اضافه تخصیص داده شده توسط سازمان برنامه و بودجه بهره بردند. این موارد و تخصیص‌ها باعث شد تا عقب‌ماندگی و گپ زیادی میان دریافتی بازنشستگان تامین اجتماعی و سایر بازنشستگان ایجاد شود. این تفاوت‌های عیان، باعث ناراحتی بازنشستگان شد و فشار زیادی را روی کانون‌های بازنشستگی و البته نهادهای تصمیم‌ساز ایجاد کرد تا این مطالبات را به گوش مسوولان برسانند. طی هفته‌های اخیر بارها مسوولان کانون عالی بازنشستگان جلساتی را با آقای نوبخت، رییس سازمان برنامه و بودجه برگزار کردند تا مشکلات این بخش حل و فصل شود. آقای نوبخت هم نظر مثبتی برای بهبود معیشت بازنشستگان دارند. در واقع ایده آقای نوبخت این است که کانون فرمولی را تدارک ببینند تا مبتنی بر آن بخشی از این عقب‌ماندگی بازنشستگان تامین اجتماعی جبران شود. این در حالی است که ایده افزایش ۵۰ درصدی دریافتی حقوق بازنشستگان کشوری بعد از افزایش حقوق ۵۰ درصدی شاغلین ایجاد شده، در حالی که افزایش حقوق شاغلین بخش تامین اجتماعی یک بار در سال و با اعداد و ارقام بسیار پایین‌تر توسط شورای عالی کار (حتی پایین‌تر از نرخ تورم جامعه) انجام می‌شود. بر این اساس کانون بازنشستگان جلساتی را با آقایان قالیباف و نادران برگزار کرده تا مطالبات را به گوش مجلسیان نیز برسانند. اما به نظر می‌رسد که توجهی به این خواسته‌ها نشده است. حرف کلی این است که این تبعیض باید از میان برود؛ اگر این تبعیض از میان نرود، هیچ فرد و گروهی نمی‌تواند جلوی بازنشستگان برای اعتراض را بگیرد. ممکن است کانون تا حدی بتواند مردم را قانع کند اما زمانی که ما هم نتوانیم استدلال منطقی برای بازنشستگان ارایه کنیم، تبعات خطرناکی متوجه کشور خواهد شد، چراکه این گروه از بازنشستگان احساس تبعیض می‌کنند و تلاش خواهند کرد تا نسبت به این تبعیض‌ها اعتراض کنند. حرف صریح من متوجه آقایان نادران و قالیباف در مجلس است که به نظر می‌رسد در برابر مطالبات قانونی بازنشستگان سنگ‌اندازی می‌کنند. این مسوولان باید بدانند که اعتراضات بازنشستگان را کانون‌های بازنشستگی برنامه‌ریزی نمی‌کنند، این بازنشستگان احساس می‌کنند که با وجود تلاش‌هایی که برای اقتصاد کشور کشیده‌اند، امروز به مطالبات آنها بی‌توجهی می‌شود. بنابراین نخستین بحث، در بحث بازنشستگان پایان دادن به تبعیض دامنه‌داری است که میان بخش‌های مختلف وجود دارد و باید هر چه سریع‌تر به این تبعیض‌ها پایان داده شود. اگر به این مطالبات توجه نشود، این موضوع عواقب خطرناکی برای کمیسیون تلفیق و مجلس و کل کشور خواهد داشت. موضوع مهم بعدی بدهی دامنه‌دار دولت به سازمان تامین اجتماعی است که براساس قانون تا پایان برنامه ششم باید به صفر می‌رسید. دولت همان‌طور که برای حل مشکلات اقتصادی خود شرکت‌های سودده دولتی را واگذار می‌کند، می‌تواند تعدادی از این شرکت‌های سودده را نیز برای پرداخت بدهی‌های خود به سازمان تامین اجتماعی تخصیص دهد. بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی است، اگر دولت‌ها به موقع این بدهی را پرداخت می‌کردند این منابع با سرمایه‌گذاری مناسب تا به امروز به بیش از یک تریلیون و ۴۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده بود و این رقم قادر بود بخشی از مشکلات تامین اجتماعی را جبران کند. این محاسبه ما نیست، این محاسبه نهادهای مسوول و کارشناسان متخصص است. این سرمایه‌ای بسیار بالاست که سازمان تامین اجتماعی با استفاده از آن می‌توانست هم حقوق بازنشستگان را متناسب با شرایط اقتصادی افزایش دهد و هم خدمات درمانی و بهداشتی مطلوب‌تری ارایه کند و هم سایر نیازهای مخاطبان خود را پاسخ دهد. سازمان تامین اجتماعی هرگز باری بر دوش نظام سیاسی نبوده است؛ اما این مسوولان بوده‌اند که همواره دست در جیب سازمان کرده‌اند و کارایی سازمان را کاهش داده‌اند. بنابراین نمایندگان کمیسیون تلفیق و سایر مسوولان باید بدانند زخم‌هایی که بر پیکره معیشت بازنشستگان وارد آمده، دیگر به شکل ناسور و عمیق درآمده است. بازنشستگان احساس می‌کنند تبعیض عمیقی میان آنها و سایر بازنشستگان کشوری و... ایجاد شده است. زمانی که حرف آنها به گوش مسوولان نرسد یا تلاشی برای پاسخگویی به مطالبات آنها انجام نشود، طبیعی است که طیف‌های مختلف بازنشسته خود به میدان خواهند آمد تا صدای اعتراض خود را به گوش مسوولان برسانند. این زخم ناسور باید مورد مراقبت و درمان قرار بگیرد و این تبعیض باید جای خود را به عدالت دهد.

یادداشت - ۲

بی‌اثر بودن کاهش نرخ ارز بر قیمت‌ها

محمدقلی یوسفی

برخی این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا با کاهش نرخ ارز، قیمت کالاها کاهش نمی‌یابد. دلیلش این است که در اقتصاد ایران، اولا کاهش نرخ ارز یک روند باثبات نداشته تا سیگنال‌های خرید و کاهش هزینه تمام شده برای مدت چند ماه ایجاد شود، دوما بخش خصوصی و تولید تقویت نشده و ساختار اقتصاد وابسته به واردات و فروش نفت و ارز صادراتی است و همه این مسائل باعث شده که حساسیت روی ارز زیاد شود و حتی شاخص بورس با افزایش نرخ ارز بالا می‌رود و با کاهش نرخ ارز کاهش می‌یابد. این مطالب نشان می‌دهد که شرایط ساختاری به گونه‌ای نیست که با کاهش نرخ ارز برای چند ماه انتظار کاهش قیمت‌ها را داشته باشیم. لذا با کاهش نرخ ارز نباید انتظار داشت قیمت‌ها در بازارهای دیگر هم به سرعت کاهش یابد چرا که این موضوع نیاز به زمان و به ثبات رسیدن بازار ارز دارد. کم شدن نرخ ارز از ۳۰ هزار تومان به ۲۴ هزار تومان فعلی را نمی‌توان کاهش نرخ ارز نامید و انتظار کاهش قیمت‌ها در دیگر بخش‌های اقتصاد کشور را داشت چرا که این موضوع زمان‌بر خواهد بود، اقتصاد ایران متکی به نفت است و اقتصاد مستقل تولیدی ندارد بنابراین نیروی محرکه آن دولت است که با یک اقتصاد آزاد کاملا متفاوت است. در چنین اقتصادی که قیمت‌ها دستوری مطرح می‌شود نمی‌توان واژه چسبندگی قیمت را در آن به کار برد چرا که این اصطلاح علمی در اقتصادهای باز کاربرد دارد و در این جوامع فروشنده تمایلی به کاهش قیمت نشان نمی‌دهد. در اقتصاد آزاد این بخش خصوصی است که زمام امور را به دست می‌گیرد اما متاسفانه در اقتصاد دولتی ایران، بازار نمی‌تواند آنطور که باید و شاید کار کند. در چنین اقتصادی به دلیل مداخلات داخلی انگیزه از بخش خصوصی گرفته می‌شود چرا که هم تناسب قیمت‌ها بر هم می‌ریزد هم اینکه قدرت برنامه‌ریزی و برآورد از فعالان اقتصادی گرفته می‌شود. در اقتصاد ایران متکی به صادرات نفت و واردات کالا هستیم یعنی هر چه بیشتر نفت بفروشد به واردات آن نیز افزوده می‌شود، بنابراین زمانی که فروش نفت کم شود، میزان واردات نیز کاهش می‌یابد و از سوی دیگر با توجه به نبود تولید داخل و کمبود عرضه شاهد بالا رفتن قیمت‌ها خواهیم بود. دولت باید فضای کسب و کار برای تولید بیشتر در داخل را فراهم کند اما متاسفانه در حال حاضر تولید ما ریشه داخلی ندارد و عمده واردات ما نیز به صورت کالاهای نیمه آماده‌ای وارد می‌شود که در اینجا به کالای نهایی تبدیل شود نه اینکه مواد خامی باشند برای تولید یک کالا.

ادامه در صفحه ۷

یادداشت - ۳

گذار ناگزیر!

حسین حقگو

در روزهای اخیر شاهد مخالفت دو مقام مسوول با قیمت‌گذاری کالاها و خدمات بودیم. دو مقامی که به لحاظ مواضع سیاسی اگر نه مخالف یکدیگر حداقل آنکه از یک جنس نیستند. علیرضا رزم‌حسینی، وزیر صمت با اعلام اینکه با هرگونه قیمت‌گذاری دستوری مخالفم، گفت: «معتقدم که به عنوان بخش دولتی باید به دنبال سیاستگذاری، تسهیل شرایط برای تولید و جذب سرمایه‌گذار و این گونه کارهای حاکمیتی باشیم و دیگر کارها از قبیل قیمت‌گذاری، کنترل و نظارت بر بازار را به همین تشکل‌ها، انجمن‌ها و بخش خصوصی توانمند مانند دیگر کشورهای توسعه‌یافته واگذار کنیم.» (دنیای اقتصاد- ۹۹/۱۱/۱۱) فریدون عباسی، رییس کمیسیون انرژی مجلس نیز از جمله دلایل کمبود گاز را عدم صرفه‌جویی از سوی مردم و نبود مدیریت منسجم در حوزه انرژی دانست و گفت: معتقدم باید قیمت حامل‌های انرژی از جمله آب و برق واقعی شود، در واقع باید هزینه تمام شده آن از مصرف‌کننده دریافت شود تا بتوان آن را در حوزه ایجاد زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری کرد. (ایران — ۹۹/۱۱/۱۱)

ادامه در صفحه ۷

یادداشت - ۴

نابینایی استراتژیک در خصوص کسب و کار خرد

محمدحسین ادیب

اگر قرار باشد یک ایراد اساسی و یک مشکل بنیادین را در خصوص راهبردهای اقتصادی دولت آقای روحانی مطرح کنیم، رویکردی است که این دولت نسبت به کسب و کار کوچک و متوسط به کار گرفته و راهبردهای ضروری است که می‌بایست در این زمینه به کار بگیرند اما نگرفته‌اند. دولت هیچ محرک مالی قابل توجهی یا هیچ راهبرد اثرگذاری در خصوص بهبود شاخص‌های این نوع مشاغل ارایه نکرد. معتقدم محور تفکری که هر کابینه‌ای باید در پیش بگیرد احیای کسب و کار خرد است. چرا که زیربنای هر نوع رشد پایداری از این نوع مشاغل ایجاد می‌شود. در همه جای دنیا گفته می‌شود بوروکراسی دولت وسیله‌ای برای خدمت به کسب و کار خرد، است در حالی که دولت یک چنین هدفی را مورد توجه قرار نداده است. در شرایطی که قرار بود دولت‌ها در ایران (واساسا همه جای دنیا) به وسیله‌ای برای احیا و رشد مشاغل خرد بدل شوند، بدل به هدف و کانون تصمیم‌سازی‌ها شده به گونه‌ای که کل بودجه کشور صرف هزینه‌های جاری دولت می‌شود.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت - ۵

اقتصاد کلان و ظرفیت بازار سرمایه

مرتضی دلخوش

شرایط اقتصادی ایران در سال‌های گذشته به شکلی پیش‌رفته که امروز بخش مهمی از جامعه در کنار درآمدهای ثابت خود به دنبال به دست آوردن درآمدهایی هستند که گذران زندگی را برای آنها تسهیل کند. در واقع حضور بخش مهمی از جامعه در بازارهای مختلف نشان‌دهنده دو موضوع مهم است. نخست آنکه با توجه به افزایش هزینه‌های جاری، بخش مهمی از جامعه برای گذران زندگی و برطرف کردن نیازهای جاری، نیاز به درآمدهای جدای از حقوق و درآمدهای ثابت‌شان دارند. از سوی دیگر با توجه به نرخ بالای تورم و سقوط ارزش ریال، بخشی از جامعه نیز نگران این هستند که ارزش پس‌اندازهای ریالی‌شان افت کند و از این رو به دنبال تبدیل پس اندازهای‌شان به ارزشی جز ریال هستند. در سال‌های گذشته ما بارها دیده‌ایم که وقتی شرایط یک بازار تغییر می‌کند و قیمت‌ها در آن افزایش پیدا می‌کنند، حجم قابل توجهی از نقدینگی سرگردان به این بازارها هجوم می‌آورند و همین موضوع نظم بازار را بر هم می‌زند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت - ۶

اثر عوارض ۵۰ درصدی ساخت بر مسکن

مجید اعزازی

پارلمان شهری پایتخت دیروز به افزایش ۵۰ درصدی عوارض ساختمانی در سال ۱۴۰۰ رای داد. مساله‌ای که دامنه دریافت عوارض برای ساخت هر متر مربع واحد مسکونی را در مناطق مختلف تهران به حدود یک میلیون ۳۰۰ هزار تومان تا ۲ میلیون تومان افزایش خواهد داد. به عبارتی هزینه عوارض ساختمانی یک آپارتمان ۱۰۰ متری در مناطق جنوبی تهران حدود ۱۳۰ میلیون تومان و در مناطق شمالی پایتخت حدود ۲۰۰ میلیون تومان خواهد بود. اگر چه سهم این عوارض در قیمت‌های کنونی برای مناطق جنوبی تهران حدود ۵ درصد و برای مناطق شمالی حدود ۳ درصد برآورد می‌شود، اما بی‌گمان، در سال آینده و با افزایش هر چند ناچیز قیمت‌های ملک، این سهم نیز دستخوش تغییر خواهد شد و سهم آن از قیمت معامله شده نیز کاهش خواهد یافت. با وجود این، با توجه به اینکه میانگین رشد قیمت هر متر مربع مسکن طی سه سال گذشته از حدود ۵ میلیون تومان به ۲۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان در دی‌ماه سال جاری رسیده است...

ادامه در صفحه ۷

گزارش روز

فرشاد مومنی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی:

کمیسیون تلفیق کشور را در لبه پرتگاه خطرناکی قرار داد

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی اظهار داشت: هر کارشناس منصفی ناگزیر است با وجود همه انتقاداتی که به جهت‌گیری‌های اتخاذ شده از هیات‌وزیران داشته در مقایسه با آنچه که در کمیسیون تلفیق انجام داده با قاطعیت بگوید که هزاران رحمت بر دولت در مقابل آنچه کمیسیون تلفیق انجام داده است. فرشاد مومنی در گفت‌وگویی با خبرگزاری «ایلنا» در مورد افزایش بودجه عمومی کشور در کمیسیون تلفیق اظهار داشت: در حالی که شدیدترین انتقادات چه از ناحیه بخش عمومی، دانشگاهی و جامعه مدنی و چه از ناحیه طیف‌های مختلف فکری و سیاسی درون مجلس بر انبساط افراطی نزدیک بر ۴۶ درصدی سند لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ نسبت به سال گذشته موضوع فراگیری بود که رسانه‌ها و حلقه‌های مختلف ذی‌نفعان بحث می‌کردند؛ با کمال شگفتی و نگرانی شدیدتر شاهد این هستیم که کمیسیون تلفیق یک رشد نزدیک به ۳۵ درصدی به آن انبساط مالی افراطی پیش‌بینی شده در سند لایحه بودجه ۱۴۰۰ اعمال کرده و از این نظر کشور را در لبه پرتگاه بسیار خطرناکی قرار داده که باید از همه اهل درد و نظر کمک خواست تا با روشنگری‌های بایسته خود اکثریت نمایندگان مجلس را متوجه عواقب شوم، خطرناک و فاجعه‌ساز این تحول چشمگیر بکنند. وی ادامه داد: این موضوع یاس و سرخوردگی جدید و بسیار خطرناک‌تر راجع به ماهیت جهت‌گیری‌های مجلس جدید را پدید می‌آورد و آنهایی که با اوصاف انقلابی و از این قبیل مورد خطاب قرار می‌دادند به واقع جای شگفتی است که چگونه کسانی را به کمیسیون تلفیق فرستادند که چنین اقدام خطرناکی را انجام دهند و اندازه بودجه عمومی را از ۸۴۱ هزار میلیارد تومان به ۱۱۴۳ هزار میلیارد تومان برسانند. مومنی تصریح کرد: ابتدایی‌ترین نکته در این زمینه این است که در چارچوب همان رویکرد حکومت کوته‌نگرانه، رانتی و حامی‌پرورانه که متاسفانه در اقتصادهای توسعه‌نیافته رانتی وجود دارد، نمایندگان محترم کمیسیون تلفیق گوی سبقت را از همتایان خود در سازمان برنامه و بودجه و هیات وزیران ربودند و جلوه‌هایی از در افتادن در دام رویکرد چرتکه‌ای به بودجه از خود نشان دادند. هر کارشناس منصفی ناگزیر است با وجود همه انتقاداتی که به جهت‌گیری‌های اتخاذ شده از هیات وزیران داشته در مقایسه با آنچه که در کمیسیون تلفیق انجام داده با قاطعیت بگوید که هزاران رحمت بر دولت در مقابل آنچه کمیسیون تلفیق انجام داده است. استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی خاطرنشان کرد: من در نهایت خضوع و ادب به نمایندگانی که باید در صحن علنی مجلس تصمیم بگیرند گوشزد می‌کنم؛ در اقتصادهایی که با بحران قسمت عرضه کل روبرو هستند انبساط افراطی مالی به معنای پرتاب کردن کل فرودستان به انتهای باتلاق فلاکت و فقر خواهد بود و این مساله فراتر از آن چیزی است که در کشورهای صنعتی به عنوان سوءاستفاده از توهم پولی شهروندان در آستانه سیکل سیاسی از آن نام برده می‌شود. بنابراین با اطمینان عرض می‌کنم اگر نمایندگان مجلس در صحن علنی این اوضاع وحشتناک و نابسامان را به اعتبار مصوبه کمیسیون تلفیق را اصلاح نکنند ما چشم‌اندازی از تورم بسیار شدیدتر از آنچه در ۳ سال اخیر با آن روبرو بودیم، خواهیم داشت.

ادامه در صفحه ۲

رهنمود

حضور رهبر معظم انقلاب در مرقد امام راحل و گلزار شهدا

همزمان بـا آغاز ایـام‌الله دهه‌فجر و در آسـتانه چهل‌ودومین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسـلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در نخستین ساعات صبح روز یکشنبه در مرقد بنیان گذار کبیر انقلاب اسلامی حاضر شدند و با قرائت نماز و قرآن، یاد و خاطره امام عظیم‌الشأن ملت ایران را گرامی داشتند. رهبر انقلاب اسلامی همچنین با حضور بر مزار شهیدان عالی‌مقام بهشتی، رجایی، باهنر و شهدای حادثه هفتم تیر ۱۳۶۰، علوّ درجات آنان را از خداوند متعال مسألت کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سپس در گلزار شهیدان سرافراز حضور یافتند و بـه ارواح مطهر مدافعان اسـلام و ایران درود فرستادند.

سیاست

آمادگی ایران برای تسهیل گفت‌وگوی طالبان و دولت

هیات طالبان به ریاسـت ملا برادر که در تهران به سر می‌برد صبح دیروز با محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان دیدار و گفت‌وگو کرد. ظریف در این دیدار ضمن ابراز خشنودی از ایده تشکیل حکومتی همه شمول با حضور همه اقوام و گروه‌های سیاسی در افغانستان اظهار داشت: تصمیمات سیاسی نمی‌تواند در خلأ اتفاق بیفتد و تشـکیل حکومت همه شـمول بایـد در یک فرایند مشـارکتی و با در نظر داشـت ساختارها و نهادهـا و قوانین بنیادی مانند قانون اساسـی شـکل گیرد. اعلام آمادگی جمهوری اسـلامی ایران برای تسهیل گفت‌وگو بین طالبان و دولت و دیگـر گروه‌های افغانسـتانی بخش دیگری از صحبت‌های وزیر امور خارجه کشورمان با طالبان بود و در این ارتباط ظریف تاکید کرد: مردم خوب افغانستان مظلوم واقع شـده‌اند جنگ و اشغال افغانسـتان لطمات سنگینی به مردم افغانستان وارد ساخته است، امیدوارم که تمام تلاش شما آن باشد که آلام و مشکلات مردم هرچه زودتر به پایان رسد و با برقراری صلح در افغانستان هرچه زودتر بهانه اشغالگران از دستشان خارج شود. در ابتدای این دیدار ریاست هیات طالبان گزارشی از روند صلح و گفت‌وگوهای بین الافغانی ارایه کرد و تاکید داشت که روابط ایران و افغانستان همواره روابطی بر بنیاد دوستی و حسن همسایگی بوده و امیدوار هسـتند که با برقراری صلح و آرامش در افغانسـتان روابط دو کشـور بیـش از پیش گسـترش یابد. ملابرادر در این ملاقات با اشاره به نقش مخرب داعش در افغانستان و منطقه از روند گفت‌وگوهای بین الافغانی اظهار خشنودی کرده، تشکیل دولتی همه شمول با حضور همه اقوام و گروه‌های سیاسـی را امری ضروری برای برقراری صلح کامل در افغانستان دانست.

در برابر تحریم پیروز شدیم

رییس سـازمان پدافند غیرعامل کشـور گفت: آنچه شـیرینی سـالگرد انقـلاب را دوچندان کرده، احساس پیروزی در برابر تهدید، تحریم و فشار حداکثری است.

در پیام سردار غلامرضا جلالی آمده است:

«جشـن چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسـلامی ایران امسـال در حالی برگزار می‌شود که درخـت تناور انقلاب، سـرافرازتر، پویاتر و با نشـاط‌تر از همیشـه است و شـعارهای انقلاب اسـلامی همچنان محور کانونی و قوام بخش به هویت جامعه ایرانی اسـت. اما مهم‌ترین ویژگی دهه فجر امسـال، پیروزی و جشـن ملی برای منکوب کردن دشمن در کارزار فشار حداکثری و عبور از تهدید است. آنهایی که چشمان خود را برای فروپاشی نظام تیز و دل‌های خود را صابون زده بودند امروز مغموم‌تر از همیشـه آمدن بهار پیروزی و رخت بربستن زمستان فشار حداکثری و روسـیاهی امثال ترامپ، بولتن، نتانیاهو و بن سـلمان را نظاره‌گرند. چله دوم انقلاب اسلامی اما چله قوی شـدن است. ما هیچ راهی جز قوی شدن نداریم. تنها قوی بودن ایران و قرار گرفتن ما در قله‌های سیاسی، اجتماعی، علمی، اقتصادی و دفاعی اسـت که می‌تواند برای سـاکنین این مرز و بوم آسایش، پیشـرفت و رفاه را به ارمغان آورد. در آسـتانه قـرن ۱۴ هجری شمسـی ما همچنان استوار، ایستاده‌ایم و یکی پس از دیگری چالش‌ها، سـختی‌ها و بحران‌ها را کنار می‌زنیم. مسیر طولانی اسـت اما افق دسـتیابی به گنج افتخار، رنج این راه صعـب و عبور از گردنه‌های پرپیچ و خم را برما گوارا می‌کند. آنچه شیرینی و حلاوت جشـن ملی چهل و دومین سـالگرد انقلاب اسلامی را دوچندان کرده است احساس پیروزی در برابر تهدید، تحریم و فشار حداکثری توامان از سوی جبهه استکبار است. قطعا دولت جدید امریکا نیز چاره‌ای ندارد که در برابر قدرت ملی ایرانیان کرنش کند. حرف آخر اینکه انقلاب اسـلامی در تمامی طول حیات خـود دو رکن کلیدی داشته و آن رهبری و مردم بوده است. باید مراقب وسوسـه خناسان و توطئه مکاران باشیم که همانا هدف اصلی آنها تضعیف جایگاه رهبری و نقش آفرینی مردم است. یاد شهدا، امام شهدا و همـه آنهایی که در این چهل و دو سـال برای عزت و سربلندی ایران اسـلامی هرچه داشتند در طبق اخلاص گذاشتند گرامی می‌داریم و بر سیدالشهدای محور مقاومت قاسم سلیمانی که همیشه سرباز این انقلاب بود، درود می‌فرستیم.»

جلسه غیرعلنی بررسی بودجه در مجلس برگزار شد

پای روحانی به بهارستان باز می‌شود؟

تکلیف کلیات بودجه سـه شـنبه این هفته در مجلس مشخص خواهد شد. این جدیدترین خبری است که روز گذشته از بهارستان به گوش رسید و به نظر می‌رسد با نهایی شدن گمانه‌زنی‌ها سرانجام نمایندگان مجلس یازدهم در پیش از پایان هفته جاری مشـخص خواهند کرد که سر همراهی با لایحه دولت را دارند یا پس از حدود دو ماه بحث و جدل حتی به کلیات بودجه نیز رای نخواهند داد؟

در شـرایطی که طبق اعلام اعضای کمیسـیون تلفیق، بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ از روز ۱۴ بهمن در صحن علنی مجلس کلید خواهد خورد، روز گذشته (یکشنبه) نمایندگان مجلس در یک جلسه غیرعلنی به بررسی این لایحه پرداختند، موضوعی که سوال‌ها و ابهام‌هایی را به وجود آورد. با توجه به اینکه در هفته‌های گذشته بحث و گمانه‌زنی‌های فراوانی درباره نظر مجلس نسبت به لایحه پیش‌بینی شده از سوی دولت مطرح شده و با وجود آنکه با رسیدن به نیمه بهمن، دو ماه است که لایحه در اختیار نمایندگان است و هنوز تکلیف برنامه اقتصاد ایران برای سال آینده مشخص نیست، به نظر می‌رسید برگزاری یک جلسه علنی که پس از چکش کاری دو ماه بودجه در بهارستان، تا حدی تصور نمایندگان از لایحه را معلوم کند گزینه‌ای خواهد بود که به اجرا در می‌آید اما سـرانجام نمایندگان ترجیح دادند، نخستین جلسه در صحن را به شکل غیرعلنی برگزار کنند. مجلس یازدهم در ماه‌های گذشته نیز برای بررسی بسیاری از طرح‌ها و قوانین جلسات غیرعلنی برگزار کرده بود و حالا به نظر می‌رسـد همین رویه در تدوین و تنظیم بودجه نیز ادامه پیدا کند.

در جلسـات غیرعلنی در کنار آنکه جزییاتی از مذاکرات نمایندگان منتشر نمی‌شود، نمایندگان دولت نیز به شکل جزئی در جریان صحبت‌ها قرار نمی‌گیرند و این موضوع می‌تواند بررسی‌های آینده را با سوالات بیشتر همراه کند.

گزارش کمیسیون تلفیق برای نمایندگان

محمدباقر قالیباف در آغاز جلسـه علنی روز یکشنبه در توضیح نشسـت غیر علنی اظهار کرد: از ساعت ۸ صبح جلسه غیرعنی آغاز شد و این نشست تا ساعت ۱۰ ادامه داشـت. در این جلسه درباره مسـائل مربوط به بودجه و گزارش کمیسیون تلفیق بحث و تبادل نظر صورت گرفت. محمدحسین فرهنگی سخنگوی هیات رییسه مجلس نیز درباره چگونگی برگزاری این نشست توضیحاتی ارایه داد. او گفت: در جلسه غیر علنی نزدیک به دو ساعت بحث بودجه را داشـتیم علت اینکه این جلسات به صورت غیر رسمی و غیر علنی برگزار می‌شـود آن است که باید در جلسات رسمی ضوابط و آیین نامه را رعایت کرد و تقسیم بندی‌ها برای صحبت کردن تمامی نمایندگان مطابق با آیین نامه در جلسه رسمی امکان‌پذیر نیست. در این جلسه رییس تلفیق در دو نوبت یعنی ابتدا و انتهای نشست و نایب رییس تلفیق در ابتدای نشست توضیحاتی را بیان کرد ۱۰ نفر از نمایندگان هم دیدگاه‌های خود را مطرح کردند از جمله نقاط قوت بودجه شـفافیت، توجه به پروژه‌های عمرانی در قالب محرومیت زدایی، تفویض اختیار در اسـتان‌ها، کاهش تمرکزگرایی، انضباط بودجه به خصوص در بودجه شرکتهای عمرانی بیان شد.

فرهنگی بار دیگر بـه مخالفت‌ها و انتقادات نمایندگان از وضعیت لایحه بودجه نیز اشاره کرد و درباره مباحث مطرح شده در این نشست غیرعلنی گفت: مخالفان معتقد بودند که وقتی دولت با مجلـس همراهی نمی‌کند چه دلیلی دارد که مجلس بودجه را تصویب کند دولت هم این نوع بودجه‌ریزی را قبول ندارد. مخالفان به مواردی در جزییات بودجه اشاره داشتند. در این جلسه رای‌گیری صورت نگرفت و جلسـه بدون تصمیم‌گیری پایان یافت؛ این نشست در حد بیان دیدگاه‌ها و نظرات نمایندگان بود. حرف مخالفان این بود که لایحه دولت به معنای بودجه نویسـی نیست از جملـه آن به اجازه جابه‌جایـی ۶۰ درصدی در بودجه جاری و ۴۰ درصدی در بودجه عمرانی اشاره داشتند. البته کمیسیون تلفیق سـعی کرده نظم و انضباطی به بودجه دهد که در صورت تصویب کلیات ایـن انضباط جاری و حاکم خواهد شد.

این اظهارات در حالی صورت گرفته که نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق در روزهای گذشته، تغییرات قابل توجهی را در لایحه بودجه پیشنهادی دولت تصویب کرده‌اند و کار تا جایی پیش رفته که دولت می‌گوید بودجه فعلی فاصله قابل توجهی با طرح پیشـنهادی ابتدایی دارد و اگر بنا بر اجرای تمام این تغییرات باشد، آن را قبول نخواهند کرد. تحت تاثیر همین اظهارات بوده که مجلس ابتدای هفته جاری تهدید کرد در صورتی که بنا باشد دولت اصلاحات مدنظر مجلـس را نپذیرد، احتمال آنکـه کلیات بودجه تصویب نشـود وجود خواهد شد و در این صورت مجلس یک بودجه سـه دوازدهمی برای بهار سال آینده تصویب می‌کند و بررسـی کلیات احتمالا به جلسات سال آینده موکول خواهد شـد. این در حالی است که از اردیبهشت سال آینده فرایند انتخابات ریاست جمهوری آغاز خواهد شد و بر اساس برنامه‌ریزی وزارت کشور، انتخابات در خرداد ماه سال آینده برگزار خواهد شد و از نیمه تابستان، دولت جدید بر سر کار می‌آید. از این رو باید دید چه سرنوشتی در انتظار بودجه در فصل انتخابات خواهد بود. از سوی دیگر با نزدیک شـدن به انتخابات، قطعا صف‌بندی جناح‌های مختلف سیاسی نیز روشن‌تر خواهد شد و در چنین فضایی به نظر می‌رسد ارد و گاه انتخاباتی دولت و مجلس جدا از هم تشکیل می‌شود و این خطر وجود دارد که مباحث سیاسی، بر اقتصاد سایه بیندازند.

بازگشت روحانی به مجلس؟

در میان اختلاف نظرهای سیاسی، آنچه که در زمان تحویل لایحه بودجه به مجلس رخ داد خود بر آتش اختلافات دمید. حسن روحانی جز جلسات ابتدایی مجلس یازدهم، به دلیل شیوع کرونا و با توجه به توصیه‌های ستاد ملی مقابله با کرونا در جلسات مجلس شرکت نکرده و حتی در زمان بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی صمت نیز در میان نمایندگان حاضر نشد. هرچند به نظر می‌رسید امکان قائل شدن یک استثنا در زمان تحویل بودجه وجود دارد اما سرانجام این حسینعلی امیری معاون پارلمانی روحانی بود که لایحه را تقدیم هیات رییسه مجلس کرد. این رویکرد در بین جمهور با انتقاداتی از سوی نمایندگان مواجه شد و در همان زمان باقر قالیباف در اعتراض به این حرکت، تصمیم گرفت صحن علنی را ترک کند و نایب رییس او بودجه را تحویل بگیرد. با وجود آنکه به نظر نمی‌رسـد تغییری در پروتکل‌های اعلامی ستاد مقابله با کرونا به وجود آمده باشد اما مجلس دوباره صحبت از دعوت از رییس جمهور به بهارستان کرده است. فرهنگی در این باره گفته: روز سه‌شنبه، ابتدا مخالفان و موافقان صحبت می‌کنند و بعد نوبت به توضیحات نماینده دولت است اگر رییس جمهور به مجلس تشریف بیاورند توضیحات می‌دهد و گرنه آقای نوبخت توضیح خواهند داد. در هر صورت پیش بینی آن است در روز سه شنبه تکلیف کلیات مشخص شـود در صورت تصویب کلیات مجلس بلافاصله وارد جزییات می‌شـود کـه در ابتدا بخش‌های درآمدی و بعد هزینه‌ای بررسی می‌شود. از رییس جمهور دعوت شده ولی اینکه تشریف بیاورند یا نه ما اطلاعی نداریم. با وجود تمام این گمانه‌زنی‌ها احتمالا با آغاز جلسه علنی بررسی بودجه در سه شنبه هفته جاری، سرانجام زمان آن می‌رسد که نمایندگان دغدغه‌های خود درباره سال آینده را مطرح کنند و نماینده دولت به آنها پاسخ دهد تا مشخص شود که کلیات بودجه قابل اجراست یا باز هم کار به دولت ارجاع داده خواهد شـد. باید دید آیا رییس دولت تصمیم می‌گیرد این بار به مجلس برود یا نوبت و دیگر نمایندگان دولت به ابهامات مجلس پاسخ می‌دهند.

ادامه از صفحه اول

کمیسیون تلفیق کشور را در لبه پرتگاه خطرناکی قرار داد

وی افزود: نمایندگان مجلس باید توجه کنند؛ حتی اگر برای عزیزانی که این کار را انجام دادند حسن نیت قائل بشویم که به حکم اخلاق دینی باید اینگونه باشد به آنها گوشزد کنید که حسن نیت برای پیشبرد منطقی امور لازم است اما کافی نیست، شرط کفایت کار بست عقل و درایت و تمکین نسبت به نظر کارشناسی است. این اقتصاددان با هشدار نسبت به عواقب افزایش شاخص فلاکت در کشور گفت: به صراحت می‌گویم براساس آخرین تحلیل‌ها دود این سیاست‌های انبساطی افراطی به چشم فرودست‌ترین لایه‌های اجتماعی خواهد رفت و با توجه به درهم تنیدگی میان تورم و بیکاری در اقتصاد ایران با ابعاد بی‌سابقه‌ای از فلاکت روبرو خواهیم شد. نمایندگان مجلس باید توجه کنند که خود قوه مجریه در این زمینه به ویژه طی سـال‌های اخیـر به اندازه کافی سهل‌انگاری داشته و کافی است که به روند تحولات شاخص فلاکت در دوره سـال‌های ۱۳۹۶ تا آبـان ۱۳۹۹ مراجعه کنید تا ببینید در حالی که شاخص فلاکت در سال ۱۳۹۶ در حدود ۱۹.۸ درصد بود در سال ۹۷ از مرز ۳۷ درصد، در سـال ۹۸ به ۴۵ و نیم درصد و در آبان ۱۳۹۹ به آستانه ۷۰ درصد رسیده است. وی ادامه داد: نمایندگان محترم مجلس باید از همکاران خود در کمیسیون تلفیق بپرسند که این روند پرشتاب به فلاکت انداختن مردم در چهار سال اخیر کافی نبود؟ آیا در این زمینه کمبود داریم که اینها این افراط نامتعارف در رویه‌های انبساطی را در پیش گرفته‌اند؟ اگر نمایندگان محترم کمیسیون تلفیق گفتند که می‌خواهیم اوضاع فرودستان بهتر شود باید به آنها گوشزد کرد که همه حکومت‌گران طی سه دهه گذشته همین نیت را داشتند اما چون خضوع و تمکین نسبت به علم و تجربه از خودشان ندادند آنچه حاصل شد دقیقاً عکس آن بود.

رییس موسسه دین و اقتصاد یادآور شد: در این زمینه تجربه دولت احمدی‌نژاد نسبت به همه دولت‌های دیگر تاسف‌بارتر و تامل‌برانگیزتر بود. چون آنها نیز دم از عدالت و آوردن نفت به سفره مردم و توجه به فرودستان می‌کردند اما شاخص فلاکت در ماه‌های پایانی مسوولیت آقای احمدی‌نژاد به دو برابر این شاخص در ابتدای آغاز به کار آن دولت رسیده بود. من به نمایندگان مجلس توصیه اکید می‌کنم که به ویژه به مساله درهم تنیدگی میان به فلاکت انداختن مردم و تعمیق فساد هم توجه داشته باشند. عبرت‌گیری از آنچه از ۱۳۹۶ در کشور پدیدار شده در این زمینه می‌تواند به اندازه کافی گویا باشـد. در حالی که رتبه ایران از نظر پاکدامنی اقتصادی در سـال ۱۳۹۶، در میان ۱۸۰ کشور رتبه ۱۳۰ بود با رویه‌های افراطی انبساط مالی و سیاست‌های تورم‌زا و اشتغال‌زدا، سقوط‌های هشت پله‌ای در ۹۷ و ۹۸ داشتیم یعنی کشور نسبت به سال ۹۶، ۱۶ پله نسبت به کشورهای پرفساد سـقوط کرد و در سـال ۹۸ و ۹۹ گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی می‌گوید مجدداً یک سقوط سه پله‌ای دیگر پدیدار شـده و تنها در فاصله ۹۶ تا ۹۹ نزدیک به ۱۹ رتبه سقوط به سمت پرفسادترین کشـورهای جهان را تجربه کرده‌ایم. وی با انتقاد از برنامه تعدیل ساختاری گفت: نمایندگان مجلس باید توجه کنند کسانی که برنامه شوم تعدیل ساختاری را در این سرزمین ریشه‌دار کردند و همه دولت‌های سه دهه اخیر خواسته یا ناخواسته دنباله‌روی این برنامه فسادزا بودند، شرایطی را پدید آوردند که در آن تولید به مثابه عنصر اصلی بقا، بالندگی و عزت کشور به کلی از مباحث تصمیم‌گیران کلیدی کشور خارج شده و آنها هر تصمیمی را می‌گیرند نه تنها اعتنا و اهتمامی به حل و فصل بحران‌های تحمیل شده از سیاست‌های نابخردانه علیه تولیدکنندگان نداشتند بر عکس فشارهای طاقت‌فرسا را بر آنها تحمیل کرده‌اند. وی ادامه داد: کافی اسـت نمایندگان مجلس به مساله خطرناک و فاجعه‌سـاز توجه کنند، در صورتی که شـاخص هزینه مصرف‌کننده تا پایان ۱۳۹۸ رشد ۴۱.۵ درصدی داشته است شاخص هزینه‌های تولید در ۱۳۹۸ از مرز ۶۵ درصد عبور کرده است. نمایندگان محترم مجلس باید بدانند وقتی شاخص هزینه‌های تولیدکننده از شاخص مصرف‌کننده بیشتر باشد به معنای آن است که کشور را به ورطه سقوط بنیه تولیدی و تحمیل وابستگی‌های ذلت‌آور به دنیای خارج هدایت می‌کننـد. من تقاضا می‌کنم که نمایندگان مجلس به این موضوع توجه کنند که تا قبل از این شیرین کاری جدید کمیسیون تلفیق، به اعتبار خطاهای فاحش دولت در عرصه سیاست‌گذاری شاهد شدت‌یابی انتظارات تورمی بودیم و این مساله را به کام سوداگران و علیه تولیدکنندگان و عامه مردم شدت خواهد بخشید. مومنی یادآور شد: براساس گزارش‌های رسمی طی یک سال اخیر تا شـهریور ۹۹ در مقایسه با شهریور ۹۸ در حالی که رشد نقدینگی ۳۶ درصد بود رشد پول از مرز ۸۰ درصد گذشته و این کارها تنها انتظارات تورمی را تشدید می‌کند و با قدرت تورم‌زایی بیشتر کشور را به ورطه سقوط می‌کشاند. مومنی افزود: به افزایش بی‌سابقه جمعیت غیرفعال در تابستان ۹۹ نسبت به ۹۸ نگاه کنند که به معنای سرخوردگی بخش بزرگی از جامعه از این شـیوه قاعده‌گـذاری اقتصاد ملی است و غم‌انگیزتر آنکه ۶۰ درصد از تغییرات جمعیت بیکار مربوط به دارندگان تحصیلات دانشگاهی است. هر کدام از اینها نشان می‌دهد اگر در صحن علنی مجلس آنچه توسط دولت محترم پخت و پز شـده و به شکل واقعا خطرناک‌تر و بی‌منطق‌تر توسط کمیسـیون تلفیق به آن دامن زده، تصویب شود کشور در معرض خطرناکترین شرایط خواهد بـود. وی ادامه داد: توصیه من به نماینـدگان گرامی این است که از اعضای کمیسیون تلفیق و از مسوولان سازمان برنامه یک چشم‌انداز مبتنی بر اصل پاسخگویی به اعتبار این جهت‌گیری‌های خطرناک مطالبه کنند و اگر اینگونه بشود ما می‌توانیم شاهد آن باشیم که شاقول علم و تولید مبنای قاعده‌گذاری بشود که راه نجات کشور از آن دو مسیر خواهد بود. این کارشناس اقتصادی ادامه داد: توجه داشته باشند که وقتی در افق بلندمدت به این جهت‌گیری‌های ضد تولیدی و ضد توسعه‌ای نگاه می‌کنید تنها لازم است به تحولات درآمدهای سرانه نگاه کنید که در سال ۱۳۹۸ به آستانه ۶۶ درصد سال ۹۰ رسیده است. نمایندگان محترم باید از کمیسیون تلفیق و سازمان برنامه بپرسند که آیا این سقوط فاجعه‌آمیز درآمد سرانه که به معنای سقوط جایگاه نسبی ایران در جهان و کیفیت زندگی مردم در داخل است، کافی نیست که آن سـهل‌انگاری‌ها و خطاهای راهبردی اسـتمرار پیدا می‌کند؟ مومنی خاطرنشان کرد: توصیه اکید من به نمایندگان محترم مجلس این اسـت با آن دو شـاقول اصلاحات بنیادی را در صحن علنی عملی کنند. یکی از مهم‌ترین کلیدهای نجات کشور مربوط رویه‌های غیر متعارف در شرکت‌های دولتی است و اگر نمایندگان محترم عنایتی کنند و رییس مجلس را خطاب قرار دهند که چرا با وجود الزام قانونی هنوز بیـش از دو ماه، گزارش دیوان محاسبات اجازه قرائت در صحن علنی را پیدا نمی‌کند می‌تواند از این مساله یعنی اصلاح آنچه در بودجه شرکت‌ها کشـور را به این ورطه انداخته به همراه به کارگیری علم و تولید، ان‌شاءالله راه نجاتی به کشور باز کند. وی تصریح کرد: از همه میهن‌دوستان و توسعه خواهان تقاضا دارم کمک کنند تا سـطح دانایی‌های اکثریت نمایندگان مجلس به اندازه‌ای بالا برود که تن به آنچه در سند لایحه و کمیسیون تلفیق به صورت افراطی انبساط مالی و تشدید شکاف بین عرضه کل و تقاضا کل و سقوط همه متغیرهای توسعه‌ای کشور ندهند و کشور را در مسیر ثبات و بازگرداندن اعتماد به تولیدکنندگان و جلب نظر صادقانه فرودستان و مشارکت آنها در ساختن کشور از بسته فرصت‌های شغلی مولد نیروی محرکه امید بخشی به کشور بشوند.

اقتصاد کلان و ظرفیت بازار سرمایه

نگاهی به آنچه در سـال‌های گذشته در بازارهایی مانند دلار، طلا، مسکن و خودرو رخ داد به خوبی نشان می‌دهد که حجم نقدینگی سرگردان در جامعه تا چه حد بالاست و در صورتی که اقدامات لازم برای منظم کردن شـرایط بازارها از سوی دولت اجرایی نشود، موج افزایش قیمت به شکل قابل توجهی خود را نشان خواهد داد.

در چنین فضایی بود که از ابتدای سال جاری، بازار سرمایه با رشد قابل توجهی، توانست بخشی از نقدینگی جامعه را به خود جذب کند و با توجه به رکورد شکنی‌های پی در پی، تعداد افرادی که به سمت بورس روانه شدند از چند میلیون نفر نیز گذشت. از همان ابتدا کارشناسان تذکر می‌دادند که در صورت حبابی بودن رشـد شاخص و در نظر نگرفتن سیاست‌های لازم برای حمایت از این بازار، در آینده‌ای نه چندان دور شـاخص سقوط خواهد کرد و بخشـی از افراد تازه کار در بازار، با ترس از دست رفتن سرمایه‌های شـان، پول خود را بیرون خواهند کشـید. موضوعی که تا حدی خود را در ماه‌های گذشـته نشان داد. در این بین آنچه که در میان تصمیم‌گیران در دولت و مجلس باید اهمیت داشته باشد، برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت بازار سرمایه و عمق بخشـی به این بازار است. در صورتی که این عمق بخشـی صورت نگیرد، بار دیگر نقدینگی به بازارهایی منتقل می‌شود که نه تنها نتیجه مثبتی برای اقتصاد نخواهد داشت که حتی شرایط را در دیگر حوزه‌ها نیز بر هم می‌ریزد. در این بین دو سیاست بسیار مهم هستند. نخسـت آنکه با آموزش به افراد تازه وارد به بورس، آنها به این درک برسـند که همواره روند افزایش شاخص رخ نمی‌دهد که بالا و پایین رفتن شاخص بخشی از بازار است. از سوی دیگر دولت و مجلس باید با افزایش عرضه‌ها، فعال کردن شرکت‌های بزرگ در بورس و برنامه‌ریزی برای استفاده از منابع بورس در تولید، بازار را به سمتی ببرند که در بلندمدت حضور در آن برای تازه واردها جذاب باشد.

اقتصاد کلان

متوسط سرانه حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی باید ۸/۸ میلیون تومان می‌شد

رییس سـازمان برنامه و بودجه از اقدامـات لازم برای اجرای همسان‌سـازی حقوق اعضـای هیات علمی و کارکنان وزارت علوم، بازنشستگان و پرداخت مطالبات وزارت بهداشـت در سـال آینده خبر داد. محمدباقر نوبخت در لایو اینستاگرامی با مخاطبان صحبت کرد. وی در ابتدای سـخنان خود اعلام کرد که برنامه او در سـال آینده و بعد از پایان دولت برگشـت به دانشگاه و ادامه فعالیت برای تدریس است و برنامه‌ای غیر از این نخواهد داشت. رییس سازمان برنامه و بودجه با اعلام اینکه درخواست‌هایی برای همسان‌سازی حقوق اعضای هیات علمی وزارت علوم با وزارت بهداشت یا دانشگاه‌های علوم پزشکی مطرح بود، توضیح داد: ما از اسفندماه سال گذشته مجوزهای لازم را به وزارت بهداشت ارایه کردیم تا بتواند همسان‌سازی را اجرا کند که بخش اول آن را نیز انجام داد اما بـرای وزارت علوم در لایحه بودجه ۱۴۰۰ پیشـنهادی مطرح کردیم که در کمیسیون تلفیق به تصویب نرسید. وی افزود: با این وجود طی مذاکره‌ای که سازمان برنامه و بودجه با وزیر علوم داشت هماهنگی‌هایی صورت گرفت تا بتوانیم به غیر از برخی موارد تخصصی همسان‌سـازی را در دانشـگاه‌های وزارت علوم مانند دانشگاه‌های علوم پزشکی انجام دهیم. نوبخت گفت: برای کارمندان وزارت علوم نیز با توجه به اینکه پیش از این مجوز استفاده از امتیاز فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری صادر شده بود بار دیگر بر اجرای این مجوز تأکید کردیم، بنابراین نه تنها در مورد اعضای هیات علمی بلکه کارکنان وزارت علوم نیز مانند دانشکده علوم پزشکی و وزارت بهداشت این همسان‌سازی اجرایی خواهد شد. رییس سـازمان برنامه و بودجه با اشـاره به برنامه‌های دولت در بودجه سال آینده برای پرداخت مطالبات وزارت بهداشت و کارکنانش یادآور شد: در بودجه سال آینده منابع مربوط به وزارت بهداشت ۲.۳ برابر رشد کرده است که در آن استخدام حداقل ۵۳ هزار نفری را پیش بینی کرده‌ایم که البته اولویت با نیروهای شرکتی و قراردادی است. موضوع دیگری که مورد اشاره رییس سازمان برنامه و بودجه قرار داشت همسان‌سازی حقوق بازنشستگان بود که در سال جاری نیز اجرایی شد. نوبخت توضیح داد: برای بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز همسان‌سازی در دستور کار بوده ولی مدل و جدول و ضابطه انجام‌شده تا حدودی با یکدیگر فرق می‌کرد. رییس سازمان برنامه و بودجه ادامه داد: برای همسان‌سازی حقوق بازنشسته‌ها ۵۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شد که ۱۸ هزار میلیارد تومان آن برای بازنشستگان کشوری و لشکری بود و همه آن مورد استفاده قرار گرفت ولی برای بازنشستگان تأمین اجتماعی ۳۲ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته‌ایم. وی افزود: تعداد بازنشستگان لشکری و کشوری حدود دو میلیون و ۴۰۰ هزار نفر است که با توجه به منابع ۱۸ هزار میلیاردی سرانه آنها به ۷.۵ میلیون تومان می‌رسد. ولی برای بازنشستگان تأمین اجتماعی با ۳۲ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده سرانه براساس تعداد ۳.۴ میلیون نفری آنها حدود ۸.۸ میلیون تومان است. نوبخت گفت: طی آخرین مذاکرات صورت گرفته سـازمان برنامه و بودجه به سازمان تأمین اجتماعی پیشنهاد داد که مرحله دوم همسان‌سازی را نیز براساس منابع پیش بینی شده در دستور کار قرار دهد که در این رابطه برای سال آینده مصوباتی نیز داشته‌ایم.

ویژه

شتاب پیشرفت هرمز به همت بنیاد برکت

مدیرعامل بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان امام بر شتاب پیشرفت و آبادانی در جزیره هرمز تاکید کرد. هشتمین جلسه ستاد راهبردی طرح پیشرفت و آبادانی جزیره هرمز با حضور امیرحسـین مدنی، مدیرعامل بنیاد برکت و فریدون همتی اسـتاندار هرمزگان در شـهر بندرعباس برگزار شد. در این جلسه، مسائل و مشکلات موجود در طرح پیشرفت و آبادانـی جزیره هرمـز جهت تسـریع در انجام پروژه‌های پیش‌بینی شده مورد بررسی قرار گرفت. مدیرعامل بنیاد برکت در این جلسـه با اشـاره به اقدامـات این بنیاد در جزیره هرمز گفت: مراسـم بزرگداشـت روز ملی خلیـج فارس بـا برگزاری رویدادهای فرهنگی و با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشـتی و فاصله‌گذاری‌های اجتماعی در هرمز برگزار می‌شود. امیرحسـین مدنی از آغاز فاز دوم ساخت رینگ جزیره هرمز خبر داد و افزود: عملیات اجرایی فاز اول این رینگ فاز به طول ۱۰ کیلومتر شامل ۷ متر عرض سـواره‌رو، یک و نیم متر عرض دوچرخـه‌رو بتن رنگی و دو و نیـم متر پیاده‌روی مفروش به کف‌پوش بتنی و سیسـتم روشـنایی سراسر مسیر به پایان رسیده است. مدیرعامل بنیاد برکت با اشاره به سرمایه‌گذاری بیش از ۲۲۲ میلیارد ریالی این بنیاد در حوزه‌های اشتغال‌زایی، عمرانی و زیربنایی در هرمز تصریح کرد: اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی و عمرانی بنیاد، مهاجرت معکوس را در جزیره هرمز رقم زده و باعث بازگشت یک‌هزار نفر از اهالی این جزیره شـده است. مدنی تصریح کرد: راه‌اندازی ۲۴۴ طرح اشـتغال‌زایی اجتماع‌محور بنیاد برکت باعث ایجاد بیش از ۷۳۰ فرصت شغلی در هرمز شده است. وی تاکید کرد: باید با توجه به درخواست‌های مردمی نسبت به تسهیل دسترسی به سـاحل مفنغ، اقدامات لازم بر اسـاس رعایت مولفه‌های زیست‌محیطی و بررسی‌های کارشناسی انجام گیرد. مدیرعامل بنیاد برکت با اشاره به ساخت ۳۰ غرفه صنایع دستی در جزیره هرمز خاطرنشان کرد: این غرفه‌های عرضه صنایع دستی با مشارکت بنیـاد برکت در محدوده قلعـه پرتغالی‌ها احداث خواهد شد.

دانش‌بنیان‌ها چقدر تسهیلات گرفتند؟

طی ۹ ماهه ۱۳۹۹ به ۷۶۳ شرکت دانش بنیان معادل ۱۹۱ هزار میلیارد ریال تسهیلات پرداخت شد که نسبت به نه ماهه ۱۳۹۸ معادل ۱۲۸ درصد افزایش داشته است. روابط عمومی بانک مرکزی اعلام کرد: بیشترین تسهیلات طی ۹ ماهه ۱۳۹۹ از سوی بانک‌های صادرات به مبلغ ۳۵،۳ هزار میلیارد ریال، ملت به مبلغ ۳۳،۲ هزار میلیارد ریال و ملی به مبلغ ۵، ۳۰ هزار میلیارد ریال پرداخت شده است. روابط عمومی بانک مرکزی اعلام کرد: میزان تسهیلات اعطایی در مدت ۹ ماهه ۱۳۹۹ به ۷۶۳ شرکت دانش بنیان معادل ۱۹۱ هزار میلیارد ریال شد که نسبت به ۹ ماهه ۱۳۹۸ معادل ۱۲۸ درصد افزایش داشته است. بیشترین تسهیلات در ۹ ماهه ۹۹ از سوی بانک‌های صادرات به مبلغ ۳۵.۳ هزار میلیارد ریال، سپس ملت به مبلغ ۳۳.۲ هزار میلیارد ریال و ملی به مبلغ ۵. ۳۰ هزار میلیارد ریال پرداخت شده است. مهر ماه امسال صندوق نوآوری و شکوفایی درباره حمایت شبکه بانکی از شرکت‌های دانش‌بنیان اعلام کرد: هشت نوع تسهیلات از سال ۹۷ به شرکت‌های دانش‌بنیان به واسطه بانک‌ها اعطا می‌شود. بنابر اعلام این صندوق: همچنین انواع ضمانتنامه‌های بانکی بوسیله ۱۱ بانک برای شرکت‌ها از سوی صندوق نوآوری و شکوفایی صادر می‌شود و در چارچوب اعطای تسهیلات به شرکت‌های دانش‌بنیان برخی از بانک‌ها دفتر خدماتی در محل صندوق نوآوری و شکوفایی ایجاد کردند. براساس این گزارش، برخی بانک‌ها که فاقد دفتر در صندوق نوآوری و شکوفایی باشند، اقدام به تشکیل این دفتر در شعب بانک کردند و در سال گذشته بانک‌ها ۲۷۰۰ میلیارد تومان تسهیلات به شرکت‌های دانش‌بنیان اعطا کردند.

تنها از ۳۰ درصد ظرفیت بیمه کشور استفاده می‌شود

رییس کل بیمه مرکزی با بیان اینکه باید بیمه‌ها در افزایش پوشش بیمه‌ای تلاش بیشتری داشته باشند گفت: تنها از ۳۰ درصد ظرفیت بیمه در کشور استفاده می‌شود. غلامرضا سلیمانی امیری روز شنبه در آیین گشایش شعبه انقلاب بیمه آسیا در اهواز بیان کرد: ۷۰ درصد جمعیت کشور می‌توانند از بیمه استفاده کنند اما هنوز برای پوشش بیمه‌ای این میزان جمعیت کاری نشده است. در سفر خود به خوزستان قصد داریم که دلیل پایین بودن نفوذ ضریب بیمه در این استان را آسیب‌شناسی و دلیل پایین بودن فرهنگ استفاده از بیمه را در این استان بررسی کنیم. سلیمانی امیری ادامه داد: مدیران شعب و سرپرستی‌های بیمه در خوزستان باید تلاش بیشتری را برای پوشش بیمه‌ای در استان داشته باشند. وی با بیان اینکه صنعت بیمه در خوزستان باید جهش داشته باشد گفت: ضریب نفوذ بیمه در خوزستان ۰.۸ درصد است و از میانگین کشوری ۲.۶۶ بسیار پایین‌تر است. باید برای افزایش این میانگین نهایت تلاش در استان انجام شود. رییس کل بیمه مرکزی افزود: در خوزستان در بحث بیمه شخص ثالث با مشکلی روبه رو نیستیم و باید از بیمه در بخش درمان و بیمه عمر بیشتر استفاده شود. در حال حرکت به سمتی هستیم که شرکت‌های بیمه‌ای به دنبال گرفتن مجوز از بیمه مرکزی نباشند و طرح‌ها و ایده‌های نو و جدید را ارایه دهند. بیمه آسیا جایگاه نخست را در بین شرکت‌های بیمه‌ای در میزان سرمایه‌گذاری و انعقاد قرارداد و دریافت حق بیمه و پرداخت خسارت دارد. طبق اعلام بیمه آسیا در کشور هفت میلیون بیمه گذار زیر پوشش این بیمه هستند و روزانه یکصد میلیارد ریال خسارت پرداخت می‌کند. رییس کل بیمه مرکزی در سفر سه روزه خود به خوزستان افتتاح چند طرح بیمه‌ای و بازدید از مراکز وابسته به بیمه را در برنامه خود دارد. رییس کل بیمه مرکزی با بیان اینکه شرکت‌های بیمه‌ای باید در بخش بیمه عمر و زندگی، بیشتر سرمایه‌گذاری کنند، گفت: پوشش بیمه‌ای در بخش بیمه ثالث در کشور به خوبی انجام گرفته است. غلامرضا سلیمانی امیری روز یکشنبه در آیین گشایش بیمه تجارت نو در اهواز که با حضور مدیران عامل بیمه‌های مختلف برگزار شد بیان کرد: سرمایه‌گذاری و پوشش بیمه‌ای هرچه بیشتر در این بخش از بیمه نه تنها برای فرد مفید است برای شرکت بیمه‌ای نیز سودآور است و زیان کمتری را در این بخش پرداخت خواهد کرد. وی با تاکید بر حرکت بیمه‌ها به سمت ترویج بیمه زندگی و عمر افزود: در ۲۰ سال گذشته به صورت مداوم و بطور میانگین بیمه‌ها در بخش پوشش بیمه زندگی و عمر رشد سرمایه‌گذاری ۳۸ درصد را داشته‌اند. وی همچنین گفت: حضور جوانان در صنعت بیمه می‌تواند موجب پویایی و رشد در این صنعت شود به همین منظور از نیروهای جوان در این صنعت بیشتر استفاده شود. سلیمانی امیری بیان کرد: باید برای پوشش بیمه‌ای بیشتر در جامعه شرکت‌های بیمه‌ای بیشتر و جدیدتر با توان علمی و کارشناسی ایجاد کرد تا ضریب نفوذ بیمه را در سطح کشور افزایش دهیم. بیمه تجارت نو از شرکت‌های جدید بیمه‌ای است که از سال ۹۵ راه‌اندازی شده و ۱۵ نمایندگی در خوزستان دارد. ۳۷ هزار نفر در خوزستان زیر پوشش این بیمه هستند.

بانک تجارت و نفت و گاز پارسیان و پست‌بانک از سهامداران این بیمه هستند. رییس کل بیمه مرکزی برای افتتاح چند طرح بیمه‌ای و بررسی وضعیت ضریب نفوذ بیمه در خوزستان از شامگاه جمعه سفری سه روزه را به خوزستان آغاز کرد.

بررسی سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی در دولت و مجلس

افزایش قیمت طلا و سکه به‌دنبال رشد اونس جهانی

■ افت ارز آوری صادرات در سایه کرونا ■ سکه در کانال ۱۱ میلیون تومان

گروه بانک و بیمه | محسن شمشیری |

در بازار روز یکشنبه ۱۲ بهمن ۹۹، قیمت دلار همچنان در کانال ۲۴ هزار تومان باقی ماند و با قیمت ۲۴ هزار و ۴۵۰ تومان، تا ۲۴۵۰۰ تومان معامله شد. همچنین قیمت یورو ۲۹ هزار و ۹۰۰ تومان و درهم امارات ۶ هزار و ۷۳۰ تومان اعلام شده است. قیمت سکه نیز در کانال ۱۱ میلیون تومان قرار گرفته و با افزایش قیمت اونس طلا به ۱۸۴۹ دلار، سکه طرح جدید به قیمت ۱۱ میلیون و ۷۰ هزار تومان معامله شد. هر دلار روز یکشنبه در صرافی‌های بانکی ۲۳ هزار و ۹۲۰ تومان معامله شد که قیمت آن نسبت به روز معاملاتی کاری گذشته (شنبه) با افزایش ۲۰۰ تومانی همراه بود و نرخ هر یورو نیز به ۲۹ هزار و ۵۰ تومان رسید. قیمت فروش یورو نیز با افزایش ۲۵۰ تومانی نسبت به قیمت‌های پایانی روز کاری گذشته (شنبه) به ۲۹ هزار و ۵۰ تومان رسید. قیمت خرید هر دلار ۲۳ هزار و ۴۲۰ تومان و نرخ خرید هر یورو نیز ۲۸ هزار و ۵۵۰ تومان اعلام شد، همچنین قیمت خرید دلار در بازار متشکل ارزی ۲۳ هزار و ۴۱۵ تومان و قیمت فروش آن ۲۳ هزار و ۶۵۰ تومان بود.

علاوه بر این نرخ خرید یورو در این بازار ۲۷ هزار و ۶۵۹ تومان و نرخ فروش آن ۲۷ هزار و ۹۳۵ تومان اعلام شد. براساس این گزارش در سامانه نیما در روز معاملاتی گذشته (شنبه)، هر یورو به قیمت ۲۷ هزار و ۶۵۸ تومان و هر دلار ۲۲ هزار و ۹۳۲ تومان به فروش رفت. همچنین در سامانه سنا روز شنبه، حواله یورو به قیمت ۲۸ هزار و ۸۵۸ تومان معامله شد و همچنین حواله دلار به قیمت ۲۳ هزار و ۸۲ تومان مورد مبادله قرار گرفت. قیمت دلار در هفته‌های گذشته با توجه به افزایش امیدواری در زمینه صادرات نفت و دسترسی به منابع مالی کاهشی شده است. هفته گذشته نیز رییس کل بانک مرکزی اعلام کرد: ایران توانسته گشایش‌هایی در فروش نفت داشته باشد.

ورود قیمت سکه به کانال ۱۱ میلیونی دلار

در بازار طلا نیز با اعلام هر اونس طلا به قیمت ۱۸۴۹ دلار، قیمت طلا و سکه نیز افزایش یافت و هر قطعه سکه تمام بهار آزادی طرح جدید روز یکشنبه با افزایش ۱۱۰ هزار تومانی نسبت به روز شنبه ۱۱ میلیون و ۵۰ هزار تومان معامله شد. سکه تمام بهار آزادی طرح قدیم نیز ۱۰ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان معامله شد. همچنین نیم‌سکه بهار آزادی ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان، ربع سکه چهار میلیون و ۱۰۰ هزار تومان و سکه یک گرمی هم دو میلیون و ۳۰۰ هزار تومان معامله شد. علاوه براین، در بازار طلا نیز نرخ هر گرم طلای ۱۸ عیار به یک میلیون و ۱۰۲ هزار تومان و هر مثقال طلا به چهار میلیون و ۷۷۵ هزار تومان رسید. اونس جهانی طلا نیز دیروز یک هزار و ۸۴۸ دلار و ۲۰ سنت فروخته شد.

از سه‌شنبه هفته گذشته (۳۰ دی) قیمت سکه تاکنون با باقی ماندن در کانال ۱۰ میلیون تومانی، هر روز با افزایش یا کاهش روبرو شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد هفته‌های گذشته قیمت سکه و طلا متاثر از بازار ارز روند کاهشی داشته و سیر نزولی قیمت ارز روی بازار طلا موثر بود. همچنین افزایش قیمت اونس جهانی طلا باعث شده تا قیمت سکه در بازار ایران با وجود ثبات نرخ دلار با رشدی نسبی همراه شود. این در شرایطی است که کارشناسان افت بیشتر اونس جهانی طلا در هفته‌های آینده را پیش‌بینی کرده‌اند.

علاوه براین انتظار می‌رود با آغاز توزیع واکسن کرونا و بهبود شرایط اقتصادی در ماه‌های آینده، میزان استقبال از طلا به عنوان ابزاری برای سرمایه‌گذاری کاهش یابد. فعالان بازار می‌گویند که با افزایش قیمت طلا، قیمت طلای ۱۸ عیار هر گرم یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان، قیمت سکه تمام‌بهار آزادی طرح جدید ۱۱ میلیون و ۵۰ هزار تومان و قیمت دلار ۲۴ هزار و ۴۵۰ تومان اعلام شده است. هر مثقال طلا نیز ۴ میلیون و ۷۷۰ هزار تومان ارزش گذاری شده است.

قیمت طلا و سکه طرح جدید نسبت به روز کاری قبل با افزایش همراه شده است؛ از جمله دلایل نوسان در بازار طلا و سکه تغییرات قیمتی در طلای جهانی و دلار است؛ قیمت ارز در بازار تهران تحت تأثیر خبرهای سیاسی است. همچنین نرخ خرید و فروش دلار و یورو در صرافی‌های بانکی و بازار متشکل ارزی متغیر است و متناسب با نوسانات بازار آزاد در طول روز چند بار تغییر می‌کند.

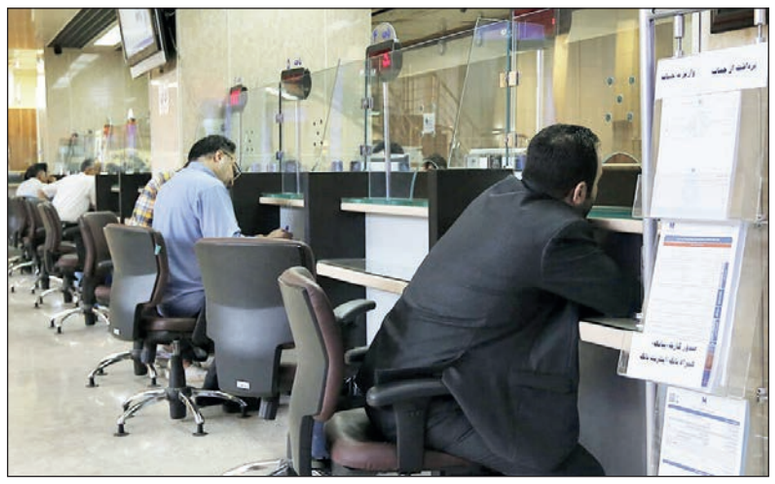

بررسی سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی در دولت و مجلس

از سوی دیگر، معاون اول رییس جمهور از بررسی سیاست دولت در حمایت از ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی خبر داد و گفت: امیدواریم با مجلس به تفاهم دست یابیم تا به مردم فشاری از بابت قیمت کالاها تحمیل نشود. یا اگر تحمیلی نیز بود با برخی حمایت‌ها مشکلات کمتر شود.

معاون اول رییس جمهور با اشاره به تامین کالاهای اساسی مورد نیاز مردم در دو و نیم سال گذشته که جنگ اقتصادی امریکا علیه ایران شدت گرفت، گفت: تلاش خواهیم کرد تا هیچ کمبودی در زمینه کالاهای اساسی ایجاد نشده و زندگی مردم دچار تنش نشود.

معاون اول رییس جمهور با اشاره به اینکه در زمان جنگ اقتصادی مردم دیدند که کالاهای اساسی در تمام نقاط و به اندازه کافی وجود داشت، اظهار داشت: آنچه مردم را در این مقطع اذیت کرد کمبود کالا نبود بلکه قیمت کالاهاست که افزایش می‌یابد.

افزایش قیمت دلار در معاملات جهانی

ارزش دلار در مقابل بیشتر ارزهای مهم افزایش یافت. شاخص دلار که نرخ برابری آن در مقابل سبدی از ارزهای جهانی را اندازه می‌گیرد، در معاملات دیروز با ۰.۰۹ درصد افزایش نسبت به روز گذشته آن در سطح ۹۰.۵۳۵ واحد بسته شد. نرخ برابری هر فرانک سوییس نیز معادل ۱.۱۲۲ دلار اعلام شد. در تازه‌ترین دور از معاملات، پوند با ۰.۰۷ درصد کاهش نسبت به روز قبل خود و به ازای ۱.۳۷۰ دلار مبادله شد. یورو ۰.۰۳ درصد بالا رفت و با ماندن در کانال ۱.۲۱ به ۱.۲۱۳ دلار رسید. در معاملات بازارهای ارزی آسیایی، هر دلار با ۰.۱۴ درصد افزایش به ۱۰۴.۷۱۶ ین رسید. در برابر همتای استرالیایی، هر دلار امریکا به ازای ۱.۳۰۸ دلار مبادله شد. همچنین نرخ برابری دلار معادل ۶.۴۲۷ یوان چین اعلام شد.

ارز آوری صادرات غیرنفتی در سایه کرونا

از سوی دیگر، پژوهشگر دفتر مطالعات دیپلماسی اقتصادی دانشگاه امام صادق (ع) به ضعف‌های کشورمان در حوزه صادرات غیرنفتی اشاره کرده و پس از آن راهکارهایی در جهت بهبود صادرات غیرنفتی ارایه کرده است.

محسن شرافتی نیا افزود: صادرات غیرنفتی با توجه به اینکه در دنیای پساکرونا تقاضای نفت کاهش چشمگیری پیدا کرد برای اقتصاد کشور ما امری مهم و اثرگذار محسوب می‌شود. از آنجایی که تا قبل از بحران کرونا متوسط صادرات نفت خام کشورمان میانگین روزانه ۲.۵ میلیون بشکه در روز بوده و پس از شیوع این ویروس در جهان به عدد ۸۰۰ هزار بشکه در روز تنزیل پیدا کرده است برای تامین مالی اقتصاد کشورمان تلاش در جهت افزایش صادرات غیرنفتی امری مهم تلقی می‌شود.

پس از شوک در بازار جهانی نفت که در چندماه اخیر شاهدش بودیم بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران تکیه تجارت خارجی بر صادرات غیرنفتی را حائز اهمیت برشمردند و درواقع توسعه صادرات غیرنفتی را یکی از راهکارهای مهم تحقق جهش تولید می‌دانستند اما متاسفانه صادرات غیرنفتی در کشورهای نفت‌خیز نظیر کشورمان نادیده گرفته می‌شود؛ درحالی که این نوع صادرات ارزآوری سرشاری را می‌تواند به‌همراه داشته باشد. جدای از بحث ارزآوری صادرات غیرنفتی که خودموضوع مهمی تلقی می‌شود، ایجاد بازار کار متنوع در داخل کشور نیز یکی از دست‌آوردهای مهم صادرات غیرنفتی است. صادرات غیر نفتی به معنی صادرات محصولات پتروشیمی و سایر کالاها و خدمات است که به عنوان نمونه عمده‌ترین محصولات صادرات غیرنفتی کشورمان شامل پروپان مایع شده، پلی اتیلن، سنگ آهن و کنسانتره‌های آن، متانول، پسته، بوتان مایع شده، انواع گازهای نفتی، فرش و کفپوش‌های نساجی، اوره، سیمان، آلومینیوم، زعفران و خودرو می‌شود.

متاسفانه در حوزه صادرات غیرنفتی کشورمان با اشتباهات بزرگی مواجه است و درصورتی که این اشتباهات ادامه پیدا کند می‌تواند بر بدنه اقتصاد ایران ضربات جبران‌ناپذیری وارد کند. یکی از این اشتباهات رایج این است که صادرات غیرنفتی ما به طبیعت نزدیک است و این مفهوم بدین معناست که در زمینه صادرات غیرنفتی خام‌فروشی همیشه بیشترین سهم را در بین کالاهای صادراتی کشور داشته است و درواقع صادرات این نوع کالاها یا ارزش افزوده‌ای ندارد یا درصد آن بسیار ناچیز است.

بررسی سهم ارزآورترین کالاهای صادراتی غیرنفتی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ نیز نشان می‌دهد که سهم ۵ قلم کالای اول ارز آور از کل کالاهای صادراتی غیر نفتی بین ۱۷ تا ۳۳ درصد متغیر و بطور متوسط سالانه ۲۵ درصد بوده است که سهم آن در سال ۱۳۹۷ به ۷.۲۵ درصد رسیده است. این آمار به این معنا است که یک چهارم درآمد صادرات غیرنفتی کشور از محل صادرات پنج قلم کالا حاصل شده است. همچنین سهم ۱۰ قلم کالای ارز آور از کل صادرات غیر نفتی نیز در سال ۱۳۹۷ به ۳۷ درصد رسیده است. این آمار نشان می‌دهد که بیش از یک سوم درآمد صادرات غیرنفتی از محل صادرات تنها ۱۰ قلم کالا حاصل شده است.

براساس آمارها اشکال دیگری که درحوزه صادرات غیرنفتی وجود دارد این است که تعداد اندکی از کشورها سهم بالایی در صادرات ما دارند و روند این تغییرات به نحوی است که تعداد کشورهایی که ۸۰ درصد درآمد صادراتی ما را تامین کرده‌اند، از ۲۳ کشور در سال ۱۳۸۰ به ۹ کشور در سال ۱۳۹۶ تقلیل یافته است. این تمرکز نسبتا شدید در بازارهای صادراتی می‌تواند برای کشور تهدید تلقی شود که در شرایط تحریم به راحتی می‌تواند توسط دشمنان مورد هدف قرار گیرد.

اما در شرایط کرونا که براساس برآوردهای اقتصاددانان سازمان تجارت جهانی حجم تجارت جهانی در سال ۲۰۲۰ در مقایسه با میزان آن طی بحران پیش آمده در سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸ میلادی به مراتب کمتر خواهد بود و تجارت جهانی عقب گرد ۱۵ ساله را تجربه خواهد کرد شرایط ویژه‌ای برای کشور ما قلمداد می‌شود؛ چراکه باید از تمام ظرفیت‌های موجود استفاده کنیم تا حجم این دست از صادرات را افزایش دهیم تا بتوانیم آسیب وارد شده از جانب بحران ویروس کرونا را تا حد زیادی پوشش دهیم.

صادرات غیرنفتی ایران در سال ۱۳۹۹ از شرایط ویژه‌ای برخوردار شده است؛ به نحوی که اگرچه تکیه اصلی تامین منابع ارزی مورد نیاز واردات بر روی صادرات است، اما به دلیل بسته بودن مرزها ناشی از شیوع ویروس کرونا، صادرات با افت ۴۱ درصدی ارزش و ۳۹ درصدی وزن مواجه شده است. در مقابل ارزش واردات کشور نیز ۲۴ درصد کاهش یافته و در مقابل به لحاظ وزنی نیز افت یک درصدی را تجربه می‌کند. بر اساس آمارهای رسمی، صادرات در ۴ ماهه ابتدای سال جاری به لحاظ وزنی ۳۰.۳ میلیون تن بوده که ارزشی معادل ۸.۷ میلیارد دلار داشته است. در مقابل واردات نیز در ۴ ماهه به لحاظ وزنی ۷.۴۹ میلیون تن بوده که ارزشی معادل ۹.۱۰ میلیارد دلار را به خود اختصاص داده است.

صادرکنندگان ایرانی باید ملاحظات و نیاز بازارهای صادراتی در دوره پساکرونا را مدنظر قرار دهند تا تجارتی سودآور را برای کشور رقم بزنند. یکی دیگر از نکاتی که باید تجار ایرانی به آن اهمیت دهند این است که تجارت کالایی در دنیا، در شیب نزولی قرار گرفته است؛ در حالی که شاهد رشد تجارت خدمات و همچنین تجهیزات پزشکی و کالاهای درمانی مقابله با کرونا در جهان هستیم که توجه تجار به این نکته می‌تواند به پیشرانی کشورمان در عرصه صادرات غیرنفتی کمک کند.

البته نقش دولت و نهادهای ذیربط در زمان بحران کرونا بسیار پررنگ‌تر از گذشته است. اعمال سیاست‌های تشویقی برای تنوع بخشیدن به کالاها و خدمات صادراتی (کمک‌های نقدی، معافیت‌های مالیاتی، بیمه صادرات و کاهش پیمان سپاری ارزی) به منظور حمایت از صادرکنندگان و کاهش آسیب‌پذیری صادرات در برابر نوسانات تقاضای بین‌المللی و کاهش قیمت کالاهای صادراتی ضروری است؛ یا اعمال سیاست‌های بلندمدت مالی و پولی و اجرایی صادراتی و تغییر نکردن و تبدیل نشدن متوالی موردی و مقطعی این سیاست‌ها الزامی است.

معاون اقتصادی بانک مرکزی:

انتظارات تورمی رو به کاهش است

گروه بانک و بیمه |

معاون اقتصادی بانک مرکزی گفت: اقتصاد به سمت آرام شدن پیش می‌رود و انتظارات تورمی رو به کاهش است و قطعا در فضای کاهش انتظارات تورمی، رشد سرمایه‌گذاری و تولید هم بهتر صورت خواهد گرفت. پیمان قربانی در خصوص انتظارات تورمی در افق پیش رو، اظهار داشت: خوشبختانه علامت‌های بسیار خوبی در بازار پول و بازار دارایی‌ها، ملاحظه می‌شود. تعدیل نرخ دلار، سکه، خودرو و سایر دارایی‌های مالی علامت خوبی است از اینکه بازار به سمت اصلاح و نزدیک شدن به سطوح متناسب با متغیرهای بنیادین اقتصاد پیش می‌رود، در حالی که روند قیمتی این دارایی‌ها ناشی از یک سری نگرانی‌ها نسبت به آینده افزایش پیدا کرده بود. قربانی تصریح کرد: در پی این التهابات طی ماه‌های گذشته، یکی از مسائلی که پیش آمده بود، این بود که رشد سپرده‌های دیداری مرتب افزایش پیدا می‌کرد و این موضوع هم عمدتا ناشی از کاهش سپرده‌های بلندمدت بود و حرکت به سمت سپرده‌های دیداری بود. چراکه به هر ترتیب برخی از مردم یا فعالان اقتصادی، نرخ‌های سود چند درصد در روز، اینقدر جذابیت برایشان داشت که پولشان را در قالب سپرده‌های دیداری تبدیل و آن را وارد جریانات معاملات کالا و این موارد کنند.

معاون اقتصادی بانک مرکزی افزود: خوشبختانه با تعدیلاتی که در بازار صورت گرفته، ما شاهد هستیم که در آذرماه رشد پول که شامل اسکناس، مسکوک و سپرده‌های دیداری است، صفر شد؛ یعنی روند افزایشی آن کاملا متوقف شد و این موضوع نشان دهنده این است که افزایش نقدینگی عمدتا به سپرده‌های مدت‌دار و به ویژه بلندمدت هدایت می‌شود. وی افزود: این موضوع را بطور اجمال بخواهم توضیح دهم به این معنی است که با توجه به نرخ‌های سودی که در سطح شبکه بانکی است، در حال حاضر فعالان اقتصادی و مردم به این جمع‌بندی درست رسیده‌اند که گزینه نگهداری پولشان در قالب سپرده‌های مدت‌دار که منجر به افزایش ماندگاری سپرده‌ها در سطح شبکه بانکی می‌شود، نسبت به سایر گزینه‌ها، گزینه جذاب‌تری است و این اتفاق فضا را فراهم می‌کند که بانک‌های کشور در اعطای تسهیلاتشان با آسودگی خاطر بیشتری عمل بکنند و وقتی سپرده‌ها با ماندگاری بالا بیشتر شود، در اعطای تسهیلات هم بانک‌ها با ریسک تسهیلاتی کمتری مواجه هستند. قربانی خاطرنشان کرد: مجموع این عوامل و فعل و انفعالاتی که در بازار پول و جنبه سپرده‌های دیداری و همینطور تغییرات علامت رشد شاخص‌ها در بازارهای دیگر ملاحظه می‌کنیم، نشان می‌دهد که اقتصاد به سمت آرام شدن پیش می‌رود و انتظارات تورمی رو به کاهش است و قطعا در فضای کاهش انتظارات تورمی، رشد سرمایه‌گذاری و تولید هم بهتر صورت خواهد گرفت. معاون اقتصادی بانک مرکزی با بیان اینکه یکی از معضلات نرخ تورم بالا، نوسانات بالای نرخ تورم است، که منجر به ایجاد و تشدید ناطمینانی در اقتصاد می‌شود، تاکید کرد: مطالعات گسترده در این زمینه نشان داده است که ناطمینانی تورمی در اقتصاد عامل مهم ضربه به سرمایه‌گذاری و تولید است. وی ادامه داد: با تلاش و مقاومتی که صورت گرفت، تحریم‌های حداکثری دولت امریکا با شکست مواجه شد و در واقع ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران، سربلند از این آزمون خارج شد و در افق جدید انشاالله بتوانیم بیماری کرونا را هم هرچه بیشتر مهار کنیم و به سمت رشد و شکوفایی اقتصاد قدم برداریم.

قربانی یادآور شد: در دو سال گذشته کاهش اتکا به نفت که به دلیل تحریم‌ها در اقتصاد رخ داد را داشتیم که این در واقع یک پدیده مبارک است؛ درست است که اقتصاد ما با دشواری‌هایی همراه بوده و اقتصاد منقبض شد و معیشت افراد تحت تاثیر قرار گرفت، ولی الان که اقتصاد ما در مسیر بازیابی قرار گرفته است، می‌توانیم در نتیجه گشایش‌هایی که در حوزه تولید و صادرات نفت صورت خواهد گرفت و با تجربیاتی که در داخل داریم، مسیر کاهش اتکا به درآمدهای نفتی و استفاده از این درآمدها برای نسل‌های آینده و زیرساخت‌های اساسی در کشور را پیش بگیریم و یکی از ثمراتی که از این دوران نصیب اقتصاد بشود، کاهش اتکا پایدار ما به نفت باشد و بتوانیم یک اقتصاد بیشتر غیرنفتی و کمتر نفتی با رشد و شکوفایی مناسبی را داشته باشیم.

افت نرخ تورم ادامه دارد

همچنین عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش بانکداری با تاکید بر وجود چشم‌اندازهای روشن از ثبات نسبی اقتصاد در سال آینده، پیش‌بینی کرد که افت نرخ تورم و ارز ادامه داشته باشد. حسن گلمرادی، عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش بانکداری ایران در گفت‌وگو با ایبنا اظهار کرد: در کشورهای با تورم بالا، نگاه کوتاه‌مدت و رفتارهای سفته‌بازانه و سرمایه‌گذاری‌های هیجانی بر کلیت اقتصاد حاکم است و زمینه بی‌ثباتی اقتصادی را فراهم می‌سازد. وی با بیان اینکه یکی از راهکارهای جلوگیری از افزایش تورم و کاهش آن، اراده سیاست‌گذار پولی در برنامه‌ریزی برای کاهش انتظارات تورمی و تورم است که در ادبیات اقتصادی به هدف‌گذاری تورمی معروف است، افزود: به دلیل ارتباط قوی و مستقیم بین تورم و نرخ ارز، معمولا یک دور باطل بین افزایش نرخ ارز و تورم ایجاد می‌شود، به این معنا که از یک طرف با افزایش نرخ ارز، تورم بالا می‌رود و از طرف دیگر با افزایش تورم بستر لازم برای کاهش ارزش پولی ملی و در نتیجه افزایش بیشتر نرخ ارز ایجاد خواهد شد. گلمرادی با بیان اینکه با هدفگذاری تورم و تنظیم سیاست پولی مناسب برای تداوم آن نه تنها تورم کنترل می‌شود، بلکه ثبات نسبی نیز در بازار ارز در بلندمدت ایجاد خواهد شد، گفت: در کشور ما موفقیت هدف‌گذاری تورمی متاثر از ارتباط بین دولت و بانک مرکزی است و برای اثربخشی آن بانک مرکزی بایستی مسوولیت و اختیار لازم برای کنترل نرخ تورم را داشته باشد. عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش بانکداری ایران ادامه داد: علاوه بر این، تداوم کاهش و ثبات قیمت‌ها نیازمند سامان دادن به یکی از اصلی‌ترین عوامل ایجاد تورم یعنی کسری بودجه است که هر چه قدرت بانک مرکزی در اعمال سیاست پولی و جلوگیری از خلق پول پُرقدرت بیشتر باشد و اراده دولت بر مدیریت هزینه‌ها نیز وجود داشته باشد، ثبات و کاهش قیمت‌ها در آینده نیز دور از انتظار نیست. گلمرادی تاکید کرد: در کنار ارتباط دولت و بانک مرکزی برای موفقیت هدفگذاری تورمی و ثبات نرخ ارز، به حداقل رساندن اثر شوک‌های بیرونی را نیز نباید از نظر دور داشت. به عبارت دیگر می‌توان انتظار داشت که با کاهش ریسک‌های غیراقتصادی ناشی از تحولات بین‌المللی و چشم‌انداز مثبت احیای درآمدهای نفتی، روند نزولی تداوم نرخ تورم و نرخ ارز ادامه و در نتیجه ثبات نسبی اقتصاد کلان در سال آینده محقق شود.

کنترل نوسانات ارزی با عادی شدن روند صادرات

مهرداد بائوج لاهوتی کارشناس اموراقتصادی گفت: مشکل کنونی در کشور نوسانات قیمت ارز است که باید به تثبیت قیمت برسد و چنانچه صادرات نفت و محصولات غیرنفتی روال عادی خود را پیدا کند، نوسانات ارزی به کنترل درخواهد آمد. مهرداد لاهوتی، نماینده سابق مجلس و کارشناس اموراقتصادی درباره تقویت ارزش پول ملی باتوجه به کاهش نرخ ارز در چند ماه اخیر به خبرنگار ایبنا گفت: افزایش نرخ ارز مربوط به امروز و این دوره از ریاست جمهوری نیست، در تمام دوره‌ها با آن مواجه بودیم. ارز در دولت آقای هاشمی با رشد ۴ برابری، دولت آقای خاتمی ۲.۷ (کمترین افزایش) و دولت آقای احمدی‌نژاد نزدیک به ۳.۵ برابر مواجه بوده است. نرخ ارز در دولت آقای روحانی با توجه به تلاطم‌ها در اثر شدت تحریم‌ها بالاتر از تمام دولت‌ها بوده است، البته در چهار سال ابتدایی روند منطقی طی شد، اما چهار سال دوم با پیش کشیده شدن خروج از برجام توسط دولت امریکا و داستان‌های پس از آن شرایط سختی پیش آمد. با این وجود در بدبینانه‌ترین حالت نرخ ارز در دوران ریاست جمهور آقای روحانی ۵ برابر رشد کرده است یعنی همان ۱۵ هزار تومان که مطرح هم شد، بنابراین رقم بالاتر از این حبابی است که در اثر فضاهای روانی و سختگیری‌هایی که تحمیل شده، به وجود آمده است. لاهوتی در ادامه تاکید کرد: علاوه بر مساله فوق باید به این نکته هم اشاره داشت که نوسانات نرخ ارز نشان می‌دهد، کسانی در تلاش هستند تا قیمت آن افزایش یابد. روشن است نرخ ارز به تعادل در عرضه و تقاضا ارتباط دارد. به این معنا؛ در صورتی که عرضه زیاد و تقاضا کم باشد، قاعدتا قیمت ارز کاهش پیدا خواهد کرد، اما برعکس آن بر ارزشش می‌افزاید. عده‌ای هم در این بازار در حال بهره‌برداری و سوءاستفاده هستند. این کارشناس اموراقتصادی در این رابطه اظهار داشت: اتفاقات سیاسی در این زمینه موثر واقع می‌شود. چنانچه نفت کشور در بازار دنیا راحت‌تر صادر شود و پول ناشی از آن هم ساده‌تر از اکنون به کشور بازگردد، ارز کافی داخل خواهد آمد. در این چند ماه تمام دغدغه دولت بر این بوده که قیمت دلار را به عدد واقعی خود برساند زیرا در جاهایی خیلی پایین آمدن دلار هم به صلاح اقتصاد کشور نیست، اکنون نگاه به واردات کاهش یافته و نگاه به صادرات اضافه شده است که در آن صورت این قضیه برعکس خواهد شد. وی در ادامه اضافه کرد: مشکل کنونی کشور نوسانات قیمت ارز است، باید به تثبیت قیمت برسد. همانطور که اشاره کردم چنانچه صادرات نفت و محصولات غیرنفتی روال عادی خود را پیدا کند، نوسانات ارزی به کنترل درخواهد آمد. به همین دلیل دولت در بودجه نرخ تسعیر ارز را ۱۱۵۰۰ پیش‌بینی کرده است. این نماینده سابق مجلس درباره حفظ روند رو به کاهش توضیح داد: همانطور که اشاره کردم چنانچه معادلات سیاسی به سمتی رود که نفت راحت صادر شود، پول به راحتی وارد کشور شود و بازار به این نتیجه برسد که هیچ مانعی برای وارد کردن ارز و صادر کردن نفت وجود ندارد، بطور طبیعی نوسانات ارزی از بین خواهد رفت. البته باید بر این نکته هم توجه داشت که نزدیک انتخابات هستیم و عده‌ای تلاش می‌کنند تا این اتفاقات روی ندهد. ظاهرا گروه مورد اشاره فراموش کردند که همگی سوار بر یک کشتی هستیم، در صورت وارد ضربه‌ای به آن همه صدمه خواهند دید. لاهوتی اضافه کرد: نباید از یاد برد که دولت در اوایل کار خود به خوبی پیش رفت، اما پس از آنکه با عدم تعامل سیاسی مواجه شد، نابسامانی و تورم افزایش پیدا کرد، اکنون هم چنانچه منافع ملی کشور و مشکلات معیشتی که همه شعار آن را سر می‌دهند، به شکل واقعی دغدغه است باید از فرصت‌ها بهره برد تا حباب ارز از بین برود.

راه‌اندازی ارز دیجیتال ملی در هند

دولت هند در حال بررسی لایحه‌ای برای ممنوعیت ارزهای مجازی خصوصی مثل بیت کوین و راه‌اندازی یک ارز مجازی ملی است. حزب بهاراتیا جاناتا به رهبری نارندرا مودی، نخست وزیر هند، از این لایحه حمایت می‌کند. به گزارش سی ان بی سی، دولت هند قصد دارد طبق لایحه‌ای ارزهای مجازی خصوصی مثل بیت کوین را ممنوع کرده و یک ارز مجازی ملی راه‌اندازی کند. این لایحه با عنوان «ارز مجازی و قانون ارز دیجیتال رسمی» زیرساخت‌های ایجاد یک ارز دیجیتال رسمی را توسط بانک رزرو هند ایجاد می‌کند. حزب بهاراتیا جاناتا به رهبری نارندرا مودی، نخست وزیر هند، از این لایحه حمایت کرده و احتمال بالایی برای تصویب آن می‌دهد. این اولین‌بار نیست که قانونگذاران هند چنین موضع قدرتمندی در برابر ارزهای مجازی گرفته‌اند. یک هیات دولتی در ۲۰۱۸ پیشنهاد ممنو

اخبار

نحوه انتقال سهام متوفیان به وراث چگونه است؟

علیرضا ترابی، مدیر خدمات حقوقی شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه درباره چگونگی انتقال سهام متوفیان به وراث اظهار داشت: برای انتقال سهام به ورثه قانونی باید مراحلی را از طریق سایت شرکت سمات (شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه) و دفاتر پیشخوان دولت طی کرد که این مراحل به این ترتیب است. وی در این زمینه گفت: در ابتدا وراث به سایت شرکت سمات (اینجا) مراجعه کرده و وارد قسمت خدمات انتقال سهام اشخاص متوفی می‌شوند، پس از مطالعه فهرست دفاتر پیشخوان دولت و انتخاب نزدیک‌ترین دفتر با در دست داشتن مدارک لازم اقدام به تشکیل پرونده قهری می‌کنند. ترابی با اشاره به مدارک لازم در این زمینه، افزود: گواهی‌نامه واریز مالیاتی، گواهی انحصار وراثت، گواهی فوت، اصل و تصویر اصل شناسنامه و کارت ملی متوفی (یا برابر اصل) و وراث مدارک مورد نیاز است. مدیر خدمات حقوقی شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه خاطرنشان کرد: پس از مراجعه به نخستین دفتر پیشخوان دولت نسبت به ارایه فرم نقل و انتقال قهری به یکی از ورثه یا نماینده وراث اقدام کرده و پس از تکمیل مدارک اخذ شده به سمات ارسال می‌کنند.

گزارش ۹ ماهه شرکت‌ها و پیش‌بینی‌ها

جلال سیف‌الدینی، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با سنا اظهار کرد: با گذشت یک ماه از پایان فصل پاییز، گزارش‌های مالی ۹ ماهه اغلب شرکت‌ها روی کدال قرار گرفته است که در زمینه بررسی و تحلیل این گزارش‌های دوره‌ای باید به ماهیت فعالیت‌های آنها توجه کرد، زیرا در برخی از شرکت‌ها مانند انواع هلدینگ‌ها، یا شرکت‌هایی که بطور قراردادی یا پیمانکاری کار می‌کنند، روند فعالیت‌ها به صورت مستمر و اصطلاحاً خطی نیست تا بتوان براساس گزارش عملکرد یک فصل در مورد آنها قضاوت کرد؛ بنابراین عملکرد آنها در گزارش‌های پایان دوره بیشتر مشخص می‌شود. این استاد دانشگاه در ادامه گفت: با این حال در مورد شرکت‌های تولیدی و خدماتی که فعالیت تولید و فروش آنها بطور مستمر انجام می‌شود، می‌توان روند فعالیت‌ها را براساس گزارش‌های فصلی مورد بررسی قرار داد؛ در نظر داشته باشید در بررسی گزارشات فصلی نباید تنها به سود خالص که بطور تیتروار در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، اکتفا کرد و لازم است سرمایه‌گذاران جزییات عملکرد را نیز در متن گزارش‌های منتشر شده در کدال بررسی کنند. سیف‌الدینی در خصوص مواردی که باید در بررسی این گزارش‌ها به آن توجه داشت، بیان کرد: میزان تولید و فروش، نرخ‌های فروش و حاشیه سود عملیاتی از جمله موارد مهمی است که باید در این رابطه به آنها توجه کرد. بررسی گزارش‌های سه ماهه سوم شرکت‌های صنایع مختلف نشان می‌دهد که در صنایع بزرگی نظیر کانی‌های فلزی، فلزات اساسی و محصولات پتروشیمی عموما حاشیه سود نسبت به سه ماهه دوم ۹۹ بهبود داشته است.

تثبیت و افزایش نرخ دلار باعث افزایش اعتماد سهامداران به بازار سرمایه شد

دلار با بورس چه می‌کند؟

رقیه ندایی |

دومین روز هفته نیز وضعیت مطلوبی نداشت و در مقایسه با یک روز گذشته خود یعنی شنبه افت داشت. شاخص کل بورس تهران افزایش ۰/۳ درصدو شاخص هم‌وزن با کاهش ۰/۱ تامحدودیک میلیون و ۲۵۰ هزار پیش رفت. همچنین نرخ دلار در کانال ۲۵ الی ۲۴ هزار تومان نوسان می‌کند و این مورد موجب شد تا سهامداران بورسی با خیال آسوده‌تری نسبت به سودسازی شرکت‌های بورسی به معامله بپردازند، بطور کلی نرخ دلار باعث شد که چشم‌انداز بورس بازان تا حد بسیار زیادی مثبت شود. این چشم‌انداز به قدری مثبت بود که سهامداران بورسی پس از چهار روز معطلی روز شنبه و یکشنبه خرید خود را آغاز کنند.

این روزها نگاه اغلب سهامداران بورسی به خیابان فردوسی و نوسان قیمت دلار است. همان گونه که چشم‌انداز کاهش نرخ دلار طی روزهای گذشته، کاهش قیمت سهام موجود در بازار سهام را به دنبال داشت. طی روزهای گذشته یعنی شنبه و یکشنبه بازگشت نرخ دلار از کف قیمتی خود باعث شد که یک افزایش تقاضای مطلوبی در بازار سرمایه داشته باشیم. به دنبال ابهامات جدید درباره بازگشت سریع امریکا به مذاکرات برجام، دلار که تا ۲۰ هزار تومان نیز عقب‌نشینی کرده بود، روند صعودی شد و مجددا به کانال ۲۴ هزار تومان بازگشت. این رشد قیمتی کافی بود تا خیال سهامداران از روند سودسازی شرکت‌های کامودیتی‌محور و دیگر صادراتی‌ها راحت شود. پیش‌تر با وجود آنکه رصد سامانه کدال در ماه گذشته خبر از رقم‌خوردن یکی از طلایی‌ترین فصل‌های عملکرد بورسی‌ها با گزارش‌های مطلوب به‌ویژه در گروه‌های کالایی و صادرکننده بود که همچنان تردید در معاملات سهام خودنمایی می‌کرد. این عدم اطمینان عموما به وضعیت قیمت ارز و قیمت‌های جهانی بازمی‌گشت. برخی از این نگرانی‌ها به افزایش احتمال مذاکرات ایران و امریکا با آمدن جو بایدن مربوط و بخش دیگر آن به اظهارات رییس دولت در خصوص پیش‌بینی دلار ۱۵ هزار تومانی برای سال ۱۴۰۰. بر این اساس بورس‌بازان به استقبال سناریویی رفتند که در جریان آن با بازگشت دولت جدید امریکا به برجام و به تبع آن کاهش و حتی لغو کامل تحریم‌ها نرخ دلار افت قابل توجهی را تجربه می‌کند و این موضوع می‌تواند به زیان سهامداران تمام شود. اما چرا نرخ دلار به این میزان بر بازار سرمایه اثرگذار است؟ در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد از ارزش بازار سهام در دست شرکت‌های صادرات‌محور یا همان کامودیتی‌ها است. حضور پررنگ و فعال این شرکت‌ها سبب شده تا رابطه مستقیمی میان بازار سهام و دلار برقرار باشد.

قیمت ارز یا همان دلار که در واقع قیمت نسبی پول خارجی به پول داخلی است، نه تنها در بورس بلکه به عنوان یکی از عوامل کلان اقتصادی، همواره مورد توجه جامعه اقتصادی و مالی بوده است. نرخ مذکور بیانگر شرایط اقتصادی کشور بوده و عاملی برای مقایسه اقتصاد ملی با اقتصاد سایر ملل است. در این بین با توجه به صادراتی و وارداتی بودن شرکت‌های فعال در بازار سهام و میزان وابستگی آنها به نرخ ارز، نوسانات نرخ ارز می‌تواند تاثیرات متفاوتی بر منابع پذیرفته‌شده در بورس و شرکت‌ها بگذارد. به معنای دیگر در صورتی که یک بنگاه اقتصادی برای تامین مواد اولیه، خرید تجهیزات و تکنولوژی تولید از تقاضاکنندگان ارز باشد، تغییرات نرخ ارز می‌تواند برنامه‌های تولیدی این شرکت‌ها را دستخوش تغییراتی کرده و بهای تمام‌شده محصولات تولیدی این دسته از بنگاه‌ها را افزایش یا کاهش دهد. موضوعی که طبیعتا ارزش سهام این شرکت‌ها را نیز دچار نوساناتی می‌کند. در مقابل افزایش نرخ ارز برای شرکت‌های صادرات محور، اثری مثبت در پی دارد. بر این اساس در صورت رشد نرخ ارز به‌ویژه دلار، محصولات تولیدی این کشورها با قیمت بالاتری به فروش رفته و سودآوری بیشتری نصیب شرکت‌های صادرکننده می‌شود. در شرایط کنونی، این موضوع در خصوص نیمی از شرکت‌های بورسی صدق می‌کند. البته میزان تاثیرپذیری شرکت‌ها از افزایش نرخ دلار، بسته به نوع فعالیت و وابستگی آنها به ارز متفاوت است. در یک نگاه کلی اما می‌توان شرکت‌های موجود در بازار سهام را به دو دسته فروشندگان دلاری و فروشندگان غیردلاری تقسیم کرد.

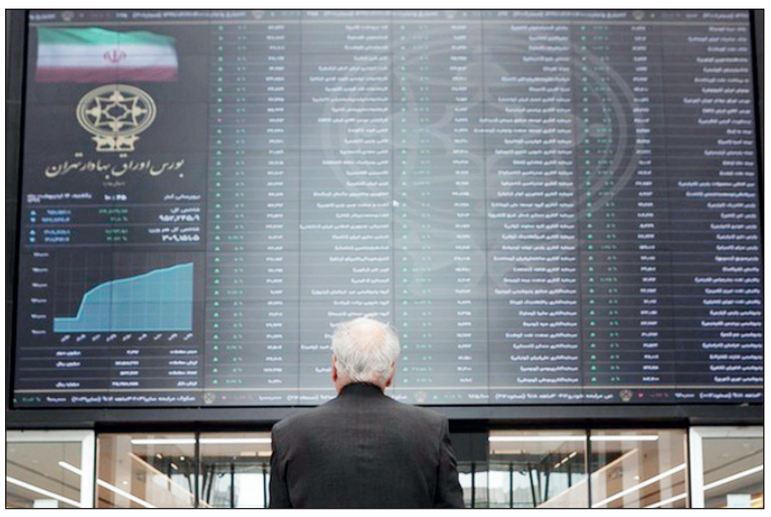

دلار ارزان‌تر

رفتار اخیر قیمت دلار در بازار آزاد یکی از عوامل شتاب‌گیری کاهش نرخ سهام در دو هفته گذشته بوده که در خصوص دلایل این کاهش ناگهانی نظرات مختلفی مطرح شده است. برخی آن را به اظهارات رییس جمهور و پیش‌بینی دلار ۱۵ هزار تومانی مرتبط دانستند و گروهی دیگر آن را به پایان کار رسمی ترامپ و تهدیدهای مرتبط با حضور او در کاخ سفید نسبت دادند. با این حال، آنچه از عوامل روانی موثرتر است، چشم‌انداز عرضه و تقاضای واقعی ارز در ماه‌های پیش‌رو است. به نظر می‌رسد فعالان بازارها در این زمینه به استقبال سناریویی رفته‌اند که در جریان آن، دولت جدید ایالات متحده امریکا به برجام برمی‌گردد و متعاقب آن، دستورهای اجرایی تعلیق تحریم‌های مرتبط با فروش نفت و بقیه معافیت‌های تحریمی برجامی برقرار می‌شود. باید توجه داشت، براساس مطالعه روندهای تاریخی، فعالان بازارها پیش از اتفاق واقعی، رفتار خود را با مفروضات آتی تنظیم می‌کنند و در نتیجه قیمت‌ها خیلی زودتر از خود رویدادها با نتایج اتفاقات بنیادی منطبق می‌شود. از این رو، در شرایط کنونی نیز این احتمال وجود دارد که عامل انتظارات باز هم جلوتر از وقایع حرکت کرده باشد و بر این اساس، کف نرخ‌های ارز زودتر از تحولات برجامی رویت شود. در همین حال، مقاومت نرخ دلار در سامانه نیما در محدوده ۲۳ هزار تومانی گویای آن است که در عرصه زورآزمایی عرضه و تقاضای واردکنندگان و صادرکنندگان قیمت کشف شده از ثبات بیشتری برخوردار است. توجه به این عامل از آن رو حائز اهمیت است که شرکت‌های بورسی در عملیات تبدیل ارز بیشتر به نرخ‌های سامانه مزبور متکی هستند که تا حدی از افت هیجانی در امان مانده است.

یکی از کارشناسان بازار سرمایه در خصوص نرخ دلار ۱۵ هزار تومانی می‌گوید: کاهش نرخ دلار به هر نحوی روی بازار سرمایه تاثیر منفی می‌گذارد اما این نرخ دلار با واقعیت‌های اقتصادی همخوانی ندارد. برخی‌ها مساله توافق بین ایران و امریکا را مطرح می‌کنند که این مساله یک الی دوماهه نیست حداقل بیش از یکسال زمانبر است.

در این میان باید به یک نکته نیز توجه داشت که تقاضای پنهان دلار به دو صورت است. نخست؛ بحث مهاجرت یا سفرهای خارجی است و دوم بحث واردات کالاهاست. در حال حاضر بسیاری از کالاهای معمول خارجی همانند لوازم‌صوتی، تصویری، موبایل و امثال این موارد در بازار بسیار کم هستند و این تقاضا در گمرکات وجود دارد، مطمئنا هر کاهش قیمت دلاری را وارد کننده‌ها به عنوان فرصت ورود می‌بینند و من بنده بعید می‌دانم که دلار به نرخی کمتر از ۲۰ هزار تومان برسد و اگر هم نرخ دلار به کمتر از ۲۰ هزار تومان برسد به صورت کوتاه‌مدت و مقطعی خواهد بود. بنابراین من بعید می‌دانیم که قیمت دلار به نرخی که دولتی‌ها وعده می‌دهند برسد.

عوامل تاثیرگذار روی بورس چیست؟

جز نرخ دلار عوامل تاثیرگذار دیگری روی بورس وجود دارد. هومن عمیدی، کارشناس بازار سرمایه به روند معاملات بازار سهام اشاره می‌کند و می‌گوید: در نخستین روزهای معاملاتی هفته گذشته شاهد بهبود وضعیت بازار و بازگشت رشد به معاملات این بازار بودیم اما از روز سه‌شنبه با توجه به گمانه‌زنی‌های صورت گرفته در زمینه ریاست معاون وزیر اقتصاد در سازمان بورس، روند بازار تغییر کرد و بار دیگر به مدار نزولی بازگشت که در نهایت خبر ریاست وی منتشر و منجر به تداوم روند نزولی این بازار شد. به نظر می‌رسد هنوز جریان نقدینگی خریدهای گسترده را در دستور کار قرار نداده است و بی‌توجهی متولیان و مسوولان بازار سرمایه به اعتماد عمومی و ضعف در روند اصلاحات باعث تداوم روند منفی بازار شده بود.

عمیدی خاطرنشان می‌کند: با توجه به شرایط مناسب شرکت‌های بزرگ از نظر بنیادی باید رفتار هیجانی همراه با ترس سهامداران حقیقی در فروش سهام توسط مسوولان سازمان بورس مورد شناسایی قرار می‌گرفت و حرکت معکوس جهت ایجاد اعتماد در قوانین معاملاتی بازار سرمایه پیش‌بینی می‌شد که این امر تاکنون محقق نشده است. نامتقارن کردن دامنه نوسان، اصلاح روند بازارگردانی شرکت‌ها، ایجاد تنبیه برای شرکت‌های مختلف و تشویق برای شرکت‌های شفاف و منظم در امر بازارگردانی، افزایش سطح اعتبار مشتریان، محدود کردن فروش سهام کلان توسط حقوقی‌ها، ایجاد مشوق‌های مالیاتی برای شرکت‌های منظم در منتشر کردن اطلاعات مالی، اعطای مشوق‌های مهم به شرکت‌هایی که چند بازارگردان را برای بازارگردانی سهام خود انتخاب کرده‌اند، توجه بیشتر به اوراق تبعی و استفاده از ابزارهای نوین مالی از راهکارهای مناسب جهت تداوم روند صعودی شاخص بورس خواهند بود.

وی با بیان اینکه با توجه به وجود شرایط خوب بنیادی در بازار اما معاملات این بازار با تاخیر در مسیر صعودی قرار گرفت، اضافه می‌کند: وجود چنین فضایی باعث شد تا سهام شرکت‌های کوچک که شرایط بنیادی مناسبی ندارند و از شناوری پایین برخوردارند، مورد توجه سوداگران و سفته‌بازان قرار بگیرند و موجب سودی چشمگیر برای عده‌ای کم و زیانی هنگفت برای عده‌ای کثیر شوند. وجود برخی از ناهماهنگی‌ها در تصمیم‌گیری‌ها با تشکیل کارگروه‌های تخصصی و کاربردی به راحتی قابل پیشگیری بود، زیرا تحقق چنین امری مانع از اتخاذ تصمیم و عرضه‌های هیجانی در بازار می‌شد برخی از اقدامات از سوی مسوولان می‌تواند ضرر و زیان سهامداران را به حداقل رسانده و سبب کاهش ریسک‌های غیرسیستماتیک بورس شود. اگر بخواهیم در سطح ملی با هدایت مناسب نقدینگی به بخش‌های اجرایی اقتصاد و تولید همراه باشیم باید نگاه استفاده محور از بازار سرمایه را به نگاه کلان هدایت جریان نقدینگی به بازار سرمایه تغییر دهیم که این امر جز بازگرداندن اعتماد عمومی و اتخاذ تصمیم‌های کلان و خردمناسب اقتصادی میسر نخواهد شد.

نظارت بر عملکرد نوردی‌ها دشوار است

ابطال معامله صوری در بورس کالا

روز چهارشنبه ۸ بهمن ماه بود که بخش عمده‌ای از محصولات و مقاطع فولادی شامل میلگرد، تیرآهن و امثال این موارد که در بورس کالا عرضه شود با وجود کاهش بیش از ۱۳ درصدی قیمت پایه نسبت به روزهای و هفته گذشته بدون تقاضا ماند. بسیاری از کارشناسان و فعالین بورس کالا بر این نظرند که کاهش قیمت محصولات صادراتی منطقه CIS و انتظار تداوم روند کاهشی از دلایل بدون مشتری ماندن محصولات عرضه‌شده در بورس کالا است البته این کمبود مشتری طی روزهای جاری نیز تا حدوی ادامه‌دار بوده است. بررسی‌های موجود حاکی از این است که روند معاملات مقاطع طویل در بورس کالا، مشاهده شد برخلاف اینکه بیشتر معاملات بدون تقاضا بود، تقاضای بالایی برای محصول عرضه‌شده شرکت سپید فراب کویر وجود داشته و دارد. این شرکت برای ۷۷۰۰ تن میلگرد طول کوتاه که به نوعی ضایعاتی محسوب می‌شود، بیش از ۸۵۰۰ تن تقاضا داشت، این در حالی است که شرکت فولاد خراسان برای ۲۰ هزار تن سبد میلگرد مخلوط خود فقط ۲ هزار تقاضا و شرکت ملی فولاد فقط ۹۲۵ تن تقاضا برای ۵ هزار تن سبد میلگرد خود داشت. خب یک سوال اینجا مطرح می‌شود که خرید ضایعات می‌تواند سودسازتر از محصول واقعی باشد؟ و چرا در روزی که تمام شرکت‌های تولیدکننده میلگرد و مقاطع طویل با عدم تقاضا مواجه بودند، چگونه محصولات ضایعاتی یک شرکت با تقاضای بیش از عرضه روبرو باشد؟ آیا این شرکت و مسوولان آن قوانین بورس را دور زده‌اند و تنها به فکر سوءاستفاده از بورس کالایی هستند؟ و اینکه این عرضه که با گرید پایین صورت می‌گیرد برای عده‌ای خاص است؟ شنیده‌های فضای رسانه‌ای حاکی از این موضوع است که با توجه به اینکه شرکت سپید فراب کویر تنها محصولات گرید پایین خود را در بورس کالا عرضه می‌کند، ولی این عرضه را هم فقط افراد خاص که وابسته به شرکت هستند می‌توانند خرید کنند تا به دست خریداران دیگر نرسد. این شرکت با این روش، هم تعهد عرضه در بورس کالا را انجام می‌دهد هم این امکان را فراهم می‌شود که محصولات اصلی خود دیگر در بورس کالا عرضه نکند و به راحتی وارد عرضه صادرات شود. بررسی عرضه‌های این شرکت در بورس نشان از حجم بالای درخواست برای میلگرد طول کوتاه دارد. یک منبع آگاه گفته: بورس کالا به وزارت صمت این موضوع را گزارش داده و درخواست توقف معامله محصولات با گرید پایین این شرکت و شرکت‌های دیگر را داده است اما وزارت صمت با این درخواست مخالفت کرده و اعلام کرده «بگذارید عرضه کنند». در این میان یکی از بهترین راهکارهایی که می‌تواند مانع این نوع از معاملات شود و موجبات قطع سهمیه خریداران خاص این شرکت یا تعلیق شرکت اصلی منوط به عرضه تمام محصولات در بورس است. به نظر می‌رسد که باید راهکاری اندیشیده شود تا شاهد تکرار این نوع معاملات در بورس نباشیم چرا که این نوع عرضه و معامله در بورس کالا در زمان‌های رونق بازار، باعث قیمت‌سازی می‌شود. محمودرضا الهی‌فرد، کارگزار قدیمی بورس کالا در گفت‌وگو با اقتصادآنلاین اظهار می‌کند: به واسطه محدودبودن، امکان رصد آنها وجود دارد و برنامه عرضه آنها در بورس مشخص است. ضمن اینکه توسط نهادهای نظارتی متعددی کنترل می‌شوند. این شرکت‌ها عمدتا محصول میانی نظیر شمش تولید می‌کنند و این محصولات در میان تعداد زیادی از کارخانه‌های نوردی که بعضا خصوصی بوده و کنترل بر روی آنها دشوار است، توزیع می‌گردد. وی اضافه می‌کند: به دلیل تعداد بالاتر این واحدها و تنوع محصولات تولیدی آنها، کنترل شرکت‌های مذکور دشوار است و در چنین شرایطی برخی شرکت‌های نوردکار، مزیت خرید شمش از بورس و فروش محصول بازار آزاد را در نظر گرفته و اقدام به فروش محصولات خارج از بورس و با نرخ‌های بالاتر می‌کنند. این اتفاق در زمان‌هایی که دلار نوسانات قابل توجهی دارد، چشم‌گیرتر است، چرا که در حوزه فلزات و محصولات پتروشیمی به دلیل امکان صادرات و تاثیرپذیری از نرخ‌های جهانی، از نوسانات نرخ ارز متاثر می‌شوند و نه تنها در سال جاری بلکه در سال‌های گذشته فروش خارج از بورس نیز مشاهده و سبب شد این رانت‌ها از جیب شرکت‌های بزرگ و عمومی که سهامداران آنها افراد جامعه هستند، خارج و در جیب نوردکاران و واسطه‌ها می‌رود. این اتفاق نه فقط در حوزه فلزات بلکه در حوزه پتروشیمی هم در برهه‌ای دیده شد. الهی‌فرد با اشاره به مازاد تولید در حوزه شمش فولاد و سایر فلزات در کشور می‌گوید: مسیر صادرات باید هموار شود و تا زمانی که شرکت‌ها نتوانند مازاد نیاز بازار داخل را صادر کنند، نمی‌توانیم به قیمت‌های واقعی برسیم، چون بازار کشش این حجم از تولید را ندارد و باید سیاست‌های مدون و چابکی برای این مساله تدوین و ابلاغ شود تا تعادل بین تولید و مصرف برقرار شده و نه تولیدکننده زیان کند و نه مصرف‌کننده ضرر ببیند. بررسی عرضه‌های فولادی در بورس کالا نشان می‌دهد، شمش در یک سال اخیر بیشترین حجم عرضه را به خود اختصاص داده بود.

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدینوسیله به شرکت صنایع پلیمر نواور شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۱۳۱۸۶ به نشانی تهران بزرگراه افریقا بعد از میرداماد خیابان تابان غربی ساختمان تابان واحد ۲۷ ابلاغ می شود بانک ملی ایران شعبه خجسته تهران به استناد قرارداد شماره ۸۵۰۲۹۵۲ مورخ ۸۵/۹/۱۳ جهت وصول مبلغ ۵۸/۳۳۲/۶۵۲/۷۴۳ ریال مشتمل بر اصل طلب و سود و خسارت تاخیر تادیه تا تاریخ ۹۹/۸/۱۵ و از آن تاریخ تا تاریخ تسویه کامل مطالبات طبق مقررات علیه آن شرکت مبادرت به صدور اجرائیه نموده که پرونده اجرائی به کلاسه بایگانی ۹۹۰۰۸۳۱ در این اداره تشکیل شده و در جریان اقدام است چون طبق گزارش مامور ابلاغ پست ابلاغ اجرائیه به آن شرکت به دلیل عدم شناسائی نشانی میسر نشده لذا به استناد ماده ۱۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء مفاد اجرائیه فوق الذکر یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود چنانچه ظرف مدت ۱۰ ده روز از تاریخ انتشار این آگهی که روز رسمی ابلاغ اجرائیه محسوب می گردد اقدام به پرداخت بدهی خود ننمایید عملیات اجرائی برابر مقررات آن شرکت تعقیب خواهد شد. م الف ۱۷۱۰۰
شناسه آگهی : ۱۰۸۶۷۰۵
رئیس اداره دوم اجرای اسناد رسمی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت پلاک ثبتی ۸۵/۲۰۱۷۶ بخش ۱۱ تهران

نظر به اینکه آقای محمدعلی رضائی ملک خیل و خانم فاطمه رضائی ملک خیلی برابر برگ تقاضا به شماره وارده های ۶۴۱۸۹ مورخ ۹۹/۱۰/۱۷ و با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی ثبت شده ذیل ترتیب شماره های ۲۶۴۵۹ مورخ ۹۹/۱۰/۱۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۲۸ تهران مدعی شده که سند مالکیت شش دانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی نوع ملک طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۲۰۱۷۶ فرعی از ۸۵ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۲۳۸ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱ تفکیکی واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک تهرانپارس استان تهران به مساحت ۸۵/۸۲ مترمربع که ۳/۸۶ مترمربع آن بالکن است بانضمام پارکینگ قطعه ۲ تفکیکی به مساحت ۱۱ مترمربع و انباری قطعه ۱ تفکیکی به مساحت ۲/۲۴ مترمربع به نام محمدعلی رضائی ملک خیل به عنوان مالک سه دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۲۶۷۹ تاریخ ۹۵/۱۱/۴ دفترخانه ۱۴۰۷ تهران موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۵۲۲۱۴۰ سری الف سال ۹۵ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۷۹۰۰۴۹۸۲ ثبت گردیده است با شماره مستند مالکیت ۱۲۶۸۰ تاریخ ۹۵/۱۱/۴ دفترخانه ۱۴۰۷ تهران موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۵۲۲۱۴۰ سری الف سال ۹۵ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۷۹۰۰۴۹۸۲ و فاطمه رضائی ملک خیلی به عنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۲۶۷۹ تاریخ ۹۵/۱۱/۴ دفترخانه ۱۴۰۷ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۵۲۲۱۴۱ سری الف سال ۹۵ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۷۹۰۰۴۹۸۳ ثبت گردیده است با شماره مستند مالکیت ۱۲۶۸۰ تاریخ ۹۵/۱۱/۴ دفترخانه ۱۴۰۷ تهران موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۵۲۲۱۴۱ سری الف سال ۹۵ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۷۹۰۰۴۹۸۳ ثبت و صادر گردیده و به علت جابه جایی منزل مفقود گردیده فلذا درخواست صدور المثنی سندمالکیت پلاک موصوف را نموده اند لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت در یکی از روزنامه کثیرالانتشار آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور می باشد و یا ادعای وجود اصل سندمالکیت نزد خود را دارد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ده روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد ضمنا به اعتراضات بدون سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود النهایه در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد. م الف ۱۷۱۰۴
شناسه آگهی: ۱۰۸۶۷۱۷
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانپارس

آگهی اخطاریه ماده ۱۰۱ آیین نامه اجرای اسناد رسمی

به : آقای شاهرخ بختیاری به نشانی تهران خ امام خمینی نرسیده به م حسن آباد باسیتون شرقی جنب فروشگاه چمران ک نوبهار پ۶ درخصوص پرونده اجرائی کلاسه ۹۶۰۲۵۳۳ تلفن همراه به شماره ۰۹۱۲۸۱۷۲۷۳۷ و ۰۹۱۲۴۰۴۶۱۱۷ متعلق به مورث شما حسب درخواست بستانکار در پرونده فوق بازداشت می باشد و طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری تلفن همراه شماره ۰۹۱۲۸۱۷۲۷۳۷ به مبلغ ۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و تلفن همراه ۰۹۱۲۴۰۴۶۱۱۷ به مبلغ ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده در صورتی که به ارزیابی فوق اعتراض دارید ظرف مدت ۵ روز از تاریخ ابلاغ این اخطار ضمیمه فیش بانکی دستمزد کارشناس سه نفره به شماره حساب ۰۱۰۳۱۳۴۸۰۰۰۰۱ به ازا هر خط مبلغ ۴/۲۰۰/۰۰۰ ریال بابت علی الحساب دستمزد سه نفره واریز و به دفتر این اداره به نشانی خیابان مطهری خیابان قائم مقام نرسیده به خیابان بهشتی کوچه میرزا حسنی پلاک ۳ طبقه همکف تسلیم و بدیهی است به اعتراض خارج از موعد یا فاقد فیش کارشناسی ترتیب اثرداده نخواهد شد این آگهی پس از تایید نهایی و ارسال آگهی در سایت آگهی های سازمان ثبت قرار خواهد گرفت و به منزله انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشار محلی است. م الف ۱۷۱۰۳
شناسه آگهی: ۱۰۸۶۷۱۴

آگهی فقدان سندمالکیت

آقای علی رباط سرپوشی طبق وکالتنامه شماره ۳۱۴۳۳ مورخ ۹۸/۱۱/۲۱ دفتر ۷۵۸ تهران از طرف فاطمه رباط سرپوشی طی وارده ۱۳۹۹۸۵۶۰۱۰۴۵۰۳۲۸۷۴ مورخ ۹۹/۹/۲۲ با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی که گواهی امضای شهود آن طی شماره ۹۵۸۲ و ۹۵۸۳ مورخ ۹۹/۹/۱۸ دفتر اسناد رسمی ۹۴۸ تهران ثبت گردیده است مدعی است که سند مالکیت شش دانگ یک دستگاه آپارتمان واقع در شمال شرق طبقه چهارم به شماره ۲۴۶۹۸ فرعی از ۲۴۲۶ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۰۲۸۲۸ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱۸ واقع در بخش ۱۰ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک رودکی تهران استان تهران به مساحت ۴۹/۵ مترمربع و پارکینگ ۶ به مساحت ۱۲/۵ مترمربع مالکیت فاطمه رباط سرپوشی به عنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان عرصه و اعیان موضوع سندمالکیت اصلی به شماره چاپی ۸۷۶۰۶۹ سری د سال ۹۳ با شماره دفتر الکترونیکی الکترونیک ۱۳۹۴۲۰۳۰۱۰۴۵۰۴۱۹۱۱ که در صفحه ۵۴ دفتر املاک جلد ۲۵۱۰ ذیل شماره ۴۷۶۹۵۶ ثبت گردیده است و مالکیت معصومه رباط سرپوشی به عنوان مالک سه دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان عرصه و اعیان موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۸۷۶۰۷۰ سری د سال ۹۳ که در صفحه ۲۲۶ دفتر املاک جلد ۳۴۱۱ ذیل شماره ۶۳۹۹۸۴ ثبت گردیده است سپس به موجب سند قطعی ۳۱۴۳۳ مورخ ۹۸/۱۱/۲۱ دفتر ۷۵۸ تهران سهمی معصومه رباط سرپوشی به فاطمه رباط سرپوشی انتقال یافته است به علت جابه جایی مفقود گردیده است لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سندمالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ده روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سندمالکیت اقدام نماید بدیهی است در اینصورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سندمالکیت به ارائه کننده مسترد خواهدشد و صدور المثنی سندمالکیت منوط به ارائه دادنامه از مراجع ذیصلاح قضایی خواهد بود و پس از انقضا مدت مذکور و عدم هرگونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سندمالکیت اقدام خواهد نمود. م الف ۱۷۱۰۸
شناسه آگهی: ۱۰۸۶۷۲۹
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران

بازار سرمایه

ثبت نام ۳۲ میلیون نفر در سامانه سجام

با توجه به آزادسازی معاملات سهام عدالت و ورود بیش از ۵۷ میلیون نفر در بورس اوراق بهادار تهران، از سال گذشته سامانه‌ای راه‌اندازی شده به نام سامانه جامع اطلاعات مشتریان، سجام که در این سامانه احراز هویت مشتریان حقیقی و حقوقی در بورس انجام می‌شود و همچنین اطلاعات اشخاص شامل کدملی، شماره شناسنامه و مشخصات شناسنامه‌ای، همچنین شماره تلفن همراه به نام فرد و شماره شبای حساب بانکی جهت واریز سود مجامع شرکت‌ها در آن اعلام می‌شود.

براساس اطلاعات به دست آمده از شرکت سپرده گذاری مرکزی و تسویه وجوه، سمات، ثبت نام در سامانه سجام در دی‌ماه امسال ۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر بوده که در مجموع تاکنون ۳۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در سامانه سجام ثبت نام کرده‌اند. همچنین تعداد ۵ هزار و ۶۷۰ شخص حقوقی یا شرکت حاضر در بورس در سامانه سجام ثبت‌نام کرده‌اند و نیز تعداد ۱۲۴ نفر سرمایه‌گذار خارجی هم تاکنون در سامانه سجام ثبت‌نام کرده‌اند.

همچنین طبق اطلاعات به دست آمده از سجام، استان خراسان رضوی از نظر تعداد ثبت‌نام‌شدگان در سامانه سجام رتبه اول را دارد که تاکنون ۸۷۰ هزار و ۲۳۰ نفر در سجام ثبت‌نام کرده‌اند. در رتبه دوم استان خوزستان با ۵۹۴ هزار و ۱۹۷ نفر، سپس استان گیلان با ۴۶۳ هزار و ۵۵۲ نفر، پس از آن کرمان با ۴۴۳ هزار و ۲۱۶ نفر، استان فارس ۴۳۸ هزار و ۱۸۸ نفر، استان تهران ۴۲۴ هزار و ۷۱ نفر، سیستان و بلوچستان با ۳۸۸ هزار و ۵۳ نفر و پس از آن استان‌های همدان، هرمزگان، مازندران، کرمانشاه، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، گلستان، مرکزی، زنجان، اردبیل، یزد، اصفهان، کردستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، البرز، خراسان جنوبی، بوشهر، خراسان شمالی قرار دارند و در استان قزوین با ۷۸ هزار و ۲۹۷ نفر، سمنان ۷۰ هزار و ۴۲۲، قم ۶۵ هزار و ۶۷۸ نفر، کهگیلویه و بویراحمد ۶۵ هزار و ۶۷ نفر و استان ایلام در آخرین رتبه با ۴۹ هزار و ۸۲۵ نفر در سامانه سجام ثبت‌نام کرده‌اند.

با توجه به حضور گسترده مردم در بورس و سهام پراکنده مردم به ویژه سهام خرد عدالت و سهام اندک عرضه‌های اولیه و همچنین شرایط به وجود آمده از کرونا، لازم است سود واریز شده برای سهام در شرکت‌

درشهر

واکنش هاشمی به مخالفت فرمانداری با زیست شبانه

محسن هاشمی، رییس شورای شهر تهران به مخالفت فرمانداری با طرح زیست شبانه واکنش نشان داد. هاشمی در حاشیه دویست و شصت و هشتمین جلسه شورای شهر تهران در جمع خبرنگاران در پاسخ به سوالی درباره مخالفت فرمانداری با طرح زیست شبانه گفت: مصوبات ما نگاه به زمان کرونا ندارد، اما بسیاری از قوانین دیگر وجود دارد که اکنون جاری است و ستاد کرونا نسبت به آنها حساسیت نشان می‌دهد. برای مثال رفتن به سینما آزاد است اما ستاد ملی کرونا می‌گوید برای حضور در سینما باید پروتکل‌های خاص را رعایت کنید. او افزود: در مورد این نیز مشکلی نیست، می‌تواند این طرح تصویب شود و ستاد ملی کرونا توصیه کند که به دلیل شرایط کرونایی فعلا امکان اجرا وجود ندارد. به گزارش «تعادل»، عیسی فرهادی، فرماندار تهران روز شنبه هفته جاری با تاکید بر اینکه زیست شبانه در تهران با وجود کرونا معنا ندارد، بررسی مصوبه «شهر بیدار» توسط شورای شهر را نیز منوط به اتمام وضعیت کرونایی در تهران دانست. به گفته او، زیست شبانه در شرایط وجود کرونا و منع تردد از ساعت ۲۱ معنا ندارد. تا شرایط کرونایی ادامه دارد با چنین طرحی مخالفت می‌کنیم. در حقیقت طرحی برای زیست شبانه بررسی و تصویب نخواهد شد. مگر بعد از اتمام کرونا در صورت ارسال چنین طرحی از سوی شورا، این طرح باید مراحل خود را طی کند.

حمایت شهرداری از توسعه ورزش بانوان در محلات

امیر محسنی، مدیرعامل سازمان ورزش شهرداری تهران از حمایت جدی مدیریت شهری از توسعه ورزش بانوان در محلات پایتخت خبر داد. به گزارش فارس، محسنی همزمان با اولین روز از هفته بزرگداشت مقام زن از مجموعه تخصصی ورزش بانوان شهر تهران «آمنه» در منطقه ۲ بازدید کرد و در جمع تعدادی از ملی پوشان والیبال بانوان کشور اظهار کرد: بسیار خرسندم که در سال‌های اخیر، موفقیت‌های ارزنده‌ای در حوزه ورزش بانوان چه در ورزش‌های تیمی و چه در ورزش‌های انفرادی حاصل شده است. وی با اشاره به اینکه استعداد و ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه ورزش بانوان وجود دارد که با بسترسازی مناسب، قطعاً به شکوفایی می‌رسد، اظهار داشت: در شهر تهران برنامه‌ریزی مناسبی برای توسعه ورزش بانوان در سال ۱۴۰۰ پیش بینی شده که امیدواریم در شناسایی استعدادهای این حوزه تأثیر گذار باشد. مدیرعامل سازمان ورزش شهرداری تهران با اشاره به قهرمانی تیم والیبال سایپا به نمایندگی از والیبال شهر تهران در رقابت‌های سوپر لیگ بانوان کشور در هفته گذشته افزود: در سازمان ورزش شهرداری تهران این آمادگی را داریم که با ایجاد فرصت‌های تمرینی برای تیم‌های مختلف ورزشی، در کنار توسعه ورزش همگانی شاهد افتخار آفرینی ورزشکاران پایتخت در حوزه ورزش قهرمانی نیز باشیم.

خبرویژه

برگزاری جلسه پیگیری مسائل آبفا در شهر گلسار

پیرو جلسه مورخ ۹۹/۱۱/۵ حدادی با شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر گلسار در خصوص مشکلات آب شهر همچنین پیرو تماس تلفنی حدادی با مدیرعامل آب و فاضلاب استان مبنی بر حضور در شهر گلسار و بررسی مشکلات مربوطه روز شنبه مورخ ۹۹/۱۱/۱۱ مهدی‌زاده مدیرعامل آب و فاضلاب استان البرز به همراه رمضانی معاون توسعه و بهره‌برداری آب استان، حسینی خواه مدیر آب و فاضلاب شهرستان و جعفری نسب مدیر آب و فاضلاب گلسار با حضور در شهر گلسار در نشستی با شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر مشکلات حوزه آبفای شهر گلسار را بررسی کردند.

در این دیدار مدیران شهری ضمن تبریک ایام‌الله دهه فجر و خوش آمد گویی همچنین تشکر از زحمات مجموعه آبفای شهری در خصوص مشکلات حوزه آبفا در گلسار از جمله: کمبود اعتبارات و صدور مجوز حفاری به صورت اندک به شهر گلسار جهت اصلاح شبکه، عدم بهره‌برداری از مخزن ذخیره آب ۲۰۰۰ متر مکعبی شهدای گلسار با توجه به گذشت یک‌سال از افتتاح پروژه، حذف یا اصلاح شبکه‌های فرسوده، عدم استقرار اداره آبفا در شهر گلسار جهت رفاه حال شهروندان، عدم وجود نقشه از شبکه توزیع و تأمین آب جهت بررسی شبکه‌های اصلاح شده و معابری که نیاز به اصلاح دارند، عدم تأمین آب مورد نیاز شهروندان و .... مطالبی را مطرح کردند. مهندس مهدی‌زاده نیز ضمن تبریک ایام‌الله دهه فجر و تقدیر از زحمات و تعامل مدیران شهری با مجموعه آبفا در خصوص رفع موارد مطروحه قول مساعد دادند و مواردی از قبیل: تأمین مکانی از سوی مجموعه مدیریت شهری جهت استقرار دفتر نمایندگی آبفا در شهر گلسار و خدمات رسانی بهتر به شهروندان، بهره‌برداری موقت از مخزن ذخیره آب ۲۰۰۰ متر مکعبی شهدای گلسار طی هفته آتی و بهره‌برداری دایم تا خرداد سال ۱۴۰۰، افزایش میزان اصلاح شبکه آب در شهر گلسار به میزان ۵/۲ کیلومتر و مرمت و بازسازی با شهرداری، تهیه نقشه از شبکه توزیع و تأمین آب جهت بررسی شبکه‌های اصلاح شده و معابری که نیاز به اصلاح دارند طی دو هفته جاری از سوی آبفا و قرار دادن در اختیار مجموعه مدیریت شهری و .... به عنوان مصوبات جلسه مقرر گردید.

شورای شهر تهران به افزایش ۵۰ درصدی عوارض ساختمانی رای داد

سبقت رشد عوارض ساختمانی از تورم

گروه راه و شهرسازی |

دیروز با موافقت اعضای شورای شهر تهران، نرخ عوارض ساختمانی، نرخ عوارض تردد جهت مدیریت ترافیک، نرخ عوارض حفظ و گسترش فضای سبز و نرخ عوارض پارک حاشیه‌ای تصویب شد. اعضای شورا در دویست و شصت و هشتمین جلسه علنی شورا لایحه شهردار تهران مبنی بر «اصلاحیه مصوبه تعیین عوارض تردد جهت مدیریت ترافیک، کاهش تقاضای سفر و کنترل آلودگی هوا در سال ۱۳۹۹» را با ۲۵ درصد افزایش به تصویب رساندند. همچنین بر اساس لایحه تعیین نرخ عوارض پارک حاشیه‌ای در سال ۱۴۰۰ نرخ پایه عوارض پارک حاشیه‌ای از ۲۰ درصد به ۲۵ درصد افزایش یافت. لایحه نحوه محاسبه و دریافت عوارض ساختمانی مبتنی بر تعیین ارزش املاک در شهر تهران (با تاکید بر موقعیت مکانی) نیز با افزایش ۵۰ درصدی عوارض ساختمانی تصویب شد. به گزارش «تعادل»، در حالی که بر اساس برخی پیش بینی‌ها، نرخ تورم در سال جاری حدود ۴۰ درصد خواهد بود، همچنین به گفته حسن رسولی، نایب رییس کمیسیون برنامه و بودجه شهر تهران هزینه‌های اداره پایتخت به ۶۰ درصد افزایش یافته است، تعیین نرخ‌های ۲۵ درصدی برای برخی عوارض شهری همچون طرح ترافیک و پارک حاشیه‌ای مناسب به نظر می‌رسد، اما در این حال، افزایش ۵۰ درصدی عوارض ساختمانی (حدود ۱۰ درصد بالاتر از نرخ تورم سال جاری) در شرایطی که رکود کم سابقه‌ای بر بازار مسکن تهران حاکم است، قابل توجه است.

تعیین عوارض ساختمانی عادلانه می‌شود

در چنین شرایطی است که دیروز محمد سالاری، رییس کمیسیون شهرسازی شورای شهر تهران در نشست علنی این شورا با بیان اینکه عوارض ساختمانی تعیین شده طی دهه‌های گذشته، به پارسل‌ها و موقعیت‌های «برتر و ممتازتر» رانت داده است، گفت: با تصویب لایحه «تعیین عوارض ساختمانی مبتنی بر مرغوبیت مکانی تک تک املاک در شهر تهران» دریافت عوارض ساختمانی عادلانه می‌شود. سالاری در خصوص دفترچه تهیه شده ارزش معاملاتی شهر تهران مبتنی بر مرغوبیت مکانی تک تک پارسل‌های شهر تهران، اظهار کرد: در این دفترچه اصطلاحی به نام «لوکیشن رنت» (location rent) به معنای ارزش مکانی تک تک پارسل‌های شهر تهران آمده است و برای اینکه مشاور بتواند به ارزش مکانی واقعی برسد، مولفه‌ها و شاخصه‌های بسیار زیادی را مدنظر قرار داده که مهم‌ترین آنها تاثیرپذیری از ضوابط طرح تفصیلی شهر تهران است، یعنی ضوابط طرح تفصیلی چه سرنوشتی را برای یک ملک در شهر تهران رقم می‌زند، هم ضوابط محدودکننده و هم ضوابط تشویق کننده‌ای که در طرح تفصیلی برای برخی از پهنه‌ها و زیر پهنه‌ها وجود دارد. او با اشاره به اینکه مدیریت شهری دوره پنجم وعده داده بود که از مطالعه به تصمیم برسد، گفت: کاری که در این لایحه انجام شده در مقیاس ۹۴۰ هزار پارسل شهر تهران، کار بسیار ارزشمندی است و اکنون همه املاک مبتنی بر شاخص‌هایی که در این لایحه و مطالعات پیوست آمده، دارای ارزش هستند. در مجموعه بررسی‌هایی که مشاور و معاونت شهرسازی و معماری انجام داده‌اند، مبنای تصمیم‌گیری مشاور برای دریافت عوارض، سود در انتظار است یعنی مرغوبیت هر ملکی بر اساس موقعیتی که در آن قرار دارد و دسترسی‌ها به خدمات و بافتی که قرار دارد، احصاء شده است.

تفاوت ۴۰ برابری در مرغوبیت املاک تهران

رییس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران توضیح داد: این مطالعه به تدریج باید به تکامل برسد و تعیین ارزش مکانی دقیق‌تر شود تا الگویی برای تسری به همه شهرها باشد. مشاور به این نتیجه رسیده است که تفاوت ارزش مکانی یا مرغوبیت مکانی املاک در شهر تهران از کف متری ۵ میلیون تومان تا سقف ۲۲۰ میلیون تومان است، یعنی ۴۰ برابر تفاوت وجود دارد، این در صورتی است که به موجب دفترچه ارزش معاملاتی که از دارایی گرفته شده، این تفاوت بین یک تا ۹ است و اختلاف ارزش مکانی پارسل‌ها در عوارضی که طی دهه‌های گذشته، شورا و شهرداری تعیین کرده است، دیده نشده و به عبارتی برای پارسل‌ها و موقعیت‌های برتر و ممتازتر رانت داده شده است. سالاری تصریح کرد: اکنون شورای شهر در لایحه «الزام شهرداری به ارایه لایحه نحوه محاسبه و دریافت عوارض صدور پروانه ساختمانی مبتنی بر مرغوبیت مکانی املاک در شهر تهران» و در اجرای مفاد مصوبه «نحوه محاسبه و دریافت عوارض صدور پروانه ساختمانی نظارت فنی و عوارض استفاده موقت در شهر تهران» به شهرداری تهران اجازه داده تا دریافت عوارض بر اساس ارزش واقعی املاک صورت پذیرد. این لایحه موجب دریافت عادلانه عوارض از املاک شهری متناسب با متغیرهای واقعی مترتب بر قیمت املاک خواهد شد و شاخص‌هایی از جمله موقعیت ملک، میزان بارگزاری (ضوابط طرح تفصیلی)، شکل و اندازه بر ملک، خدمات در دسترس و سرانه‌های خدماتی، در مدل‌سازی و برآورد ارزش املاک شهر تهران ملاک عمل خواهد بود. وی افزود: در وضع موجود، تعداد بلوک‌های ملاک عمل برای ارزش املاک، مطابق آخرین دفترچه ارزش معاملاتی ماده ۶۴ قانون مالیات‌های مستقیم، ۱۶۴ است که در لایحه حاضر، میزان دقت محاسبات جدید با ۹۴۰ هزار پارسل بسیار دقیق‌تر شده و برای تمامی پارسل‌ها یک ارزش مکانی (LR) تعیین شده است.

استفاده از فرمول ترکیبی

این عضو شورای شهر تهران با اشاره اینکه در سال اول اجرای این مصوبه ملاحظات رشد قیمتی برای میزان عوارض ساخت و ساز مدنظر بوده است، گفت: تصمیم بر این است که ۳۰ درصد LR در محاسبات عوارض تاثیر گذار باشد و مابقی از قیمت‌های (pr) مربوط به سال ۹۸ مطابق آخرین دفترچه ارزش معاملاتی موضوع ماده ۶۴ قانون مالیات‌های مستقیم مطابق روال قبل گرفته شود و برای سال‌های آینده درصد استفاده از LR افزایش یابد. لذا فرمول جدید ترکیبی از قیمت آخرین دفترچه ارزش معاملاتی موضوع ماده ۶۴ قانون مالیات‌های مستقیم و LR خواهد بود. سالاری تاکید کرد: هرچند افزایش قیمت‌ها در بخش مسکن، شهرداری را ملزم به افزایش ۲۵۵ درصد عوارض می‌کرد اما در مجموع بررسی‌های انجام شده در جلسات شورای شهر و شهرداری به این نتیجه رسیدیم که عوارض، به میزان بسیار کمتری افزایش یابد و در این مصوبه افزایش عوارض مطابق میانگین ۵۰ درصد منظور شد.

اثر عوارض ساخت روی بازار مسکن

به گزارش «تعادل»، در اسفندسال گذشته نیز شورای شهر تهران به رشد ۳۰ درصدی عوارض ساختمانی در سال ۹۹ رای داد. این مصوبه اما به دلیل شیوع کرونا و پیامدهای اقتصادی آن تا اول تیر ماه سال جاری به تعویق انداخته شد، اما سرانجام از اول تابستان اجرایی شد. به این ترتیب از اول تابستان، دامنه عوارض ساختمانی که برای هر متر مربع از ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان نوسان داشت، با رشد ۳۰ درصدی به ۶۵۰ هزار تا یک میلیون تومان در هر متر مربع رسید. از این رو انتظار می‌رود که با رشد ۵۰ درصدی عوارض ساختمانی در سال آینده، میانگین عوارض برای ساخت هر متر مربع واحد مسکونی بین یک میلیون و ۳۰۰ تا ۲ میلیون تومان بسته به موقعیت ملک نوسان داشته باشد. اگر چه در سال جاری و در پی افزایش ۳۰ درصدی عوارض ساخت، نرخ این عوارض در بهترین و شمالی‌ترین مناطق تهران و برای ساختمان‌های بلندمرتبه به متری ۲ میلیون تومان نیز افزایش یافت، و بر همین اساس پیش بینی می‌شود که نرخ عوارض ساختمانی در مناطق و ساختمان‌های یادشده به حدود ۴ میلیون تومان برسد، اما همچنان نرخ عوارض ساخت در ۱۴۰۰ نیز عادلانه نخواهد بود و اثر متفاوتی روی قیمت واحدهای مسکونی شمال و جنوب پایتخت خواهد گذاشت. چه آنکه عوارض ساخت متری یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومانی برای ساختمان‌های جنوبی شهر، در حالی که قیمت خرید و فروش این دسته املاک کمتر از میانگین کنونی (۲۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان برای هر متر مربع) حدود ۵ درصد از قیمت هر متر مربع را تشکیل می‌دهد، حال آنکه عوارض ۲ میلیون تومانی برای ساخت هر متر مربع در مناطق شمالی، در حالی که میانگین قیمت ملک در این مناطق حدود ۶۰ میلیون تومان است، حدود ۳ درصد از قیمت هر متر مربع است. در همین حال، باید یادآوری کرد که نرخ عوارض ساخت تنها یکی از عوامل موثر بر هزینه تمام شده مسکن است و افزایش نرخ مصالح ساختمانی و از آن مهم‌تر افزایش نرخ زمین طی سه سال گذشته، سایر عوامل موثر بر قیمت تمام شده ساخت مسکن به شمار می‌رود. عواملی که همگی رشدهای بالا را تجربه کرده‌اند و در کنار عوامل خارج از بازار مسکن بر آتش جهش قیمت ملک دمیده‌اند.

عوارض تردد ترافیکی ۲۵ درصد افزایش یافت

با تصویب اعضای شورای شهر تهران عوارض تردد جهت مدیریت ترافیک، کاهش تقاضای سفر و کنترل آلودگی هوا سال ۱۴۰۰، ۲۵ درصد افزایش یافت. محمد علیخانی رییس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر در تشریح لایحه اصلاح مصوبه تعیین عوارض تردد جهت مدیریت ترافیک، کاهش تقاضای سفر و کنترل آلودگی هوا برای سال ۱۴۰۰ به تغییرات آن نسبت به سال ۹۹ اشاره کرد و گفت: در بحثی که در افزایش پایه عوارض تغییراتی نسبت به سال ۹۹ داشتم در حالی که در لایحه شهرداری تنها ۲۰ درصد افزایش بهای عوارض را پیشنهاد داده بودند در کمیسیون مشترک به ۲۵ درصد افزایش یافت و نرخ عوارض از ۲۸ هزار ۷۰۰ تومان ۳۵ هزار تومان شد. وی افزود: افزایش خدمات بهای صدور مجوز سالانه تردد از ۱۸ هزار تومان به ۱۸ هزار و ۷۵۰ تومان افزایش یافت با وجود افزایش عوارض از مبلغ ثابت از ۵ هزار تومان به ۲۵ درصد، به استثنای کامیون‌های حمل سوخت و آرد که رایگان بوده و در اصلاح جدید هم رایگان هستند. علیخانی گفت: ماده ۱۳ این لایحه هم به این شکل اصلاح شد که تاکید بر اختصاص ۴۰ درصد از سهم شهرداری تهران به نوسازی ناوگان فرسوده دارد، و با وجود اینکه تاکنون این سهم ۴۰ درصدی پرداخت نمی‌شده و نوسازی تاکسی به همین دلیل متوقف شده بود و با تخصیص مستقیم این سهم، مشکل حل می‌شود. رسولی در موافقت با این اصلاحیه گفت: نرخ تورم نقطه به نقطه دی ماه امسال ۳۸.۵ درصد است، و پیش بینی می‌شود نرخ تورم سالانه امسال نسبت به سال قبل بالای ۴۰ درصد باشد و هزینه‌های اداره شهر بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته در حالی که تحقق درآمدهای شهرداری به ۷۰ درصد نرسیده و دولت مقتدرانه از اختصاص سهم شهرداری از ماده ۲۳ قانون جلوگیری می‌کند و ۲ هزار میلیارد تومان حق شهرداری از سوی دولت گروگان گرفته شده است. وی ادامه داد: ما در سال گذشته برای سالانه ۱۰ هزار نوسازی تاکسی فرسوده که از اقشار مستضعف هستند نتوانستیم عمل کنیم و عوارض ۲۵ درصد با توافق معاون شهردار صورت گرفته و در مقایسه با نرخ تورم عددی نیست و اگر بنا بر افزایش مشارکت باشد شورای نگهبان، دولت و مجلس که تصمیم گیرنده است و صداوسیما باید فعالیت کنند. رسولی افزود: این عوارض برای کسانی است که ماشین دارند و در محدوده طرح آلودگی هوا تردد کنند وضع می‌شود نه مستضعفین. کلیات این لایحه با ۱۹ رای موافق به تصویب رسید.

ایرانشهر

ترکیش ایرلاین دلیل رفتار خلبان خود را توضیح دهد

محمد اسلامی، وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه در پرواز استانبول ـ تهران ترکیش که بامداد شنبه به باکو بازگشت رفتار خلبان در بازگشت غیرعادی بوده است، گفت: از نماینده ترکیش ایرلاین و خلبان این پرواز توضیح خواسته‌ایم. به گزارش فارس، وزیر راه دیروز در حاشیه مراسم گرامیداشت چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در دهه مبارک فجر و مراسم ورود گرامیداشت ورود امام خمینی (ره) به کشور اظهار کرد: دشمن می‌جنگد که مسیرهای ما را در روی هوا و زمین حذف کند اما در حوزه خطوط هوایی در حال هماهنگی با نیروهای مسلح برای ایجاد مسیرهای هوایی مستقیم هستیم. وی تأکید کرد: صدای آژیری که در تهران شنیده شد به دلیل اتصال یک سیم برق بوده و بعد هم خاموش شده و هیچ ارتباطی به فرودگاه امام و پروازها نداشته است. تورج دهقانی زنگنه، رییس سازمان هواپیمایی نیز در حاشیه این مراسم گفت: از سازمان هواپیمایی کشور ترکیه بابت عملکرد خلبان در پرواز استانبول ـ تهران و بازگشت به باکو توضیحات خواسته‌ایم. دهقانی زنگنه افزود: در پرواز تصمیم گیرنده اصلی خلبان است در این پرواز هم دید خلبان ۵ کیلومتر بوده است. البته در اپروچ ابرهای سیاهی بوده است. خلبان دو فرودگاه جایگزین اصفهان و باکو را داشته و تصمیم گرفته به باکو برود و کار خلافی انجام نداده است. وی ادامه داد: طبق دستور وزیر راه و شهرسازی به طرف ترکیه‌ای و سازمان هواپیمایی کشوری مراتب اعتراض خود را اعلام کرده‌ایم و در این باره از آنها توضیحات خواسته‌ایم.

درخواست مدیر فرودگاه یاسوج از رییس قوه قضاییه

عنایت انصاری فرد، مدیر فرودگاه شهدای یاسوج، مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد گفت: از رییس قوه قضاییه درخواست و خواهش می‌کنم برای جابه‌جایی زندان یاسوج به عنوان مانع پروازهای فرودگاه یاسوج دستورات لازم را صادر کنند. انصاری فرد در جمع خبرنگاران افزود: خاضعانه از حجت‌الاسلام سید ابراهیم رییسی، رییس قوه قضاییه درخواست و خواهش می‌کنم با توجه به اینکه زندان یاسوج مانع پروازهای فرودگاه یاسوج است و این مساله باعث شده نزدیک به ۸۹۰ متر از طول باند این فرودگاه را از دست بدهیم جهت رفع این مشکل به کمک ما بیایند. وی اظهار کرد: در صورت حذف و جابه‌جایی زندان مرکز یاسوج طول باند فرودگاه یاسوج به ۳۹۰۰ متر افزایش می‌یابد که با برداشتن و جابه‌جایی زندان از ابتدای باند این فرودگاه با خیال راحت‌تر امکان نشست و برخاست هواپیماهای بزرگ‌تر و ایمن‌تر در این فرودگاه فراهم می‌شود. انصاری فرد گفت: با توجه به روحیه‌ای که از آقای رییسی سراغ دارم خواهش می‌کنم نماینده تام‌الاختیار یا خودایشان جهت بررسی و رفع این مشکل به شهر یاسوج بفرستند یا تشریف بیاورند تا ببینند که چه هزینه‌های سنگینی در این فرودگاه شده اما با این مانع مواجه است. وی بیان کرد: فرودگاه یاسوج ۱۵ مانع داشت که ۱۴ مورد از این تعداد برداشته و برطرف شده و تنها یک مورد از این موانع مانده که مهم‌ترین مانع پروازی فرودگاه یاسوج، زندان مرکزی این شهر است و سال‌هاست در نشست‌ها و محافل از سوی مسوولان استان مورد بحث قرار می‌گیرد اما تاکنون هیچ اقدامی برای جابه‌جایی آن صورت نگرفته است.

آگهی مزایده

آگهی مزایده مال غیرمنقول پرونده اجرائی کلاسه ۹۶۰۲۹۵۹

مقدار ۸۱ صدم دانگ مشاع از سه دانگ مشاع از شش دانگ پلاک ثبتی ۳۸۰۴۲ فرعی از ۱۱۶ اصلی قطعه ۲ واقع در بخش ۱۱ تهران به مساحت ششدانگ ۱۰۴/۱۷ مترمربع بانضمام مقدار ۸۱ صدم دانگ مشاع از سه دانگ مشاع از شش دانگ پارکینگ به حدود آپارتمان:

شمالا: دیوار و پنجره پیشرفتگی به فضای محوطه

شرقا: اول و سوم دیوار به فضای محوطه دوم در سه ضلع دیوار و دریچه به هواکش

جنوبا: در سه ضلع لبه بالکن و دیوار و پنجره پیشرفتگی به فضای محوطه

غربا: اول و سوم دیوار مشترک با آپارتمان مجاور دوم در سه ضلع دیوار و دریچه به هواکش چهارم در سه قسمت درب و دیوار به راه پله پنجم لبه پیشرفتگی به فضای محوطه

حدود پارکینگ: به مساحت ۱۱/۵ متر به حدود شمالا خط مفروز به محوطه مشاعی شرقا خط مفروز به محوطه مشاعی جنوبا خط مفروز به محوطه مشاعی غربا خط مفروز به محوطه مشاعی

با مالکیت آقای قدرت اله بزاز فرزند نصراله به شماره ملی ۴۰۷۲۱۲۶۲۵۱ با جز سهم ۳ از کل سهم۶ به عنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت به شماره چاپی ۴۱۰۸۲۹ سری ج سال ۹۶ به شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۱۴۵۰۱۲۵۵۸ ثبت گردیده است. برابر تحقیق مورخ ۹۹/۴/۱۸ مامور اجرای این اداره: بنا به اظهار مجاورین شخصی به نام خانم آزاده ریاضی به عنوان مستاجر متعهد پرونده با ودیعه ۹۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و اجاره ماهیانه ۳۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال در ملک موصوف مستاجر می باشند.

برابر نظریه مورخ ۹۹/۶/۲۹ هیات سه نفره کارشناسان رسمی دادگستری توصیف اجمالی ملک مذکور عبارت است از: ملک مزبور در نشانی زیر واقع شده است سعادت آباد بلوار دادمان زیرپل بزرگراه یادگار امام خ ارغوان غربی انتهای خ سروناز مجموعه مسکونی سروناز بلوک d1 طبقه اول واحد ۱۷۰ آپارتمان موضوع کارشناسی در طبقه اول سمت شرقی در یک بلوک ساختمانی ۷ طبقه شامل طبقه همکف به صورت پارکینگ و ۶ طبقه مسکونی روی آن در مجتمع سروستان شامل ۱۵ بلوک ساختمانی قراردارد در هر طبقه مسکونی دو واحد احداث شده است و بلوک ساختمانی مجموعا شامل ۱۲ واحد می باشد آپارتمان دارای یک سالن نشیمن دو اتاق خواب آشپزخانه اپن حمام و سرویس بهداشتی با سرویس بهداشتی فرنگی است کف سالن آشپزخانه و سرویسهای بهداشتی سرامیک و کف اتاقها کف پوش لمینت دیوار سالن و اتاق ها سفید کاری و نقاشی و دیوارهای آشپزخانه و سرویسهای بهداشتی سرامیک می باشد کابینتها ام دی اف شیرآلات اهرمی نمای ساختمان آجر پنجره ها آلومینیومی با شیشه تک جداره اسکلت ساختمان فلزی و سیستم سقف تیرچه و بلوک سیستم گرمایش شوفاژ و شومینه و سرمایش کولر آبی است آپارتمان دارای یک انشعاب برق اختصاصی و یک انشعاب برق آب و گاز مشترک است بلوک ساختمانی دی ۱ دارای یک دستگاه آسانسور می باشد یک واحد پارکینگ در طبقه همکف جزو منضمات آپارتمان است کف پارکینگ با سنگ لاشه فرش شده است قدمت ساختمان حدود ۲۵ سال تخمین زده می شود پلاک ثبتی فوق الذکر به موجب چکهای برگشتی عهده بانک سپه علیه آقای قدرت اله بزاز منجر به صدور اجرائیه تحت کلاسه ۹۶۰۲۹۵۹ شده است که ششدانگ پلاک ثبتی ۳۸۰۴۲ فرعی از ۱۱۶ اصلی به مبلغ ۳۱/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال توسط هیات کارشناسان رسمی تعیین و طبق محاسبه مورخ ۹۹/۱۱/۶ حسابداری مقدار ۸۱ صدم دانگ مشاع از سه دانگ مشاع از شش دانگ پلاک مزبور به مبلغ ۳/۹۱۶/۳۵۰/۰۰۰ ریال ارزیابی و محاسبه شده است و جهت وصول طلب بستانکار و حقوق دولتی کلاسه فوق الذکر در روز شنبه مورخ ۹۹/۱۱/۲۵ از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر در محل تهران نبش چهارراه جهان کودک ساختان معاونت اجرای ثبت استان تهران سالن مزایده از طریق مزایده حضوری به فروش می رسد و مزایده از مبلغ ۳/۹۱۶/۳۵۰/۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد چنانچه روز تعیین شده با تعطیل رسمی مصادف گردد روز بعداز تعطیل جلسه مزایده در همان ساعت و مکان تشکیل خواهد شد طالبین و خریداران میتوانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری به اداره چهارم اجرای اسناد رسمی ثبت تهران مراجعه و جهت شرکت در مزایده در وقت مقرر در جلسه مزایده شرکت نمایند ضمنا بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از حق انشعاب و اشتراک و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره که رقم قطعی آنها برای این اداره معلوم نشده به عهده برنده مزایده است و تنظیم سند انتقال موکول به ارائه مفاصا حسابهای دارایی و شهرداری و غیره خواهد بود شرکت در جلسه مزایده برای عموم آزاد است و خریدار می بایست ده درصد از مبلغ موردمزایده را قبل از شروع جلسه مزایده در صندوق ثبت تودیع و برنده مزایده ظرف مدت ۵ روز از تاریخ مزایده مابه التفاوت مبلغ مورد مزایده را نیز پرداخت نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش به حساب سپرده ثبت واریز نگردد مبلغ واریزی قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد و در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید میگردداین آگهی پس از تایید فرآیندمزایده و ارسال آگهی های سازمان ثبت قرار خواهد گرفت و به منزله انتشارآگهی در روزنامه کثیرالانتشار محلی است انتشار آگهی مزایده ۹۹/۱۱/۸ . م الف ۱۷۱۰۹

شناسه آگهی: ۱۰۸۶۷۳۱

رئیس اداره چهارم اجرای اسناد رسمی تهران

آگهی اخطاریه ماده ۱۰۱ آیین نامه اجرای اسناد رسمی

به : خانم نیر اعظم بختیاری به نشانی تهران خ امام خمینی نرسیده به م حسن آباد باسیتون شرقی جنب فروشگاه چمران ک نوبهار پ۶ درخصوص پرونده اجرائی کلاسه ۹۶۰۲۵۳۳ تلفن همراه به شماره ۰۹۱۲۸۱۷۲۷۳۷ و ۰۹۱۲۴۰۴۶۱۱۷ متعلق به مورث شما حسب درخواست بستانکار در پرونده فوق بازداشت می باشد و طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری تلفن همراه شماره ۰۹۱۲۸۱۷۲۷۳۷ به مبلغ ۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و تلفن همراه ۰۹۱۲۴۰۴۶۱۱۷ به مبلغ ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده در صورتی که به ارزیابی فوق اعتراض دارید ظرف مدت ۵ روز از تاریخ ابلاغ این اخطار ضمیمه فیش بانکی دستمزد کارشناس سه نفره به شماره حساب ۰۱۰۳۱۳۴۸۰۰۰۰۱ به ازا هر خط مبلغ ۴/۲۰۰/۰۰۰ ریال بابت علی الحساب دستمزد سه نفره واریز و به دفتر این اداره به نشانی خیابان مطهری خیابان قائم مقام نرسیده به خیابان بهشتی کوچه میرزا حسنی پلاک ۳ طبقه همکف تسلیم و بدیهی است به اعتراض خارج از موعد یا فاقد فیش کارشناسی ترتیب اثرداده نخواهد شد این اگهی پس از تایید نهایی و ارسال آگهی در سایت آگهی های سازمان ثبت قرار خواهد گرفت و به منزله انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشار محلی است. م الف ۱۷۱۰۲

شناسه آگهی: ۱۰۸۶۷۱۲

سامانه پیامکی روزنامه تعادل

۳۰۰۰۵۳۲۰

ویژه

برگزاری مسابقه برنامه‌نویسی «همراه کاپ» توسط همراه اول

اولین دوره مسابقات برنامه‌نویسی «همراه کاپ» با هدف استعدادیابی نیروی فنی توسط همراه اول برگزار می‌شود. به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، نخستین دوره مسابقات برنامه‌نویسی «همراه کاپ» با هدف استعدادیابی نیروی فنی ۲۴ بهمن‌ماه سال جاری برگزار می‌شود.

در این دوره همراه کاپ که مختص مسابقات «جاوا» و «تحلیل داده» است، استعدادیابی از بین نفرات برتر این مسابقه به‌عمل خواهد آمد و مقدمات همکاری مشترک نیروهای مستعد با مرکز تحقیق و توسعه همراه اول فراهم خواهد شد.

جوایز این دوره از مسابقات که توسط «مرکز تحقیق و توسعه همراه اول» و با مشارکت «شرکت همراه کسب‌وکارهای هوشمند» و همکاری کوئرا برگزار می‌شود، برای مسابقه جاوا ۱۵ میلیون تومان و برای مسابقه تحلیل داده ۵۰ میلیون تومان خواهد بود. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام در مسابقه دیتا به لینک و مسابقه جاوا به این لینک مراجعه کنند.

۳ گیگابایت اینترنت، هدیه همراه‌اول به‌مناسبت دهه فجر

بسته هدیه اینترنت ۳ گیگابایتی همراه اول از آغاز دهه فجر تا ۲۲ بهمن در دسترس تمامی مشترکان است. به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، مشترکان اپراتور اول تلفن‌همراه می‌توانند به‌مناسبت دهه فجر، بسته هدیه اینترنت ۳ گیگابایتی ویژه محتوای داخلی را به‌صورت رایگان از روز یکشنبه ۱۲ بهمن تا ساعت ۲۴ روز چهارشنبه ۲۲ بهمن‌ماه فعال کنند. تمامی مشترکان دایمی و اعتباری همراه اول، با شماره‌گیری کددستوری #۶۷*۱۰۰* می‌توانند این بسته هدیه اینترنت را برای استفاده از محتوای داخلی فعال کنند. منظور از محتوای داخلی، لیست پیام رسان‌ها و وب‌سایت‌های منتخب داخلی ارایه شده از سمت سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی است.

فعال‌سازی هم‌زمان این بسته هدیه با سایر بسته‌های مکالمه و اینترنت، از جمله مزیت‌های آن به شمار می‌رود. صرف‌نظر از زمان فعالسازی بسته، مهلت اعتبار زمانی در نظر گرفته شده برای آن، تا ساعت ۲۴ روز چهارشنبه ۲۲ بهمن است.

آخرین مصوبه کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، برای کاهش هزینه پهنای باند اپراتورها

فعلا خبری از ارزان شدن اینترنت کاربران نیست

کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات در آخرین جلسه خود کاهش ۲۵ درصدی قیمت پهنای باند اینترنت را مصوب کرد، این در حالی است که این تغییر قیمت، مربوط به پهنای باندی می‌شود که شرکت ارتباطات زیرساخت به اپراتورهای ارتباطی و شرکت‌های اینترنتی می‌فروشد و معاون وزیر ارتباطات با تشریح جزییات کاهش قیمت ۲۵ درصدی پهنای باندی که به اپراتورهای ارتباطی فروخته می‌شود، گفته که این کاهش قیمت به معنای ارزان شدن اینترنت کاربران نیست.

محمدجواد آذری جهرمی-وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات- چندی پیش در گفت‌وگوی اینستاگرامی خود با کاربران درباره قیمت اینترنت گفته بود که اینترنت نه تنها گران نشده و نخواهد شد که در صورت رشد ترافیک، سال آینده قیمت اینترنت ارزان می‌شود. از سویی به تازگی خبری مبنی بر احضار وزیر ارتباطات به دادسرای فرهنگ و رسانه در رسانه‌ها منتشر شد که حکایت از اعلام جرایمی توسط دادستان کل کشور علیه وزیر ارتباطات داشت. در متن این خبر آمده بود که محمدجواد آذری جهرمی به دلیل استنکاف از اجرای اوامر قضایی در مورد فیلتر کردن اینستاگرام با وجود حکم صادره، استنکاف از اجرای دستورات مقام‌های دولتی که اشاره به ابلاغ رییس مرکز ملی فضای مجازی به وزارت ارتباطات برای کاهش پهنای باند بین‌الملل و محدودسازی پیام رسان‌های خارجی دارد، احضار شده است. البته پس از آن حسن روحانی، رییس جمهوری با اشاره به احضار اخیر آذری جهرمی گفت: «از وزیر ارتباطات تشکر می‌کنم. پهنای باند کاری عظیم و به معنی مبارزه با فساد است و کسی نمی‌تواند با مبارزه با فساد مخالف باشد. اگر می‌خواهید کسی را برای مبارزه با فساد احضار کنید، باید من را احضار کنید، نه وزیر من را.» از سوی دیگر، حسین فلاح جوشقانی- رییس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی امروز در توئیتر نوشت: «با پیشنهاد وزارت ارتباطات و تصویب کمیسیون تنظیم مقررات، پهنای باند اینترنت زیرساخت، ۲۵ درصد ارزان شد.» البته این تغییر قیمت، مربوط به پهنای باندی می‌شود که شرکت ارتباطات زیرساخت به اپراتورهای ارتباطی و شرکت‌های اینترنتی می‌فروشد. وزیر ارتباطات به عنوان رییس کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات و سایر مسوولان وزارت ارتباطات، طی روزهای اخیر، در حالی بر توسعه پهنای باند تاکید داشته و کاهش قیمت آن را دنبال کرده‌اند که براساس آخرین گزارش وب سایت اسپیدتست، سرعت اینترنت موبایل ایران نسبت به ماه نوامبر ۴ پله سقوط کرده و در رده ۸۸ قرار دارد. سرعت دانلود اینترنت موبایل ۲۵.۳۰ و سرعت آپلود آن ۱۱.۳۹ مگابیت بر ثانیه است. این در حالی است که در ماه نوامبر سرعت دانلود اینترنت موبایل ایران ۲۵.۶۴ مگابیت بر ثانیه بود. در حالی که متوسط سرعت دانلود اینترنت موبایل در جهان ۴۷.۲۰ مگابیت است. همچنین رتبه ایران در اینترنت ثابت نیز تنها یک پله رشد کرده و با سرعت دانلود ۱۸.۳۳ و آپلود ۱۱.۱۳ مگابیت بر ثانیه به رتبه ۱۳۶ جهانی رسیده است. در ماه گذشته سرعت اینترنت ثابت ایران ۱۷.۸۴ مگابیت بر ثانیه بود. این در حالی است که متوسط سرعت دانلود اینترنت ثابت جهان ۹۶.۴۳ و سرعت آپلود آن ۵۲.۳۱ مگابیت بر ثانیه است.

نرخ جدید زیرساخت با افزایش مصرف پهنای باند

در این راستا، حسین فلاح جوشقانی، معاون وزیر ارتباطات و دبیر کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، درباره این مصوبه جدید توضیح داد و گفت: کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات با توجه به افزایش مصرف پهنای باند اینترنت در کشور، نرخ جدیدی را برای فروش پهنای باند به اپراتورهای ارتباطی در نظر گرفته است. وی ادامه داد: این یک قاعده است زمانی که مصرف افزایش یابد، قیمت کاهش پیدا کند. بر این اساس ما حدود دو سال پیش نیز در مصوبه ۲۶۶ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، قیمت پهنای باند را ۲۵ درصد کاهش دادیم. هم‌اکنون نیز در راستای افزایش مصرف پهنای باند، هزینه پهنای باند اینترنت که توسط شرکت ارتباطات زیرساخت برای اپراتورها تأمین می‌شود، بین ۲۵ تا ۳۰ درصد (با توجه به شرایط مختلف) کاهش می‌یابد. معاون وزیر ارتباطات در پاسخ به این سوال که این تصمیم آیا به پیشنهاد شرکت ارتباطات زیرساخت صورت گرفته است، گفت: این مصوبه در پی بررسی کارشناسی میان شرکت ارتباطات زیرساخت و سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی و به پیشنهاد مجموعه وزارت ارتباطات، در کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات مطرح شد و پس از مدتی بررسی، این عدد نهایی و در کمیسیون به تصویب رسید. رییس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی در پاسخ به این سوال که با توجه به حواشی‌های اخیر در خصوص توسعه پهنای باند، آیا ضرب‌الاجلی برای کاهش قیمت پهنای باند مدنظر بوده است، گفت: این مصوبه هیچ ربطی به این موضوعات ندارد و یک بحث کاملا کارشناسی و فنی است که طرح آن به اوایل تابستان بازمی‌گردد. فلاح جوشقانی ادامه داد: با توجه به اینکه اپراتورها در شرایط فعلی، قیمت اینترنت را برای مردم ثابت نگه داشته‌اند و نیز با توجه به افزایش مصرف پهنای باند، تصمیم ارزان شدن پهنای باند در راستای کاهش هزینه اپراتورها صورت گرفته است.

نمی‌توان در مورد کاهش قیمت اینترنت مصرف‌کنندگان نظر قطعی داد

معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در خصوص تأثیر این مصوبه در ارزان شدن قیمت نهایی اینترنت برای مصرف‌کننده، گفت: مطابق با ماموریتی که کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات به رگولاتوری داده است، باید تأثیر این مصوبه بر قیمت تمام شدن کاربران با حضور اپراتورها مورد بررسی قرار گیرد. باید شرایط بررسی شود و فعلاً نمی‌توان در مورد کاهش قیمت اینترنت مصرف‌کنندگان نظر قطعی داد. دبیر کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات در پاسخ به این سوال که آیا در این مصوبه الزامی برای کاهش قیمت اینترنت توسط اپراتورها مطرح شده است، گفت: اپراتورها در تعرفه اینترنت سقف و کف قیمت دارند و براساس این سقف و کف، بسته‌های اینترنت را برای کاربران تعریف می‌کنند. در این راستا اپراتورهای غالب (سهم بالایی از بازار دارند) باید بسته‌های تعریف‌شده را به تأیید رگولاتوری برسانند و اپراتورهای غیرغالب نیز باید آن را به اطلاع رگولاتوری برسانند. در مجموع نرخ بسته‌های اینترنت، در چارچوب مصوبات کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات پیش می‌رود. اما برای تغییر این قیمت‌ها باید بررسی شود که کاهش ۲۵ درصدی نرخ پهنای باند، در سبد هزینه‌های اپراتورها چه تأثیری دارد و براساس آن در مورد قیمت تمام‌شده اینترنت برای کاربر، تصمیم‌گیری شود. فلاح جوشقانی تاکید کرد: آنچه که مسلم است اینکه مصوبه امروز کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات برای کاهش هزینه پهنای باند اپراتورها است. وی در پاسخ به اینکه قول ارزان شدن قیمت اینترنت را به کاربران نمی‌دهید؟ اظهار داشت: باید این موضوع بررسی شود. فعلاً رگولاتوری از جانب کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات ماموریت دارد تا موضوع را بررسی و گزارش دهد. زمان آن نیز معلوم نیست. معاون وزیر ارتباطات در مورد اینکه آیا برای سال آینده شاهد کاهش قیمت اینترنت کاربران خواهیم بود، گفت: باید ببینیم. نمی‌شود حرف نسیه زد. رگولاتوری براساس ماموریت‌هایش اقدام می‌کند و نتایج آن را به کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات گزارش می‌دهد. اگر تصمیمی گرفته شد به استحضار مردم می‌رسانیم.

مصرف اینترنت در دوران کرونا طی یک سال، ۲ برابر شده است

رییس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی تصریح کرد: فعلاً نمی‌توان روی قیمت اینترنت برای کاربر نهایی نظری داد. چون بحث این مصوبه مربوط به قیمت پهنای باند اینترنت زیرساخت بوده است. در مصوبه فعلی چیزی در خصوص قیمت اینترنت کاربران نیامده اما ممکن است در آینده، کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات بر اساس گزارش رگولاتوری در این زمینه تصمیماتی بگیرد. رییس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی گفت: مصرف اینترنت با توجه به شرایط کرونا طی یک سال اخیر در مجموع بیش از دو برابر شده و ترافیک شبکه ملی اطلاعات به واسطه پلتفرم‌های آموزشی و دانشگاهی افزایش یافته است. به همین دلیل شرکت ارتباطات زیرساخت، با کاهش قیمت پهنای باند موافقت کرد. وی در پاسخ به اینکه نحوه محاسبه قیمت فروش پهنای باند چگونه است، افزود: در این مصوبه، تعرفه پهنای باند مطابق با میزان مصرف اپراتورها در جدول آمده است. شرکت ارتباطات زیرساخت، اینترنت بین‌الملل را که وارد کشور می‌کند، مطابق این جدول به اپراتورها می‌فروشد. برای مثال در مصوبه قبلی، پایین‌ترین نرخ پهنای باند به ازای هر مگابیت بر ثانیه ۷۵ هزار تومان بوده است. اگر اپراتور حدود ۱۰۰ گیگابیت پهنای باند از زیرساخت خریداری کند، باید به ازای هر مگابیت ۷۵ هزار تومان پرداخت می‌کرد که این رقم هم‌اکنون ۲۵ درصد کاهش یافته است.

دنیای فناوری

گوگل پیام‌رسان محبوب دانشگاهیان را حذف کرد

گوگل پیام‌رسان المنت را که از سوی بسیاری از دولت‌ها، شرکت‌های خصوصی و دانشگاهیان مورد استفاده قرار می‌گیرد، از اپ استور خود حذف کرده است. به گزارش مهر به نقل از انگجت، پیام‌رسان المنت به علت ایمنی بالا و رمزگذاری پیام‌های رد و بدل شده مورد استفاده رسمی بسیاری از نهادهای دولتی و خصوصی در سراسر جهان است، اما گوگل مدعی است این برنامه گپ برای میزبانی محتوای نامناسب و پرخاشگرانه به کار می‌رود و به همین علت آن را حذف کرده است. المنت به این اقدام گوگل اعتراض کرده و افزوده که اپلیکیشن یادشده تنها برای میزبانی محتوا به کار می‌رود و اگر محتوایی توسط سرورهای خود این شرکت میزبانی شود قابل کنترل است، اما محتوای مدنظر گوگل توسط یکی از شرکت‌های همکار با المنت میزبانی شده و لذا المنت کنترل روی آن نداشته است. المنت همچنین می‌گوید گوگل بدون هیچ هشداری به این شرکت اپلیکیشن آن را حذف کرده است. برنامه‌نویسان و توسعه‌دهندگان المنت هم پیشنهادات و طرح خود را برای حل مشکل برای گوگل ارسال کرده‌اند، اما گوگل هیچ واکنشی در این زمینه نشان نداده است. مدیران اپلیکیشن المنت از کاربران خواسته‌اند برای بارگذاری آن از منابع و سایت‌های دیگر استفاده کنند.

ادامه از صفحه اول

نابینایی استراتژیک در خصوص کسب و کار خرد

بررسی‌های تحلیلی اظهارنظرهای آقای رییس جمهوری و اعضای کابینه طی ۴ ماه گذشته نشان می‌دهد که حتی یک‌بار هم در حمایت از کسب و کار کوچک و متوسط استفاده نکرده‌اند. به عبارت روشن‌تر می‌توان گفت، دولت دچار گونه‌ای، نابینایی استراتژیک در خصوص کسب و کار کوچک و متوسط شده است که این نوع مشاغل را نادیده می‌گیرد. باید بدانیم، اگر ادبیاتی را که در تحلیل اقتصادی به کار می‌گیریم با تمرکز بر کسب و کار کوچک و متوسط نباشد، تنها توپخانه‌ای است برای شلیک اظهارنظرهای غیر تخصصی و حتی شاید کذب. واقع آن است که این فعالان اقتصادی ایران هستند که هزینه نادیده گرفتن کسب و کارهای خرد را پرداخت می‌کنند. کسانی که به قیمت حذف کسب و کارهای خرد به همه جا رسیده‌اند، باید بدانند مانند جریان موسسات غیرمجاز هزینه‌های آن را پرداخت خواهند کرد. در یک چنین شرایطی، صاحبان کسب و کار نیز باید روی کوچک‌ترین هزینه‌های خود حساس باشند تا بتوانند در این اتمسفر بیزینس خود را تداوم بخشند. خاطرم هست سال‌ها قبل یک فعال اقتصادی با هزار میلیارد تومان سرمایه به من زنگ زد، بعد خواست تا از تلفن ثابت به من زنگ بزند تا هزینه‌های کمتری را بپردازد. این رویکردی که مجموعه فعالان اقتصادی باید مورد توجه قرار دهند. از نظر من فعال اقتصادی حتی روی هزینه‌های کوچک باید حساس باشد. این خساست نیست این مدیریت بر روی هزینه‌های خرد و کوچک است با این روش به سایر کارکنان این درس داده می‌شود که برای بهبود کسب و کار باید بر روی مجموعه هزینه‌ها مدیریت مطلوب صورت بگیرد.

شرکت آب و فاضلاب استان البرز

نوبت اول

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای (شماره ۱۴۴/م ع/۹۹)

سیستم یکپارچه مدیریت / کد فرم ۱۰/۴۳/۰۰/ف

شرکت آب و فاضلاب استان البرز در نظر دارد اصلاح و توسعه شبکه برق رسانی به تصفیه خانه فاضلاب ماهدشت از محل اعتبارات طرحهای عمرانی و از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای حداقل رتبه ۵ در رشته نیرو واگذار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۲۰۹۹۰۰۵۱۸۶۰۰۰۰۶۶ انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
برآورد پروژه، مدت اجرای پروژه و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: برآورد براساس فهارس بهاء ابنیه، تاسیسات برقی و توزیع نیروی الکتریکی سال ۱۳۹۹، مبلغ ۴،۶۸۰،۹۸۵،۴۱۷ ریال و مدت اجرای کار ۴۵ (چهل و پنج) روز و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۲۳۴،۰۴۹،۲۷۱ ریال بصورت واریز نقدی به حساب شرکت، ضمانتنامه بانکی یا اوراق مشارکت می باشد.
مناقصه گران علاوه بر بارگذاری فایل های PDF اسناد، موظف به ارائه آن در پاکت لاک و مهر شده تا ساعت ۱۴:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۹۹/۱۱/۲۷ به دفتر قراردادهای شرکت آب و فاضلاب استان البرز می باشند.
مهلت تحویل اسناد مناقصه: پیشنهاددهندگان می بایست مدارک لازم را مطابق مندرجات برگ شرایط تا ساعت ۱۹ روز دوشنبه مورخ ۹۹/۱۱/۲۷ بصورت فایل pdf در سامانه فوق بارگذاری نمایند.
تاریخ بازگشایی پاکات: ساعت ۱۳:۳۰ روز سه شنبه مورخ ۹۹/۱۱/۲۸ خواهد بود.
داوطلبان می توانند به منظور دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۹۹/۱۱/۱۳ تا ساعت ۱۹ روز پنجشنبه مورخ ۹۹/۱۱/۱۶ از طریق سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir اقدام نمایند. تلفن تماس: ۳۲۱۱۷۱۵۰ - ۰۲۶
سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است. جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس (iets.mporg.ir) مراجعه نمایید.
شناسه آگهی: ۱۰۸۷۰۶۱

شرکت آب و فاضلاب استان البرز «سهامی خاص»

شرکت ملی گاز ایران - شرکت گاز استان تهران (سهامی خاص)

نوبت اول

فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی و یک مرحله ای خرید تجهیزات سرور سیسکو- تقاضای شماره ۳۳۴۵۸۹۹۰۵۴

کد پیگیری کالا: I۳.T۳.IT.۹۹۰۶۱۵.C۱۱۲

شناسه: ۱۰۸۶۷۲۴

شرکت گاز استان تهران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی و یک مرحله ای اقلام تقاضای فوق را از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران واجد صلاحیت ارسال خواهد شد.
الف : مدت تحویل : حداکثر ۲ ماه پس از نفوذ قرارداد .
ب : مناقصه گر لازم است شخصیت حقوقی داشته باشد.
ج: مناقصه گر لازم است توانایی تودیع ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به میزان ۱/۰۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال را داشته باشد .
د : توانایی تهیه وتسلیم ضمانت نامه بانکی حسن انجام تعهدات توسط مناقصه گر به میزان ۱۰ % کل مبلغ پیشنهادی (در صورت برنده شدن)
ه: کالای پیشنهادی لازم است ساخت شرکتهای معتبر و مورد تائید شرکت ملی گاز ایران (الزاماً تولید داخل) بوده و در صنعت گاز سوابق موثر و مطلوب داشته باشند.
و: ثبت نام و اخذ کد ملی اطلاع رسانی مناقصات از معاونت برنامه ریزی ونظارت راهبردی ریاست جمهوری .
ز: مناقصه گرلازم است دارای کد اقتصادی از وزارت اموراقتصاد و دارایی باشد و ایران کدکالا و شناسه ملی را نیزارائه نماید.
ح: از کلیه تولید کنندگان/ فروشندگان داخلی واجد شرایط دعوت می گردد حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ انتشار این آگهی (چاپ آگهی روزنامه و اعلان عمومی سامانه) مدارک ارزیابی کیفی را به آدرس سامانه ستاد ارسال نمایند.
شرکت گاز استان تهران در رد پیشنهاداتی که شرایط این آگهی و اسناد مناقصه را رعایت ننمایند مختار است و مناقصه گرحق هیچ گونه اعتراضی را نخواهد داشت.
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :
مرکز تماس : ۴۱۹۳۴-۰۲۱ دفترثبت نام : ۸۵۱۹۳۷۶۸-۸۸۹۶۹۷۳۷
کد فراخوان : ۲۰۹۹۰۹۲۷۶۹۰۰۰۱۹۸

روابط عمومی شرکت گازاستان تهران

شرکت شهرکهای صنعتی استان اصفهان

نوبت اول

فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) یک مرحله ای

شرکت شهرکهای صنعتی استان اصفهان در نظر دارد مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) (خرید، حمل و اجرای تکمیل شبکه توزیع و مخزن ۲۵۰ متر معکبی آب فاز توسعه شهرک صنعتی امیر کبیر کاشان) به شماره (۲۰۹۹۰۰۱۲۸۱۰۰۰۱۴۲) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۳ می باشد.
مهات زمان دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۹ روز شنبه تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸
مهلت زمانی ارسال اسناد ارزیابی و پیشنهاد قیمت: ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۹
زمان بازگشایی پاکتهای ارزیابی: ساعت ۸:۳۰ صبح روز پنجشنبه تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۳۰
هزینه درج آگهی روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.
موضوع مناقصه: خرید، حمل و اجرای تکمیل شبکه توزیع و مخزن ۲۵۰ متر معکبی آب فاز توسعه شهرک صنعتی امیر کبیر کاشان
مبلغ برآورد اولیه: ۱۴۴،۲۷۸،۵۹۶،۴۹۱ ریال و براساس فهارس بهای سال ۱۳۹۹ سازمان برنامه و بودجه کشور (اعتبار طرح جاری /عمرانی)
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۵،۵۸۵،۵۷۲،۰۰۰ ریال
رشته و پایه تشخیص صلاحیت پیمانکاران: رتبه ۵ یا بالاتر در رشته آب
مدت اجرا: ۱۶ ماه
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف: آدرس اصفهان خیابان ۲۲ بهمن، مجموعه اداری امیر کبیر، شرکت شهرکهای صنعتی استان اصفهان و تلفن ۰۳۱۳۲۶۴۷۳۰۰
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱
دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استانها، در سامانه www.setadiran.ir بخش ثبت نام / پروفایل / تامین کننده /مناقصه گر موجود است.
م/الف ۱۰۸۷۴۶۱

امور پیمانهای شرکت شهرکهای صنعتی استان اصفهان

شهرداری اصفهان

فراخوان عمومی شناسایی و جذب سرمایه گذار در پروژه‌های شهرداری اصفهان (شماره فراخوان ۹۹۱۱۴)

سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های شهرداری اصفهان به نمایندگی از شهرداری منطقه ۸ و در راستای استفاده از توانمندی‌های سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در نظر دارد نسبت به شناسایی و جذب سرمایه‌گذار حقیقی یا حقوقی جهت مشارکت در پروژه‌های ذیل اقدام نماید. لذا از کلیه سرمایه‌گذاران علاقمند و واجد صلاحیت فنی، مالی و دارای تجربیات مرتبط دعوت به عمل می‌آید از تاریخ چاپ آگهی به جز ایام تعطیل با همراه داشتن رسید واریز مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال (غیرقابل استرداد) به حساب شماره ۱۰۰۲۷۶۰۰۰۱۳ به نام شهرداری اصفهان نزد بانک شهر شعبه جهان نما، به دبیرخانه سازمان به آدرس: بوستان سعدی - روبروی صداوسیما - طبقه فوقانی بانک ملت مراجعه و نسبت به اعلام آمادگی خود و دریافت اسناد فراخوان اقدام نمایند.

ردیف	موضوع پروژه	کاربری	مساحت تقریبی زمین	منطقه	آدرس
۱	احداث مجموعه مسکونی آسمان	مسکونی	۴۶۳ متر مربع	۸	خیابان امام خمینی(ره) - خیابان سردار شهید صادقی
۲	احداث مجموعه مسکونی آفتاب		۵۵۷.۹ متر مربع		

توجه:
- آخرین مهلت عودت اسناد فراخوان تا پایان وقت اداری شنبه مورخ ۹۹/۱۱/۲۵ می‌باشد.
- متقاضیانی که در فراخوان قبلی نسبت به ارائه اسناد ارزیابی و مدارک اقدام نموده‌اند نیازی به ارائه مجدد مدارک و اسناد نبوده و صرفا تکمیل فرم‌ها کفایت می‌کند.
- متقاضیانی در بخش ارزیابی مورد تائید قرار خواهند گرفت که علاوه بر سابقه کاری مرتبط، قادر به ارائه مدارک معتبر مبنی بر صلاحیت فنی، مالی و مدیریتی باشند.
- به درخواست‌هایی که از طریق دیگر یا پس از مهلت مقرر ارائه شوند ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ارسال مدارک هیچگونه حقی را برای متقاضیان ایجاد ننموده و سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری اصفهان در رد یا انتخاب کلیه متقاضیان جهت ادامه فرایند فراخوان و انتخاب سرمایه‌گذار مختار است.
- خرید و تهیه اسناد از طریق وب سایت سازمان به نشانی: www.ipoim.ir امکان پذیر می‌باشد.

سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکتهای مردمی شهرداری اصفهان

ادامه از صفحه اول

اثر عوارض ۵۰ درصدی ساخت بر مسکن

بی‌گمان، آن عامل درونی که می‌تواند حدود ۵ درصد (یک میلیون و ۳۶۵ هزار تومان در هر متر مربع) روی قیمت تمام‌شده ساخت ملک و مسامحتا به همین میزان روی قیمت خرید و فروش ملک اثر بگذارد، از اهمیت زیادی در اقتصاد خانوار برخوردار خواهد بود. البته در کنار عوارض ساخت، عوامل درونی دیگری همچون نرخ زمین و مصالح ساختمانی، دستمزد نیروی کار و... روی قیمت تمام شده آپارتمان اثرگذار هستند. با این حال، صرف افزایش ۵۰ درصدی در عوارض ساختمانی، می‌تواند شاخص دسترسی به مسکن را دست‌کم دو سال افزایش دهد. شاخصی که در حال حاضر هم بر اساس برخی محاسبات از ۵۰ سال هم عبور کرده است. این شاخص برابر با «نسبت میانگین قیمت مسکن به میانگین درآمد سالانه خانوار» و نشان‌دهنده «میزان توانمندی خانوار در دسترسی به مسکن» است. طبق شاخص دسترسی به مسکن، می‌توان میزان سال‌های انتظار برای تملک یک مسکن از طریق پس‌انداز تمامی درآمد سالانه خانوار را محاسبه کرد. از آنجا که فرض پس‌انداز کل درآمد خانوار، واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد، چنانچه پس‌انداز یک‌سوم درآمد خانوار برای خرید مسکن، در نظر گرفته شود، طول دوره انتظار خرید مسکن، سه برابر شاخص دسترسی به مسکن خواهد بود. در واقع، طول دوره انتظار خرید مسکن، نشان‌دهنده مدتی است که خانوار با پس‌انداز یک‌سوم از درآمد خود، صاحب مسکن می‌شود. شاخصی که طی سه دهه گذشته روندی صعودی داشته است و از حدود ۱۵ سال در اوایل دهه ۱۳۷۰ دست‌کم به بالای ۵۰ سال در یکی-دو سال اخیر جهش کرده است.

افزایش ۵۰ درصدی عوارض ساختمانی اما در معادلات اقتصادی مربوط به سازندگان و پیمانکاران نسبت به اقتصاد خانوار اثرگذاری کمتری دارد و از همین رو، مانع بزرگی در مسیر ساخت و ساز به شمار نمی‌رود. هر چند که هم‌اینک بازار ساخت و ساز بی‌رونق است و در رکود به سر می‌برد. در مجموع می‌توان گفت که افزایش ۵۰ درصدی عوارض ساختمانی در کوتاه‌مدت روی قیمت واحدهای مسکونی نوساز اثرگذار نیست، چه آنکه ساخت و ساز فرآیندی ۱۸ تا ۲۴ ماهه است و در شرایطی که بازار معاملاتی مسکن نیز در رکود به سر می‌برد، سازندگان تمایلی به اعمال این افزایش روی قیمت‌های واحدهای عرضه شده در کوتاه‌مدت و در نیمه نخست سال آینده نخواهند داشت. اما در میان مدت، قیمت فروش واحدهای مسکونی نوساز را در کنار افزایش هزینه زمین و سایر نهاده‌های تولید ساختمان دستخوش تغییر خواهد کرد.

گذار ناگزیر!

این دو اظهارنظر را وقتی در کنار مخالفت‌های بسیار با ارز ۴۲۰۰ تومانی و عدم تعیین دستوری نرخ آن در مجلس و خارج از آن در ارکان قدرت و بدنه کارشناسی دولت (حداقل در گفتار و کلام) کنار هم قرار می‌دهیم، به نظر گذار از اقتصاد دستوری به اقتصاد آزاد و رقابتی بیش از هر زمان دیگری فراهم شده باشد. این امید به خصوص با روی کار آمدن دولت جدید امریکا، کاهش انتظارات تورمی و افزایش امید به گشایش مناسبات اقتصادی کشورمان با جهان و جذب سرمایه‌ها و حضور سرمایه‌گذاران خارجی و... بس افزون شده است. اما این گذار موفق نیازمند ایجاد بسترها و رفع موانع بسیاری است. یکی از مهم‌ترین این موانع به غیر از منفعت‌ها و رانت‌های موجود در تداوم شرایط کنترلی و دستوری فعلی، نگرانی از آسیب دیدن طبقات پایین و فقیر از گذار به سمت اقتصاد آزاد و رقابتی است. به هر حال تاکنون سعی شده با قیمت‌گذاری دستوری مانع از افزایش قیمت‌ها شوند؛ سعی و تلاشی سخت شکست خورده اما همچنان مورد قبول دیوانسالاران. راه کار به نظر ساده است؛ آزادی اقتصادی در عین گسترش تور تامین اجتماعی و تقویت نهادهای حمایتی. در واقع به جای قیمت‌گذاری‌های دستوری در بازارهای سرمایه، کار، پول و محصول و نابودی توان تولیدی بنگاه‌های تولیدی و محدود شدن آنها به بازار داخلی به سبب کیفیت غیررقابتی محصولات و خدمات‌شان در اثر عدم سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و تجهیزات و دانش فنی و... باید با دادن آزادی عمل به تولیدکنندگان و ایجاد فضای رقابتی و بهبود فضای کسب و کار و... هم امکان کاهش قیمت‌ها و هم بهبود کیفیت‌ها و صادراتی شدن کالاهای ایرانی را فراهم کرد. در این گذار نیز البته با افزایش توان مالیات‌گیری دولت و سیاست اجتماعی مشخص امکان حمایت موثر از طبقات محروم و حاشیه‌ای را امکان‌پذیر کرد. ترس از نارضایتی جامعه نباید دولت را از انجام اصلاحات ساختاری اقتصادی در چارچوب اقتصاد آزاد و رقابتی به عنوان یک گذار ناگزیر، برحذر دارد و با تداوم وضعیت بس ناگوار موجود، راه‌های اصلاح را بن‌بست کشاند، بلکه باید در چارچوب مدل اقتصادی بازار با گسترش خدمات و بیمه‌های اجتماعی و اصلاح نظام یارانه‌ای و... حمایت گروه‌های آسیب‌پذیر را نیز کسب کند. محمد یونس، بنیانگذار بانک گرامین و برنده جایزه صلح نوبل در کتاب «بانک تهیدستان» در این باره چنین می‌نویسد: «من معتقدم که ساختن جهانی بدون فقر، قطعا امکان‌پذیر خواهد بود، زیرا فقر توسط خود فقرا ایجاد نمی‌شود، بلکه فقر عمدتا معلول سیاست‌های نادرستی است که برای اداره جوامع به کار گرفته می‌شود.» به این ترتیب تصور می‌کنم می‌توان به روزی امید داشت که فقر را فقط در «موزه‌های ویژه فقر» بتوانیم ببینیم. به عنوان اقتصاددان اعتقاد دارم که موثرترین سیاست‌های فقرزدایی، رویکردهایی هستند که در چارچوب «اقتصاد بازار» قرار می‌گیرند.

بی‌اثر بودن کاهش نرخ ارز بر قیمت‌ها

اقتصاد ایران وابستگی شدیدی هم به ارز دارد به نحوی که حتی تمام عملکرد بورس ایران را هم تابعی از نرخ ارز تعیین می‌کند و با کاهش قیمت ارز شاهد برهم‌ریختگی بازار سرمایه خواهیم بود. بنابراین هم افزایش نرخ ارز و هم کاهش آن به اقتصاد آسیب‌هایی وارد می‌کند که باید هر چه سریع‌تر اصلاحات لازم برای بهبود این شرایط انجام شود.

تولید خودروسازان نزولی شد

افت تولید خودرو در دی ماه ۹۹

تعادل |

صنعت خودرو ایران در دی ماه امسال افتی معادل ۴،۷ درصد را تجربه کرده است. بر اساس آمار و اطلاعات منتشر شده خودروسازان کشور در مجموع ۹۲ هزار و ۸۶ دستگاه خودرو تولید کرده‌اند. این در حالی است که در مدت مشابه سال ۹۸ میزان خودروی تولید شده در این ماه ۹۶ هزار و ۶۴۴ دستگاه بوده است. بررسی آمار تولیدات دو خودرو ساز بزرگ کشور نشان می‌دهد که ایران خودرو و سایپا به ترتیب ۱۱،۷ و ۷،۳ درصد کاهش در تولیدات خود را به ثبت رسانده‌اند. از سوی دیگر تولیدات انواع محصولات صنعت خودرو در ۱۰ ماه منتهی به دی امسال روندی افزایشی نسبت به ۱۰ ماه سال ۹۸ داشته است. میزان این رشد ۲۱،۳ درصد است. ایران خودرو و سایپا نیز در مجموع از شروع سال جاری تا پایان دی‌ماه به ترتیب ۴۲،۴ و ۰،۳ درصد رشد داشته‌اند.

بررسی تولید در صنعت خودرو

شرکت‌های خودروساز کشور طی دی‌ماه سال جاری ۹۲ هزار و ۸۶ دستگاه انواع خودرو را تولید کردند. این در حالی است که دی ماه سال گذشته ۹۶ هزار و ۶۴۴ دستگاه خودرو تولید شده بود، بنابراین میزان خودروی تولید شده در این مدت در مقایسه با دی ماه سال گذشته با کاهش ۴،۷ درصدی همراه بوده است. در طول این مدت ۸۳ هزار و ۹۲۳ دستگاه سواری در کشور تولید شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته که تعداد آن ۸۸ هزار و ۶۴۳ دستگاه بوده، ۵،۳ درصد افت داشته است. میزان تولید ون، وانت، مینی‌بوس و میدل باس نیز نسبت به سال گذشته کاهش پیدا کرده است. در این بین ون با افت ۷۰،۴ درصدی بیشترین کاهش تولید را تجربه کرده است. در این میان اتوبوس و خودروهای سنگین مانند کامیونت، کامیون و کشنده افزایش تولید را نسبت به دی ماه سال ۹۸ تجربه کرده‌اند. تولید اتوبوس ۳۶،۶ درصد و تولید کامیونت، کامیون و کشنده ۱۴۷،۱ درصد رشد داشته است. بررسی وضعیت تولید خودرو در ۱۰ ماهه امسال نیز نشان می‌دهد، در این مدت ۸۱۴ هزار و ۳۲۳ دستگاه انواع خودرو به تولید رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل که ۶۷۱ هزار و ۴۲۵ دستگاه بوده، ۲۱،۳ درصد افزایش داشته است. تولید انواع خودروها در ۱۰ ماه منتهی به دی سال ۹۹ نسبت به ۱۰ ماه سال ۹۸ رشد داشته است. «کامیونت، کامیون و کشنده» با ۷۴ درصد بیشترین میزان رشد تولید را داشته است. پس از آن به ترتیب اتوبوس با ۶۵،۹ درصد، وانت با ۶،۲۸ درصد، سواری با ۲۰،۴ درصد، ون با ۱۵،۵ درصد و در نهایت مینی‌بوس و میدل باس با ۱،۴ درصد نسبت به سال گذشته افزایش تولید داشته‌اند.

تولیدات ایران خودرو

گروه صنعتی ایران خودرو در دی ماه امسال ۴۴ هزار و ۳۳۱ دستگاه انواع خودرو تولید کرده است. این خودروساز در مدت مشابه سال گذشته ۵۰ هزار و ۲۲۶ دستگاه خودرو تولید کرده است، بنابراین تولیدات ایران خودرو در این ماه نسبت به دی ۹۸ کاهش ۱۱،۷ درصدی را نشان می‌دهد. تولید سواری توسط این گروه خودروسازی در دی امسال ۴۳ هزار و ۸۶۵ دستگاه بوده که نسبت به دی ۹۸ با کاهش ۹،۸ درصدی روبه‌رو شده است. در میان محصولات تولید شده توسط این گروه صنعتی ون با ۱۰۰ درصد افت بیشترین میزان کاهش را داشته که در واقع در دی ماه سال ۹۹ تولید نشده است. کامیونت، کامیون و کشنده با ۲۷۷،۶ درصد افزایش تولید بیشترین جهش را تجربه کرده‌اند، به گونه‌ای که تولید آنها از ۱۰۷ دستگاه به ۴۰۴ دستگاه رسیده است. در عین حال باید به تولید ۴۱۸ هزار و ۲۶۶ دستگاه انواع خودرو توسط ایران خودرو طی ۱۰ ماهه امسال اشاره کنیم که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۲،۴ درصد افزایش داشته است. تولید سواری توسط این گروه صنعتی نیز از ابتدای سال تا پایان دی ماه ۴۱۲ هزار و ۸۶۷ دستگاه بوده که ۴۳،۲ درصد رشد نسبت به مدت مشابه سال قبل داشته است. در میان تمام محصولات تولید شده، تنها وانت افت تولید داشته است، به گونه‌ای که تولید این محصول از ۴ هزار و ۲۷۶ دستگاه به ۲ هزار و ۸۷۴ هزار دستگاه رسیده است.

تولیدات سایپا

طی دی ماه امسال ۳۹ هزار و ۲۶۵ دستگاه انواع خودرو توسط گروه صنعتی سایپا تولید شد که در مقایسه با دی ۹۸ افت ۷،۳ درصدی داشته است. در این مدت ۳۳ هزار و ۳۵۸ دستگاه سواری، ۵ هزار و ۸۷۱ هزار دستگاه وانت و ۳۶ دستگاه کامیونت، کامیون و کشنده توسط گروه سایپا تولید شده است. تولید سواری نسبت به دی ۹۸ کاهش ۱۰،۲ درصدی را تجربه کرده است. تولید وانت و کامیونت، کامیون و کشنده نیز به ترتیب ۱۳،۹ و ۹،۱ درصد رشد داشته است. تولید انواع خودرو توسط گروه سایپا طی ۱۰ ماهه سال گذشته ۳۴۳ هزار و ۹۸ دستگاه بوده که با ۰،۳ درصد رشد به ۳۴۴ هزار و ۱۱ دستگاه رسیده است. در این مدت این گروه صنعتی مینی بوس، میدل باس و اتوبوس تولید نکرده است. در میان محصولات تولید شده توسط این خودروساز تولید وانت با ۲۷،۲ درصد رشد به ۵۲ هزار و ۹۹۶ دستگاه رسیده است؛ اما سایر محصولات سایپا در ۱۰ ماه منتهی به دی سال ۹۹ نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش تولید داشته و بیشترین کاهش تولید متعلق به ون می‌باشد. همچنین در این مدت ۲۹۰ هزار و ۶۲۴ دستگاه سواری توسط گروه سایپا تولید شده که نسبت به ۱۰ ماهه سال قبل ۳،۴ درصد کاهش داشته است. شرکت‌های خودروساز پیش از افزایش ۵۰ درصدی تولیدشان را منوط به افزایش قیمت خودرو کرده بودند. با توجه به شرایط کنونی و تاثیرات کاهش نرخ ارز بر بازار خودرو، قیمت این محصولات سیر نزولی دارد و در حال ثابت شدن است. بنابراین به نظر می‌رسد امکانی برای رشد قیمت‌ها تا پایان سال جاری وجود ندارد. شرکت‌های خودروساز نیز در نتیجه این اتفاق نه تنها تولیدشان را افزایش نداده‌اند، بلکه روند کاهشی تولید را در پیش گرفته‌اند. کاهش تولید خودرو طی دی ماه در حالی اتفاق افتاده که خودروسازان طی ماه‌های گذشته نسبت به فروش فوق‌العاده و پیش‌فروش یک‌ساله محصولاتشان اقدام کرده‌اند و حالا مشخص نیست سرنوشت تحویل این خودروها چطور باشد و آیا خریداران می‌توانند سر موعد خودروی خود را تحویل بگیرند یا خیر. همچنین اخیرا عبدالناصر همتی، رییس کل بانک مرکزی از تامین مالی ۱۵ هزار میلیارد تومانی ایران خودرو و سایپا خبر داده و گفته است، برای تحقق رشد ۵۰ درصدی تولید خودرو، ۱۵ هزار میلیارد تومان تامین مالی برای خودروسازان انجام شده است.» باید دید آیا تخصیص این منابع می‌توان اثری بر روند تولید خودروسازان داشته باشد یا اینکه خودروسازان را مقروض‌تر خواهند کرد.

رییس انجمن واردکنندگان تجهیزات پزشکی شفاف‌سازی کرد

ماجرای گم شدن ۱،۳ میلیارد ارز ترجیحی

تعادل - گروه تجارت |

«یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون یورو ارز رسمی در حوزه تجهیزات پزشکی گم شد.» این اظهارنظر جنجالی وزیر بهداشت منتسب به حوزه تجهیزات پزشکی بود که واکنش‌های زیادی به همراه داشت. اما واقعیت ماجرا چه بود؟ آیا این میزان ارز رسمی واقعا گم شده بود؟ رییس انجمن واردکنندگان تجهیزات پزشکی در این باره اقدام به شفاف‌سازی کرد و از روشن شدن منابع مصرفی یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار ارز تخصیصی جهت واردات تجهیزات و ملزومات پزشکی با نرخ ۴۲۰۰ تومان که وزیر بهداشت تیرماه اعلام کرد «گم شده»؛ خبر داد. بنا به اظهارات ابوالفتح صانعی، طی دو سال گذشته، شرکت‌های واردکننده تجهیزات پزشکی به درخواست وزارت بهداشت اقدام به واردات کالا به ارزش یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار کردند. اما پس از مدتی سیاست‌های ارزی بانک مرکزی تغییر کرد و زمان رفع تعهدی ارزی کوتاه‌تر شد. بنابراین واردکننده محصولات تجهیزات پزشکی ناگزیر بود در فرصت تعیین شده، اقدام به پیمان سپاری ارزی کند. اما اتفاقی که در این بین افتاد این بود که به علت ناهماهنگی بین شرکت‌های واردکننده، گمرک و وزارت بهداشت و عدم ارایه مستندات قانونی در موعد مقرر، بانک مرکزی شرکت‌های واردکننده را جزو لیست سیاه ارز بگیران قرار داد و ادعا کرد، که یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار از ارزها تخصیص یافته گم شده است.

ماجرای ارزی که گم شد؟

نایب رییس فدراسیون واردات ایران در مورد گم شدن یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار ارز ترجیحی در حوزه واردات تجهیزات پزشکی، به ارایه توضیحاتی پرداخت. بنا به اظهارات ابوالفتح صانعی، تاجر بر اساس تشریفات قانونی ارزی را دریافت می‌کند و در یک بازه زمانی معینی باید کالای مربوط به آن ارز را وارد، ترخیص و رفع تعهد کند. در این مسیر هم باید مستندات قانونی به وزارت بهداشت، بانک مرکزی، بانک عامل و گمرک ارایه دهد؛ چنانچه این مستندات دچار بی‌نظمی، نقصان، تأخیر و ناهماهنگی باشد، روند رفع تعهد به تأخیر می‌افتد. در ضمن گاه، عدم یکپارچگی سامانه‌ای تک‌نیز مشکل‌ساز می‌شود. وی افزود: به همین دلیل محل مصرف این یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار ارز ترجیحی صرفاً به دلیل فقدان مستندات کافی یا بی‌نظمی در مستندات سیستم اداری، مشخص نبود. مثلاً برخی بازرگانان رفع تعهد کرده بودند، اما رفع تعهد آنها گزارش نشده یا فرآیند رفع تعهد طولانی شده بود و در ظاهر، محل مصرف نامشخص بود. حتی برخی کالاها به دلیل تحریم با تأخیر وارد شد و در لیست نامشخص‌ها رفته بود. اما امروز خوشبختانه با پیگیری وزیر بهداشت کار گروه ویژه منتخب وی، منابع مصرفی یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار را شناسایی کردند. اما مساله‌ای که وجود دارد این است که خبر گم شدن این میزان ارز بسیار رسانه‌ای شد اما خبری که در مورد روشن شدن ابعاد ماجرا است و مشخص می‌کند که این ارز گم نشده بلکه به دلیل برخی نقص‌ها وارد سامانه نشده است، چندان رسانه‌ای نشد.

سامانه تجاری‌ای که یکپارچه نیست!

نایب رییس فدراسیون واردات ایران با انتقاد از بی‌نظمی در سیستم تجاری کشور گفت: ما یک سیستم یکپارچه نداریم. یکی ارز می‌دهد، یکی نظارت می‌کند، یکی به بانک نامه می‌دهد و هیچ کدام هم با یکدیگر در ارتباط نیستند. ظاهراً ما سامانه جامع تجارت را داریم، ولی واقعیت این است که این سامانه جامع و یکپارچه، آنگونه که انتظار می‌رفت، به خوبی عمل نمی‌کند. برای همین وزارت صمت هر از چندی یک دفعه و بدون هماهنگی با وزارت بهداشت، گروه کالایی یک کالا را عوض می‌کند. به گفته او، وقتی گروه کالایی تغییر می‌کند، ثبت سفارش‌های قبلی باطل می‌شود. بر اساس ثبت سفارش اولیه، ظاهراً به شما ارزی تخصیص داده شده ولی در عمل این طور نیست. یا بانک مرکزی یک دفعه بدون هماهنگی، زمان رفع تعهد ارزی را تغییر می‌دهد. مثلاً حدود دو ماه پیش در آخرین بخشنامه خود زمان رفع تعهد را از ۸ ماه به ۶ ماه تغییر داد. این تغییرات ناگهانی و بدون برنامه، شاید ظاهراً برای سیستم مشکلی ایجاد نکند، ولی در عمل دردسر به همراه دارد. چون با این تغییرات، فعالان اقتصادی شناسنامه‌دار به تدریج ریزش می‌کنند که این به مصلحت سیستم تجارت خارجی کشور نیست. صانعی ادامه داد: از سویی دیگر تصمیمات اینچنینی مربوط به دوره تحریم نمی‌شود و برای شرایط عادی است؛ متأسفانه برخی از سازمان‌های مادر شرایط تحریم، مدل‌های شرایط تحریم را تعریف نکرده‌اند. در شرایط عادی پول را ظرف ۲ روز می‌توان به دست کمپانی خارجی رساند اما در شرایط تحریم این پروسه ۳ یا ۴ ماه یا حتی بیشتر طول می‌کشد. متأسفانه بانک مرکزی تدبیری در این مورد نداشته است. ما بارها و بارها با بانک مرکزی مکاتبه و اعلام کردیم این دوره باید برای تجهیزات پزشکی ۱۱ ماهه شود. ولی بانک قبول نکرده است.

علت دپوی کالا در گمرک چیست؟

نایب رییس فدراسیون واردات ایران افزود: امروز روند نقل و انتقال پول حدود ۴ ماه طول می‌کشد. به دلیل تحریم، پول مستقیم به حساب ذی نفع خارجی نمی‌رود؛ پول در بانک و صرافی چند کشور می‌چرخد تا به دست ذی نفع نهایی برسد. همین پول گاهی هم از طریق بانک عامل به حساب طرف خارجی می‌رود ولی بعد از مدتی برگشت می‌خورد و دوباره این فرآیند تکرار می‌شود تا در نهایت پول به حساب ذی نفع خارجی بنشیند. صانعی ادامه داد: از طرفی تجهیزات پزشکی جزو محصولاتی است که تولیدکنندگان بر اساس سفارش کشورهای متقاضی تولید می‌کنند؛ برای همین فرآیند سفارش تا ساخت نیز حدود ۳ الی ۴ ماه است. زمان حمل کالا نیز به دلیل تحریم طولانی‌تر شده است. او در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به کالاهای دپو شده در گمرک، گفت: وزارت بهداشت در میانه کار ترخیص، کالاها را از گروه یک (ارز ۴۲۰۰ تومانی) به گروه دو (ارز نیمایی) منتقل می‌کند، در این پروفرما ممکن است برخی از کالاها گروه یک بمانند و برخی دیگر گروه دو، که همین مساله موجب تشکیل یک کلاف سردرگم می‌شود و جنس نمی‌تواند از گمرک ترخیص شود. به گفته صانعی، قبلا با نامه‌نگاری این مشکل حل می‌شد اما مدتی است این روند نیز کنار رفته است؛ ما به وزارت بهداشت می‌گوئیم تجهیزات پزشکی کلاً گروه یک کالایی باشد یا گروه دو یا اینکه تاییدیه بدهد که جنس از گمرک خارج شود. بعد از ۶ ماه، هفته گذشته به توافق رسیدند که کالاهای دپو شده تعیین تکلیف شوند.

ارز نیمایی را ترجیح می‌دهیم

وی افزود: از وزارت بهداشت خواهش کردیم وقتی کالایی ارز ۴۲۰۰ تومانی دارد وسط کار، گروه کالایی را عوض نکنند زیرا برای تاجر مشکل ایجاد می‌شود. تاجر برای سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی می‌کند و نیاز به شرایط باثبات دارد. وی همچنین تاکید کرد: اگر وزارت بهداشت و بیمه کمبود اعتبار را پوشش دهند و پول را به موقع بدهند ما ارز نیمایی را ترجیح می‌دهیم. نایب رییس فدراسیون واردات ایران همچنین در خصوص میزان واردات گفت: تاکنون یک میلیارد و ۸۰ میلیون دلار ارز ترجیحی برای واردات تجهیزات پزشکی تأمین شده که نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار پرونده در صف تخصیص داریم.

بانک مرکزی طلبمان را بدهد

او بیان کرد: متأسفانه طلب واردکنندگان تجهیزات پزشکی از سال ۹۶ با وجود اینکه تمام مقامات دولتی مربوطه تاکید و تأیید کردند هنوز از سوی بانک مرکزی پرداخت نشده است. همین بانک مرکزی اگر واردکننده‌ای در رفع تعهد چند هفته تأخیر کند، او را متهم به عدم رفع تعهد می‌کند. وی افزود: بانک مرکزی ۲۹ اردیبهشت سال ۹۸ بخشنامه‌ای داد که بر اساس آن اعلام کرد طلب واردکنندگان تجهیزات پزشکی را که از سال ۹۶ باقی مانده بود، پرداخت می‌کند. اما متأسفانه با وجود فراهم شدن تمام زمینه‌های قانونی برای پرداخت مطالبات واردکنندگان تجهیزات و ملزومات پزشکی، عدم پرداخت مطالبات واردکنندگان بسیار سوال‌برانگیز و تعجب‌آور است بانک مرکزی با وجود انجام تمامی فرآیندهای قانونی نه تنها توجهی به رعایت سازوکارهای قانونی نکرده بلکه نسبت به اجرای بخشنامه‌های خود نیز هیچگونه احساس تعهدی نمی‌کند.

روی خط خبر

تخم مرغ به اندازه کافی عرضه نمی‌شود

ایسنا | سعید محمدی پور، معاون نظارت و بازرسی اداره کل صنعت، معدن و تجارت، اظهار کرد: کالاهای هدف در این طرح نظارتی اقلام مورد نیاز مردم در ایام پایان سال و همچنین نظارت بر قیمت محصولات میوه و تره بار، گوشت قرمز، تخم مرغ، آجیل، شیرینی و مواد مرتبط با کرونا مثل محصولات ضد عفونی، دستکش و ماسک است. همچنین بر امور خدماتی مثل حمل و نقل مسافر، اتو سرویس‌ها و قالیشویی‌ها نظارت ویژه می‌شود و رصد از انبارها و مراکز نگهداری کالاها نیز در دستور کار گشت‌های نظارتی قرار دارد. وی همچنین درباره وضعیت بازار تخم‌مرغ گفت: همچنان مشکل کمبود عرضه وجود دارد و هنوز عرضه تخم مرغ در تهران با وجود روزانه ۴۰۰ تن که نیاز این استان است نرسیده و وزارت جهاد کشاورزی و سازمان پشتیبانی امور دام روزانه ۱۵۰ تا ۱۶۰ تن تخم‌مرغ در تهران عرضه می‌کنند. می‌توان گفت همچنان توزیع کمتر از تقاضاست که این موضوع به وزارت جهاد کشاورزی برمی‌گردد و مسوولیت وزارت صمت فقط نظارت بر بازار است. اگر عرضه به اندازه کافی انجام شود حتماً قیمت تنظیم بازار اجرا خواهد شد.

کاهش ۵۰ درصدی تقاضای مواد غذایی در ۶ ماه اخیر

ایلنا | رییس اتحادیه بنکداران مواد غذایی در مورد بازار مواد غذایی اظهار کرد: بازار مواد غذایی دوران رکود و سکون خود را می‌گذراند و جهش قیمت‌ها تا حدودی مهار و رکود شدیدی ایجاد شده است. وی افزود: در مورد ۹۹ درصد از اقلام، کالا وجود دارد اما خریدار وجود ندارد، به‌طوری که بیش از ۵۰ درصد خرید و تقاضا نسبت به ۶ ماه پیش کاهش پیدا کرده است. این کاهش تقاضا نه تنها در مواد غذایی بلکه در بیشتر گروه‌های کاری و خدماتی رخ داده است. قاسمعلی حسنی، در مورد قیمت مواد غذایی گفت: در مورد شکر در یک ماه گذشته ۴۵ درصد و از ابتدای سال ۷۵ درصد افزایش قیمت داشتیم؛ برنج خارجی ۲۰۰ درصد نسبت به ابتدای سال گران‌تر شده است. در گروه‌های اصلی مواد غذایی افزایش قیمت وجود داشته است. وی اضافه کرد: از ابتدای سال برنج خارجی با ۲۰۰ درصد، شکر با ۷۵ درصد و چای با حدود ۴۵ درصد و حبوبات با ۵ تا ۲۰ درصد به ترتیب بیشترین افزایش قیمت را داشته‌اند. حسنی در مورد شیوه پرداخت خریداران عمده مواد غذایی خاطرنشان کرد: شیوه‌ای که در آن ابتدا پول پرداخت سپس کالا دریافت می‌شد الان دیگر انجام نمی‌شود و پای چک‌های ۲ تا ۳ ماهه به میان آمده است. اگر اینگونه نباشد خریدی انجام نمی‌شود. در بعضی از اقلام هم که مدت زمان چک کمتر است به ۱۰ تا ۱۵ روز رسیده اما به‌طور کلی عطش فروش نقدی از میان رفته است. فروشنده مجبور است که برای حفظ مشتری با چک کالا بدهد. وی در مورد بازار روغن توضیح داد: دولت همه هم و غم خود را گذاشته تا روغن مایع تامین شود و تا حدودی هم تامین شده اما در بخش بنکداری، روغن آن‌طور که باید تزریق نمی‌شود. شرکت‌ها به صورت غیر متعارف و غیرقانونی ۵۰ درصد بار روغن را به اجبار کالاهای دیگر می‌فروشند. یعنی کارخانجات اگر می‌خواهند ۱۰ تن روغن بفروشند می‌گویند باید ۵ تن آن رب، تن و برنج بخرید تا روغن بفروشیم. خریدار اگر قبول نکند دیگر روغن را به او نمی‌دهند.

واردکننده موز صادرکننده سیب نمی‌شود

ایسنا | امیر شهریاری، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران، با تاکید بر اینکه در حوزه کشاورزی کارها در میان شرکت‌های مختلف به شکل تخصصی انجام می‌شود، بیان کرد: وقتی ایران برای مدت طولانی موز وارد کرده، یعنی تعداد زیادی از شرکت‌های واردکننده میوه بخش زیادی از تمرکز خود را بر واردات موز قرار داده‌اند و در چنین بستری ممنوع کردن ناگهانی این موضوع، بسیاری از این شرکت‌ها را نیز با مشکل و ابهام مواجه کرده است. شهریاری با بیان اینکه شرط واردات موز در ازای صادرات سیب شرطی عجیب و غیرمنطقی است، توضیح داد: امروز دیگر کسی شک ندارد که نمی‌توان برای بازارهای اقتصادی تعیین تکلیف کرد و این عرضه و تقاضای واقعی است که در نهایت مشخص می‌کند یک محصولی چگونه به فروش رفته یا چگونه خریداری شود. از سوی دیگر هر جا محدودیتی ایجاد شده، قطعا رانت و فرصت طلبی و سودجویی نیز به وجود می‌آید و در این حوزه نیز بعید نیست شاهد چنین اتفاقاتی باشیم. عضو اتاق بازرگانی ایران با اشاره به امکان ایجاد فضای غیرواقعی در چنین بازاری اظهار کرد: نمی‌توان انتظار داشت که هیچ واردکننده موزی صادرکننده سیب شود، زیرا این دو حوزه کاملا با یکدیگر متفاوت هستند. پس واردکننده یا باید از مجوز صادرکننده سیب استفاده کند که خود این موضوع باعث ایجاد رانت در میان دارندگان این مجوز و احتمال سودجویی می‌شود یا باید در اقدامی فریبنده مثلا سیبی را از یک مرز زمینی کشور خارج کند و بدون صادرات واقعی آن، هزینه آن را روی موز وارداتی بکشد و به کشور باز گرداند که باز به ضرر مردم خواهد بود. از این رو باید به‌طور دقیق مشخص شود که این سیاست چگونه بناست اجرایی شود و نفع مردم از آن چه خواهد بود.

تعادل

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۹ | ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ | سال هفتم | شماره ۱۸۶۷ | Mon. Feb 1, 2021

صاحب امتیاز: موسسه رسانه نگاران خوب اندیش
مدیر مسوول: الیاس حضرتی
سردبیر: حجت طهماسبی
نشانی: خیابان ستارخان - خیابان کوثر دوم - بن بست مینو
تلفن: ۶۶۴۲۰۷۶۹ - نمابر: ۶۶۴۲۰۴۱۷
چاپ: همشهری - توزیع: نشر گستر امروز - تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
سازمان شهرستان‌ها: ۶۶۱۲۶۰۸۸
اذان ظهر: ۱۲:۱۸ | اذان مغرب: ۱۷:۵۱ | اذان صبح فردا: ۵:۳۸

info@taadolnewspaper.ir
مرامنامه اخلاقی روزنامه تعادل در وبسایت رسمی روزنامه در دسترس است

خبر روز

نامگذاری یکی از معابر شهری به‌نام «مهرداد میناوند»

برای نامگذاری یکی از معابر شهری به نام مهرداد میناوند به دنبال مکان مناسبی هستیم. عضو شورای شهر تهران با اشاره به درگذشت مهرداد میناوند اظهار کرد: از دست دادن این ورزشکار برای ما ضایعه سختی بود و خاطرات ارزشمندی از خود برای مردم به جا گذاشت. محمدجواد حق‌شناس ادامه داد: قطعا شورای شهر تهران در راستای احترام به این چهره و احترام به شخصیت ارزشمند او اقدامی را انجام خواهد داد.

زیرا جامعه با این اتفاق متاثر شد. عضو شورای شهر تهران افزود: امیدواریم در اولین فرصت بتوانیم برای بزرگداشت آن مرحوم، یکی از معابر شهری را به نام «مهرداد میناوند» نامگذاری کنیم و به دنبال مکان مناسبی هستیم.

گزارش

پاسخ وزیر بهداشت به حاشیه‌های واکسن روسی:

واکسن را اول به خانواده خودمان تزریق می کنیم

اجازه موج سواری اقتصادی نمی‌دهم

وزیر بهداشت ضمن پاسخ به برخی شائبه‌های ایجاد شده پیرامون واکسن روسی کرونا، با بیان اینکه مگر می‌شود وزیر بهداشت اجازه دهد پای واکسن نامطلوب به کشور برسد؟ گفت: واکسنی را وارد می کنیم که گواهی مصرف اضطراری داشته و در شش کشور دنیا هم مصرف شده باشد. دکتر سعید نمکی در ستاد منطقه‌ای مقابله با کرونا در شهر بم، ضمن تشکر از نیروهای بسیج، ناجا، هلال احمر، دادستان‌ها و مردم به دلیل همراهی و همکاری‌شان در مقابله با کرونا، گفت: اگر این همراهی نبود، ما دچار مشکلات بسیاری می‌شدیم. کسبه صبوری که در اوج تنگنای اقتصادی این روزهای سخت را تحمل کردند و واقعا این دستاورد بزرگ ملی یعنی دورقمی شدن مرگ‌ومیرها برای همه مبارک باشد؛ گرچه که حتی یک مرگ هم در کشور غم‌انگیز است.

او افزود: باید این موضوع را در عرصه‌ای ببینیم که مرگ‌ومیر در کشورهایی با زیرساخت‌های بسیار قوی می‌بینیم که مانند امریکا مرگ متاسفانه از ۱۰۰۰ نفر در روز گذشت. همواره اعلام کرده‌ام که ما برای مرگ هیچ شهروندی در هیچ کجای دنیا، حتی آنهایی که مدیران سفاک و نالایق‌شان گل‌های نازنینی مانند شهید قاسم سلیمانی ما را پرپر کردند و به شهادت رساندند، حتی برای مردم این کشورها احساس شادی از مرگ و بیماری‌شان نداریم.

عادی‌انگاری‌ها و خطر خیز چهارم کرونا در کشور

او با بیان اینکه این دستاورد بسیار مهم و ارزنده در سالروز انقلاب اسلامی بر همه مردم ایران مبارک باشد، گفت: در زمینه بیماری کرونا باید توجه کنیم که ما همواره نگران بازگشت ایام تلخ یک موج جدید بیماری هستیم. باید توجه کرد که این ویروس بسیار پیچیده از خودش چهره‌های بسیار متفاوت و موذیانه بروز می‌دهد. امروز با جهش‌هایی که در اقصی نقاط جهان برای این ویروس ایجاد شده، همواره همه کشورهای دنیا را نگران می کند که این جهش‌ها گریبانگیر جاهای مختلف جهان با یک خیز جدید شود. در کشورهای همسایه ما آمار و اطلاعاتی که داریم متاسفانه این خیز را هر روز ثبت می کنند، گرچه ما تمام حواس‌مان را جمع کردیم که به دام یک تله هولناک جدید نیفتیم، اما این نگرانی را داریم که ساده‌انگاری و عادی پنداری اوضاع و بی‌توجهی به خطر بیماری، ما را دچار یک عارضه جدید به نام خیز چهارم بیماری در کشور نکند.

شعله‌های کوچک بیماری خاموش شود

وزیر بهداشت گفت: دومین توصیه من به همه همکارانم این است که ما شعله‌های کوچک بیماری را باید در اقصی نقاط کشور خاموش کنیم. امروز که ما کمترین آمار را داریم، از این فرصت ناب و طلایی استفاده کنیم تا این شعله‌های کوچک، آتش وسیعی به دامن سلامت جامعه نیندازد. باید خانه به خانه همانطور که سردار سلیمانی به سراغ تروریست‌های داعش رفت، باید خانه به خانه به دنبال ویروس منحوس کرونا برویم و شعله‌های کوچک را خاموش کنیم. باید خانه به خانه به دنبال ویروس گشته و تست کنیم.

لزوم افزایش تست‌های سریع و شناسایی خوشه‌های آلوده بیماری

او افزود: امروز هرچقدر تست نیاز داشته باشید، ما در اختیار می گذاریم. ما با تکیه بر دانش داخلی امروز ابزار گسترده‌ای برای مبارزه با بیماری داریم. بنابراین تقاضا دارم که عزیزان با افزایش تست‌ها و با ورود بخش خصوصی که دستورالعمل آن را ابلاغ می کنیم، تست‌های رپید سریع را افزایش دهند و کانون‌ها و خوشه‌های آلوده را هر چه زودتر کشف کنیم.

وزیر بهداشت درباره واکسن کووید نیز گفت: این روزها صحبت‌های زیادی برای افکار عمومی می‌شود که برخی با ما زاویه دارند که به قول نظامی «اگر با دیگرانش بود میلی، چرا ظرف مرا بشکست لیلی»، چه دلیلی دارد افکار عمومی را پریشان کنیم از چیزی که شاید اصلا واقعیت نداشته باشد؟ برخی از دلسوزی صحبت می کنند و برخی بیانات عالمانه‌ای که شاید مبنای علمی نداشته باشد می کنند. من به عنوان یک متخصص ایمونولوژی می گویم که با سیستم ایمنی آشنا هستم. خود واکسن کرونا از دیرباز مورد سوال بود که چقدر می‌تواند موثر باشد ولی در مورد ویروسی که دارو و درمان مشخصی ندارد، واکسن یکی از افق‌های امیدوارکننده کشورهای جهان است که زنجیره بیماری را برای مدتی حتی کوتاه قطع کند و دست اندرکاران نظام سلامت دنیا نفس کش داشته باشند که بیماری را کنترل کنند.

اجازه ندادیم واکسن هیچ کشوری بر ایرانیان آزمایش شود

وی افزود: البته تا زمانی که واکسن داخلی پاسخگوی نیاز ما شود مجبور به واردات واکسن برای گروه‌های آسیب‌پذیر خواهیم بود. خیلی از کشورهای منطقه که می گویند تزریق واکسن را از مدت‌ها قبل آغاز کردند دارند کلینیکال ترایال یا آزمایش بالینی واکسن‌های کشورهای دیگر را انجام می‌دهند. در حالی که ما اجازه ندادیم واکسن هیچ کشوری بر مردم ما آزمایش بالینی شود. ما ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار دوز واکسن در قالب سبد کووکس پیش خرید کردیم که قول دادند در روزهای آینده اولین مقادیر آن برسد. در آن سبد به جز امریکایی‌ها بقیه واکسن سازها هستند. این ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار دوز برای ۸ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر است که برای همه کافی نیست.

سازمان جهانی بهداشت برای هیچ واکسنی گواهی انتهایی را صادر نکرده است

وزیر بهداشت تاکید کرد: هیچ کدام از این واکسن‌ها قبل از طی کردن فاز سوم انسانی نباید به کشور بیاید. الان واکسن در دنیا هنوز به فاز چهارم نرسیده است و این فاز معمولا ۵ سال طول می کشد به همین دلیل تا امروز سازمان جهانی بهداشت برای هیچ سازنده واکسنی گواهی انتهایی واکسن را صادر نکرده، زیرا این فاز ۴ طی نشده است. یکی از واکسن‌سازهایی که گواهی موقت از سازمان بهداست جهانی گرفته است، از FDA امریکا یک گواهی گرفته که تا ۵ سال آینده هیچ حق اعتراض و شکایتی علیه این واکسن‌ساز قابل قبول نیست زیرا فاز ۴ طی نشده است.

واکسنی را وارد می‌کنیم که گواهی مصرف اضطراری داشته

نمکی افزود: برای همین گفتیم ما واکسنی وارد کشور می کنیم که فاز ۳ مطالعات بالینی‌اش بیرون از این سرزمین صورت گرفته باشد و گواهی مصرف اضطراری داشته باشد. همچنین ما واکسنی را وارد این کشور خواهیم کرد که حداقل در ۵ یا ۶ کشور دنیا هم خریده و مصرف شود. ما ۵ منبع شناسایی و ثبت کردیم. تاکنون از برندی اسم نبرده بودم اما امروز می گویم تا مردم حرف درست و علمی را در رابطه با واکسن از وزیر بهداشت بشنوند؛ پرونده منبع اروپایی آسترازنیکا، دو کمپانی در هند، یک کمپانی در چین و یکی در روسیه در حال ثبت هستند.

مگر می‌شود وزیر بهداشت اجازه دهد پای واکسن نامطلوب به کشور برسد؟

او افزود: یکی از این منابع که برخی روی آن بلوا به راه انداختند این مجموعه روسی است، این واکسن روسی در کشورهای روسیه، آرژانتین، مجارستان، صربستان، مکزیک، امارات متحده عربی، پاکستان، بلاروس، بولیوی، الجزایر و... است. این چه خباثتی است که برای میزگرد کشوری که خودش در باتلاق کرونا مانده است، خوراک تهیه کنیم؟ این چه وطن پرستی و اندیشه‌ای است؟ روزی که مرگ و میر ما به حدود ۵۰۰ نفر می‌رسید بلوا می کردند برایمان در شبکه‌های خارجی اما روزی که متاسفانه مرگ و میر خودشان به ۱۸۶۰ مورد رسیده، یک پنل نگذاشتند که علت را بررسی کنند. مگر نمی‌شود این سوالات را در کشور از خود وزیر بهداشت پرسید؟ مگر می‌شود قبول کرد وزیر بهداشت این مملکت اجازه دهد پای واکسن نامطلوب به این کشور برسد؟ مگر این تیم در اوج گرفتاری اقتصادی این افتخار را ثبت نکرد؟ مگر این تیم با دست بسته در اقیانوس بلا شنا نکرد؟ این چه اندیشه‌ای است که حاضریم دیگران از بیرون ما را به چالش بکشند و از پشت به سربازان درون کشور و جبهه خنجر بزنیم؟ می گویند من فلان واکسن را نمی‌زنم، خب معلوم است که مبتلایان نباید واکسن بزنند، کسی که قبلا بیمار شده اصلا جزو کاندیداهای تزریق واکسن نیست. و برخی حرفا که دل مردم را خالی می کند. این مردم گناه دارند، خسته و آشفته هستند، نگذاریم اعتماد مردم به سربازان خط مقدم این دفاع خدشه‌دار شود. نگذاریم گسست میان اندیشه اعتماد آمیز مردم و خدمتگذاران صدیق ایجاد شود.

اجازه موج سواری اقتصادی نمی‌دهم

نمکی ادامه داد: خدمتگزاران را خائن به مردم جلوه ندهید که این خیانت و ظلم است و این خیانت ملی در سخت‌ترین زمان‌های این مملکت است. مردم بدانند این خدمتگذار کوچک و همکارانش برای فدا کردن جسم و جان و آبرویشان آمده‌اند و هرگز نمی گذاریم پای محصولی به کشور باز شود که با سلامت مردم در تضاد و تقابل باشد. کسانی هم که فکر می کنند در این آشفته بازار می‌توانند سوار موج اقتصادی شوند، وزیر اجازه نخواهد داد. وی ادامه داد: من روزی که سرپرست شدم دکان برخی را در سازمان غذا و دارو و هیات امنای ارزی تعطیل کردم. خیلی‌ها گفتند مگر تو رای نمی‌خواهی؟ گفتم من آبروی خودم را نزد خدا می‌خواهم، روز قیامت خداوند نمی گوید تو که اشراف داشتی بر این فساد پس چرا معامله کردی؟ آقایانی هم که برخی بلواها را راه می‌اندازند به امید جابه‌جا کردن برخی منابع، این خواب را پریشان ببینند، اجازه نخواهیم داد که در این ایام پر بلا عده‌ای بازار تازه راه بیندازند. مردم بدانند من روز اول با آنها بیعت کردم که آنچه میان من، خداوند و قلبم می گذرد را بیان کنم و مصلحت اندیشی مانع نشود برخی حرف‌ها را به مردم نگویم.

واکسن را اول به خانواده خودمان تزریق می کنیم

وزیر بهداشت ادامه داد: ما هم واکسن داخلی را با قدرت دنبال می کنیم و هم از مطمئن‌ترین منابع واکسن وارد می کنیم و به کوری چشم خیلی‌ها اول هم به خانواده خودمان تزریق می کنیم تا همه بدانند ما سلامت مردم را در اولویت می‌دانیم.

حیات وحش

حال بد «هیرمان» در باغ وحش ارم

طی هفته گذشته اداره کل محیط زیست استان تهران از نامساعد بودن حال هیرمان - شیر نر ایرانی باغ وحش ارم - خبر داد. مدیر این باغ وحش ضمن تشریح آخرین وضعیت او می گوید که علت بیماری «هیرمان» هنوز مشخص نشده است. حال «هیرمان» - شیر نر ایرانی که سال گذشته از باغ وحش بریستول انگلیس به باغ وحش ارم تهران منتقل شد - خوب نیست. ظاهر حیوان و ترشحات بینی و دهانش کاملا نشان می‌دهد که بیمار است اما علت بیماری هنوز مشخص نیست. پرویز قندالی - مدیر باغ وحش ارم تهران - می گوید: از سه‌شنبه هفته گذشته (۷ بهمن) علائم بیماری از جمله آبریزش بینی و بی حالی در این شیر نر هشت ساله مشاهده شد و ما بلافاصله موضوع را به سازمان‌های نظارتی از جمله سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی اطلاع دادیم. از استادان صاحبنظر نیز برای پی‌بردن به علت بیماری کمک گرفتیم. هرچند که چندین روز از بیماری هیرمان می گذرد اما علت بی حالی و بیماری او هنوز مشخص نیست و به گفته مدیر باغ وحش ارم تهران برای مشخص شدن علت بیماری باید منتظر نتایج آزمایش‌ها باشیم. قندالی می گوید: احتمال بیماری ویروسی یا سرماخوردگی وجود دارد و ما درمان با استفاده از آنتی بیوتیک را شروع کرده‌ایم همچنین نمونه‌برداری از خون، سی تی اسکن، رادیولوژی و سونوگرافی انجام شده است. با وجود مشخص بودن علائم بیماری در «هیرمان» مدیر باغ وحش ارم تهران تاکید دارد که حال او از هفته گذشته بهتر شده است. هیرمان و جفت ماده او طی سال گذشته تحت برنامه EEp اتحادیه باغ وحش‌های اروپا وارد کشور شدند. از این رو این اتحادیه نیز روی سلامت این گونه‌ها نظارت دارد. قندالی تاکید می کند که بیماری «هیرمان» به اتحادیه باغ وحش‌های اروپا نیز اطلاع داده شده است و آنها نیز روی درمان و آزمایش‌های انجام شده نظارت دارند. پیمان محمدزاده، دامپزشک باغ وحش تهران نیز درباره وضعیت «هیرمان» می گوید: در حال حاضر درمان با آنتی بیوتیک روی «هیرمان» جواب مثبت داده و وضعیت حیوان پایدار است. او ابراز امیدواری می کند که تا هفته آینده بیماری این شیر ایرانی بهبود پیدا کند و اظهار می کند: بر اساس نظر شورایی تخصصی تست‌های آزمایشگاهی لازم روی او انجام شده است که بزودی نتایج آنها در اختیار ما قرار خواهد گرفت. این اولین باری نیست که چنین اتفاقی در باغ وحش ارم رخ می‌دهد.

هنوز زمان زیادی از مرگ ماده ببر ارم نگذشته است، ماده ببری که ببر نر او را کشت و هنوز هم دلیل این کار مشخص نشده.

جامعه

۷۰ فوتی جدید کرونا در کشور

سخنگوی وزارت بهداشت از شناسایی ۶۲۶۸ بیمار جدید و جان باختن ۷۰ بیمار کووید۱۹ در شبانه روز گذشته در کشور خبر داد. دکتر سیما سادات لاری، گفت: از دیروز تا امروز ۱۲ بهمن ۱۳۹۹ و بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۶ هزار و ۲۶۸ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹ در کشور شناسایی شد که ۴۶۹ نفر از آنها بستری شدند. به گفته او، مجموع بیماران کووید۱۹ در کشور به یک میلیون و ۴۱۷ هزار و ۹۹۹ نفر رسید. متاسفانه در طول ۲۴ ساعت گذشته، ۷۰ بیمار کووید۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان باختگان این بیماری به ۵۷ هزار و ۹۵۹ نفر رسید. لاری ادامه داد: خوشبختانه تاکنون یک میلیون و ۲۱۰ هزار و ۵۱ نفر از بیماران، بهبود یافته یا از بیمارستانها ترخیص شده‌اند. متاسفانه ۳۹۳۲ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بیمارستانها تحت مراقبت قرار دارند. وی افزود: تاکنون ۹ میلیون و ۲۸۵ هزار و ۲۸۸ آزمایش تشخیص کووید۱۹ در کشور انجام شده است. لاری تاکید کرد: بر اساس آخرین تحلیل‌ها، ۱۸ شهرستان کشور در وضعیت نارنجی، ۱۲۴ شهرستان در وضعیت زرد و ۳۰۶ شهرستان در وضعیت آبی قرار دارند. او افزود: شهرستان‌های نارنجی در استان‌های شمال و شامل آمل، بابل، بابلسر، بهشهر، تنکابن، جویبار، چالوس، رامسر، ساری، فریدونکنار، قائمشهر، محمودآباد، نکا، نور و نوشهر در مازندران و صومعه سرا، رودسر و لاهیجان در گیلان هستند.

طرح ترافیک خبرنگاران و جانبازان تغییر نمی کند

برای طرح ترافیک به برخی مانند خبرنگاران، جانبازان و غیره تخفیف داده می‌شد که این موارد به قوت خود باقی است. رییس شورای اسلامی شهر تهران با اعلام این خبر گفت: نظر شهرداری جمع‌بندی عوارض با ۲۰ درصد افزایش بود اما با توجه به تورم بالای کشور، عوارض شهرداری با ۲۵ درصد افزایش بسته شد حال باید منتظر نظر هیات تطبیق باشیم. او در واکنش به اظهارنظر فرماندار تهران درباره عدم امکان اجرای شهر بیدار گفت: قوانین و مصوبات ما تنها بانگاه کرونانیست و حتی در حال حاضر برخی قوانین جاری است اما ستاد کرونا نسبت به آنها واکنش نشان می‌دهد مانند سینما رفتن. این مورد هم می‌تواند تصویب شود اما اجرای آن به بعد از کرونا موکول شود. رییس شورای شهر در پاسخ به این سوال که با توجه به افزایش عوارض طرح ترافیک آیا سهمیه خبرنگاران، جانبازان و غیره تغییری کرده است یا خیر عنوان کرد: این موارد مانند گذشته است و تغییری نکرده است. برای طرح ترافیک به برخی تخفیف داده می‌شد که این موارد به قوت خود باقی است.

ضوابط بخشش اضافه خدمت سنواتی کارکنان وظیفه

رییس اداره سرمایه انسانی سرباز ستاد کل نیروهای مسلح ضوابط بخشش اضافه خدمت سنواتی کارکنان وظیفه در نیروهای مسلح را اعلام کرد. امیر غلامرضا رحیمی‌پور درباره ضوابط بخشش اضافه خدمت سنواتی کارکنان وظیفه در نیروهای مسلح گفت: براساس تبصره ۱ ماده ۵۸ قانون خدمت وظیفه عمومی مشمولان غایبی که به خدمت سربازی اعزام می‌شوند، در صورتی که در حین خدمت حسن اخلاق، رفتار و جدیت در انجام وظیفه از خودشان نشان دهند یا در مناطق جنگی، امنیتی و عملیاتی ابراز شجاعت و فداکاری کنند، بطوری که مراتب مورد گواهی فرماندهان و مسوولان جایگاه‌های سرتیپی و بالاتر قرار بگیرد، تمام یا بخشی از مدت اضافه خدمت سنواتی آنان مورد بخشش قرار می گیرد. او ادامه داد: براساس این ضوابط، مصادیق اخلاق و رفتار، حسن انجام وظیفه و شرایط خاص طی دستورالعملی که به تمام سازمان‌های نیروهای مسلح ابلاغ شده است، کارکنان وظیفه دارای غیبت سنواتی ۳ یا ۶ ماه می‌توانند با مراجعه به نیروی انسانی یگان‌ها از نحوه برخورداری از مقررات بخشش آگاه شوند. رییس اداره سرمایه انسانی سرباز ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به برخی از مصادیقی که موجب استفاده از بخشش حین خدمت می‌شود، تصریح کرد: خدمت کارکنان وظیفه چه بومی یا غیربومی در منطقه امنیتی درگیر با حداقل ۶ ماه خدمت به صورت پیوسته یا ۸ ماه به‌طور متناوب و کارکنان وظیفه غیربومی در منطقه امنیتی غیردرگیر و عملیاتی با حداقل ۱۰ ماه خدمت و کارکنان وظیفه غیربومی در منطقه محروم و بدآب و هوا با حداقل ۱۲ ماه خدمت در منطقه از مصادیق بخشش حین خدمت است.

محیط زیست

روزانه ۵۸ هزار تن زباله در کشور تولید می‌شود

معاون آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست از تولید روزانه ۵۸ هزار تن زباله در کشور خبر داد. ژیلا مهدی آقایی گفت: ترویج سبک زندگی مبتنی بر «مصرف به اندازه نیاز» و توجه به محیط زیست به عنوان یک عامل اساسی برای حفظ حیات است. او با اشاره به آثار تخریبی فرهنگ مصرف گرایی بر محیط زیست اظهار داشت: مشکلات زیست‌محیطی عمدتا حاصل رشد تکنولوژی و صنعتی شدن جوامع است، اما مسائل فرهنگی و رفتاری نیز اثرات مستقیمی در تشدید این معضلات خواهند داشت. در واقع هریک از باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی می‌توانند در بهبود یا تخریب محیط زیست نقش موثری ایفا کنند. مهدی آقایی با تعریفی از مفهوم مصرف گرایی ادامه داد: مصرف گرایی بر روش زندگی مبتنی بر مصرف بیش از نیاز تعبیر می‌شود و یکی از عوامل مهم اثرگذار بر تخریب محیط زیست است که پایداری توسعه را با اختلال مواجه می کند. او تصریح کرد: این مفهوم (مصرف گرایی) متاثر از مسائل فرهنگی جامعه است. تغییر سبک زندگی که خودبرخاسته از ارزش‌ها و ساختارهای فرهنگی بوده و موجب افزایش استفاده و خارج از نیاز اقلامی می‌شود که باید برای رفع نیاز بهره‌برداری شوند. مهدی آقایی افزود: مصرف گرایی مزیت خود را در استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و انرژی می‌داند. در واقع اگر هویت اشخاص بر اساس داشته‌های مادی آنها تعریف شود، رقابت بشر برای این مصرف افراطی آغاز شده و طبیعتا محیط زیست قربانی این بازی خواهد بود. این مسوول سازمان حفاظت محیط زیست تاکید کرد: اولین نتیجه مصرف گرایی، تولید انبوه زباله است که سبب تخریب طبیعت و محیط زیست می‌شود. براساس آمار، روزانه ۵۸ هزار تن زباله در کشور تولید می‌شود واز این میزان تنها ۷ تا ۹ درصد آن بازیافت می گردد. آمار دورریز مواد غذایی و نان نیز در جامعه ایران بیش از استاندارد جهانی و مصرف انرژی همچون آب وبرق وگاز حاکی از مشکلات جدی در زمینه مصرف انرژی است. مهدی آقایی افزود: افزایش مصرف همچنین استفاده ابزاری از منابع طبیعی و محیط زیست برای تولید محصولات و زباله را نیز افزایش خواهد داد. به عنوان مثال، صنعت مد و پوشاک در حال حاضر یکی از عوامل اثرگذار بر تخریب طبیعت است. وی یادآور شد: این صنعت موجب انتشار ۱۰ درصد از کربن جهان بوده و این در حالی است که درصد قابل توجهی از منسوجات سالانه دور ریخته شده و به زباله تبدیل می‌شوند. مهدی آقایی همچنین با اشاره به "آب مجازی پوشاک" ادامه داد: به عنوان مثال، تولید یک پیراهن نخی نیازمند مصرف ۴۱۰۰ لیتر آب است و این مساله صرفا نمونه‌ای از آثار تخریبی صنعت پوشاک بر محیط زیست ومنابع طبیعی است. وی گفت: برای کاهش ورفع این آثار تخریبی، اصلاح الگوی مصرف نخستین گام گریز از مصرف گرایی است. این تغییر واصلاح نیز مستلزم فرهنگ‌سازی است که به تدریج با گذشت زمان به یک رفتار اجتماعی تغییر کند. مهدی آقایی افزود: ترویج سبک زندگی مبتنی بر مصرف به اندازه نیاز و توجه به محیط زیست به عنوان یک عامل اساسی برای حفظ حیات، پیش شرط اصلاح الگوی مصرف و گریز از مصرف گرایی به عنوان یک رفتار ناهنجار اجتماعی است. به گفته او، تحقق این پیش شرط هم نیازمند همکاری همه سازمان‌ها و ارگان‌های فرهنگی، آموزشی و رسانه‌های جمعی همچون رادیو، تلویزیون است.

هنر

۲ مستند ایرانی در رقابت اسکار ۲۰۲۱

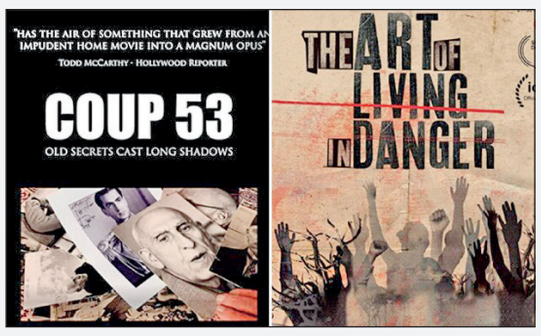

دو اثر مستند از سینماگران ایرانی واجد شرایط رقابت در شاخه بهترین مستند بلند نود و سومین دوره جوایز سینمایی اسکار شدند. مستند «کودتای ۵۳» ساخته تقی امیرانی و «هنر در خطر زندگی کردن» به کارگردانی مینا کشاورز دو اثر مستندی هست که امسال فرصت رقابت در شاخه بهترین مستند بلند جوایز اسکار را خواهند داشت. مستند «کودتای ۵۳» که محصول مشترک ایران و انگلستان است، تاکنون موفق به کسب نمره کامل ۱۰۰ درصد از سوی سایت سینمایی «راتن تومیتوز» شده و سایت IMDb نیز نمره بالای ۷.۹ را به این مستند بر اساس نقدهای سینمایی داده است. فیلم مستند «هنر در خطر زندگی کردن» ساخته مینا کشاورز، بعد از حضور در جشنواره فیلم پوسان و دریافت جایزه بهترین فیلم مستند جشنواره و همچنین حضور در جشنواره فیلم مستند ایدفا، واجد شرایط بهترین مستند بلند اسکار ۲۰۲۱ شده است.

هنر

برگزاری یک جشنواره عکس با تکیه بر تفکر کیارستمی

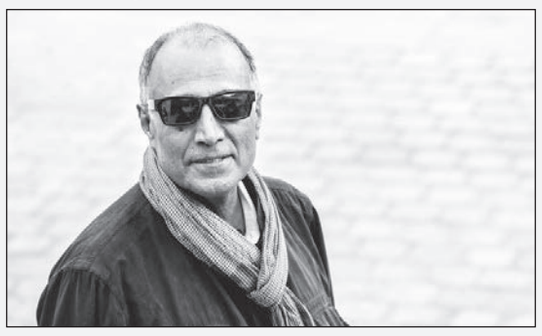

دومین دوره جشنواره «عکس ۵» همزمان با زادروز عباس کیارستمی برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی جشنواره، مهدی شادی‌زاده، مستندساز و دبیر جشنواره «عکس ۵» با بیان اینکه اولین دوره این جشنواره همزمان با بیماری کرونا بود، درباره جزییات آن توضیح داد: بن مایه اصلی این جشنواره تفکر اصلی عباس کیارستمی است. قرار است این جشنواره دوباره برگزار شود و تمام تلاش خود را کردیم تا در بخش بین‌الملل فراگیرتر باشد، زیرا عباس کیارستمی پل ارتباطی میان ایران با کشورهای دیگر بود و ما هم خواستیم این راه را ادامه دهیم. امسال رایزنی‌هایی با فیلیپ آیش هورن، عکاس آلمانی انجام شده و به احتمال زیاد به عنوان دبیر بخش بین‌الملل این جشنواره با ما همکاری کند. همچنین برای جشنواره امسال موضوع «طبیعت بی‌جان» را برای عکاسی انتخاب کردیم. هنرمندان می‌توانند از طریق سایت www.5photoaward.com با عوامل پروژه در ارتباط باشند.